

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

Im Namen Allahs, des Barmherzigen, des Gnädigen

آلمانی (۱) و (۲)

دورهٔ پیش دانشگاهی

**Deutsch für
die
Kollegstufe**

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی

نام کتاب : آلمانی (۱) و (۲) - ۳۱۸/۳

مؤلفان : دکتر فرزین بانکی، دکتر محمدحسین خواجهزاده، صدیقه وجدانی، هایده زرگریزاده،

توران فیض اللهزاده، ژیلا همتیان و لادن لنگری

بازنگری و اصلاح : سعید کفایتی

آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت : www.chap.sch.ir

نقاش : محمدحسن معماری

صفحه آرا : مریم نصرتی

طراح جلد : مریم کیوان

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه : راوی

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ چهارم ۱۳۹۱

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۵-۱۴۲۲-۰۵-۹۶۴ ISBN 964-05-1422-5



اگر مهلت پیدا کنیم این کشور را به برکت این جوان‌های عزیز به آن جایی
می‌رسانیم که احتیاجش در هر امری، از کشورهای دیگر منقطع گردد.
امام خمینی (ره)

Inhaltsverzeichnis

Lektion 1:	1
1A) Das neue Medium	1
1. Eine neue Kollegin aus Österreich	2
2. Ein Kollege geht in Pension	3
1B) Grammatik	4
a. Noch einmal Verben mit Präpositional - Objekt	4
b. Präpositionalwendungen	5
Übungen	7
Wiederholungstest	12
Lektion 2:	14
2A) Eine Autofabrik besuchen	14
1. In der Sozialkundestunde	14
2. Der Tag des Ausflugs	15
2B) Grammatik	17
a. Noch einmal Passiv (Präsens und Präteritum)	17
b. Das Pronomen “ <i>es</i> ”	17
c. Nebensätze mit “ <i>ob</i> ”	18
d. Vom Verb zum Substantiv	18
Übungen	19
2C) Wer ist das?	23
Wiederholungstest	25
Lektion 3:	28
3A)	
1. Schule als Nebenjob	28
2. Wie entstehen sportkleidungen	34
3B) Grammatik	36
a. Passiv Perfekt	36
b. Infinitivsätze mit “ <i>um.....zu</i> ”	37
Übungen	38
Wiederholungstest	40

Lektion 4:	42
4A) Aus der Zeitung	42
1. Raubüberfall	42
2. Ungewöhnliche Täter	45
4B) Grammatik	46
a. Modalverben	46
b. Partizip I als Adjektiv	47
c. Plusquamperfekt	47
d. Die Präposition “bei”	48
e. Nebensätze	48
Übungen	49
Wiederholungstest	51

Lektion 5:	53
5A)	
1. Was würdest du tun, wenn du Bürgermeister wärest?	53
5B) Grammatik	55
Konjunktiv II	55
a. Bildung der Gegenwartsform	55
b. Gebrauch des Konjunktivs II	57
c. Bildung der Vergangenheitsformen	58
Übungen	60
Wiederholungstest	66

Lektion 6:	68
6A)	
1. Ein Besuch bei Verwandten	68
2. Lasst Blumen Sprechen	70
6B) Grammatik	72
a. Verben mit fester Präposition (Teil 1)	72
b. Verben mit verschiedenen Präpositionen	75
c. Verben mit oder ohne Präposition	75
Übungen	76
6C) Eine Ausländische Studentin in Deutschland erzählt.	79
Wiederholungstest	82

Lektion 7: **84**

7 A)	
1. Auch Computer können nicht alles. (Ein Bericht im Jahre 1970)	84
2. Brauchen Sie einen Übersetzungscomputer?	85
7B) Grammatik	86
a. Partizip II als Adjektiv	86
b. Partizip II von “werden” (beim Hauptverb bzw.Hilfsverb)	87
c. Relativsätze	87
Übungen	88
Wiederholungstest	93

Lektion 8: **96**

8A)	
1. Entwicklung	96
2. Ein Erfinder erzählt	98
8B) Grammatik	100
a. Nebesätze mit <i>als, ob, daß</i> und <i>Fragewörter</i>	101
b. <i>solch, solche, solches, solche</i> (plural)	101
c. Verben mit fester Präposition (Teil2)	101
Übungen	102
Wiederholungstest	106
Test	110
Wörterverzeichnis	118

بسمه تعالی

پیش‌گفتار

نظر به اهمیت تدریس و فراگیری زبان‌های خارجی از جمله انگلیسی، آلمانی و فرانسه و... در مدارس کشور و فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها در زمینه زبان آلمانی، کتاب زبان آلمانی پیش دانشگاهی تألیف گردید.

برای ارتقاء سطح آموزش و پاسخ به نیاز فراگیران جهت یادگیری مفید این کتاب در دسترس قرار گرفت.

کتاب حاضر با توجه به تغییرات به وجود آمده در متون و تمرینات همانند کتاب‌های دوره دبیرستان شامل متون اصلی (موضوع - واژگان - ساختار)، نکات دستوری جدید، مرور نکات دستوری کتاب‌های دوره‌های قبل، واژگان، اصطلاحات و تمرین دوره‌ای در پایان هر درس با هدف کنترل و تثبیت آموخته‌های دانش‌آموزان می‌باشد.

در متون اصلی مهارت خواندن و درک مطلب، یادگیری واژگان و به کارگیری ساختارهای جدید دانش‌آموزان را وادار به تفکر، پویایی و ارائه پاسخ مناسب می‌نماید.

تمرینات متنوع هر درس و همچنین تمرینات دوره‌ای در پایان هر درس با عنوان «Wiederholungstest» از نوع چهارگزینه‌ای، درک مفهوم، درک معنی واژگان و تمرینات نوشتاری نقش بسیار مؤثری را در تثبیت مهارت‌های زبانی و آموخته‌های دانش‌آموزان خواهد داشت. همچنین تقسیم‌بندی کتاب در قالب ۸ درس با توجه به بودجه‌بندی زمانی صورت پذیرفته است.

امید است این کتاب برای معلمان و دانش‌آموزان عزیز مفید باشد، همچنین در ادامه به منظور آموزش مفیدتر زبان آلمانی در آینده نزدیک، نظر شما همکاران محترم را به چشم‌انداز آموزش زبان‌های خارجی معطوف می‌داریم.

چشم‌انداز آموزش زبان‌های خارجی

بالطف و مدد الهی، همسو با برنامه‌ریزی‌های جدید به منظور بسترسازی مناسب برای ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی - تربیتی کشور، در گروه زبان‌های خارجی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، نظریه و رویکردی نوین و نوآورانه مورد توجه صاحب‌نظران و کارشناسان قرار گرفت. در این رویکرد، ضمن توجه به اهمیت پرداختن به چابکی، چرایی و چگونگی فعالیت‌های آموزشی - تربیتی، آموزش کیفی و توانمندسازی مهارت‌های چهارگانه زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) و کیفی‌سازی آموزش مهارت‌های یادگیری نیز مدنظر است. در این راستا،

فراگیرندگان باید متفکرانه، عاقلانه و عالمانه از یک سو، و با نگاهی دوسویه، هدف‌مند و ارزش‌مدار، از سویی دیگر، فعالانه و آگاهانه، مهارت‌آموزی کنند.

به منظور دستیابی به زیبایی‌شناسی فطری، تألیف کتاب‌های درسی جدید رویکردی تفکرگرا، تعقل‌محور و خودشکوف‌دار و در آن ایجاد ارتباطی سالم، بانشاط، ارزش‌مدار، هدف‌مند، فعال، بویا، معنادار، دوسویه و تأثیرگذار، مورد تأکید است. در برنامه‌ریزی‌های جدید، رویکرد تألیف کتاب‌های زبان‌های خارجی به ویژه زبان انگلیسی، از نگاهی علمی - معرفتی، منطقی و فرهنگی برخوردار است که در واقع ارزش‌های هویتی اسلامی - ملی مان را در بردارد. این برنامه، کیفی‌سازی آموزش زبان را با نگرشی توحیدی نسبت به تنظیم اهداف، محتوا، روش یاددهی، ارزش‌یابی فرایندی و ... نیز پوشش می‌دهد.

در این رویکرد، پیام‌های آموزشی - تربیتی از مرز مفاهیم پیشتر می‌روند و کاربردی می‌شوند. فراگیرندگان در فضای آموزشی - تربیتی و کلاس درس، مصرف‌کننده صرف اطلاعات دریافتی نیستند، بلکه خود می‌توانند ناقد و تحلیل‌گر محتوای آموزشی باشند و بر رشد فرایندی فعالیت‌های علمی - معنوی در مشارکتی معنادار بیفزایند و هم‌افزایی کنند.

هم‌چنین در برنامه‌ریزی‌های جدید بسته‌های آموزشی - تربیتی، علاوه بر کتاب درسی به عنوان منبع اصلی، کتاب کار و نرم‌افزار آموزشی برای خودآموزی فراگیرندگان، کتاب راهنمای معلم، و فعالیت‌های جانبی و مکمل دیگری از جمله معرفی سایت‌های مفید و فیلم‌های زیرنویس‌دار دو یا سه زبانه، سی‌دی‌ها و کتاب‌های آموزشی - تربیتی و تولیدات جدید و ... نیز مورد توجه است. لذا در امر آموزش، علاوه بر توجه به کیفی‌سازی مهارت‌های یادگیری و مهارت‌های دریافتی، توجه به مهارت‌های تولیدی به ویژه سخن‌گفتن و نگاه‌ستن، ضمن دقت در فلسفه آموزش و فراگیری و هم‌چنین تقویت نگاه و روحیه پرسش‌گری و پاسخ‌گویی مسئولانه و ... ملاک فعالیت‌هاست تا ویژگی‌های انسان از دیدگاه قرآن حکیم (تفکر، تعقل، علم، ایمان به خالق هستی‌بخش، عمل صالح و اخلاق نیکو) در فرد متبلور شوند و فراگیری معنادار به تغییر رفتار مستمر و پایدار در مسیر الهی بینجامد. در برنامه‌ریزی‌های جدید سعی شده است، ضمن ایجاد نشاط علمی در فضای آموزشی - تربیتی، رشد تربیت علمی - معرفتی و تعمیق فعالیت‌های مفید فرهنگی، به ویژه فرهنگ‌سازی برای تولید محتوا، مدنظر قرار گیرد. به علاوه، بر توسعه انسانی فطرت‌گرا، گسترش زیبایی‌شناسی فطری، اهمیت و جایگاه علم و معرفت کاربردی در زندگی تأکید شود و در راستای چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، برای رشد و تعالی ارتباطات انسانی - اجتماعی جامعه بشری، ارتباطات زبانی را ارزش‌مدار، معنادار، تأثیرگذار، مفید و خودباورانه سازد.

گروه درسی زبان‌های خارجی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

<http://eng-dept.talif.sch.ir>



Im Namen Allahs

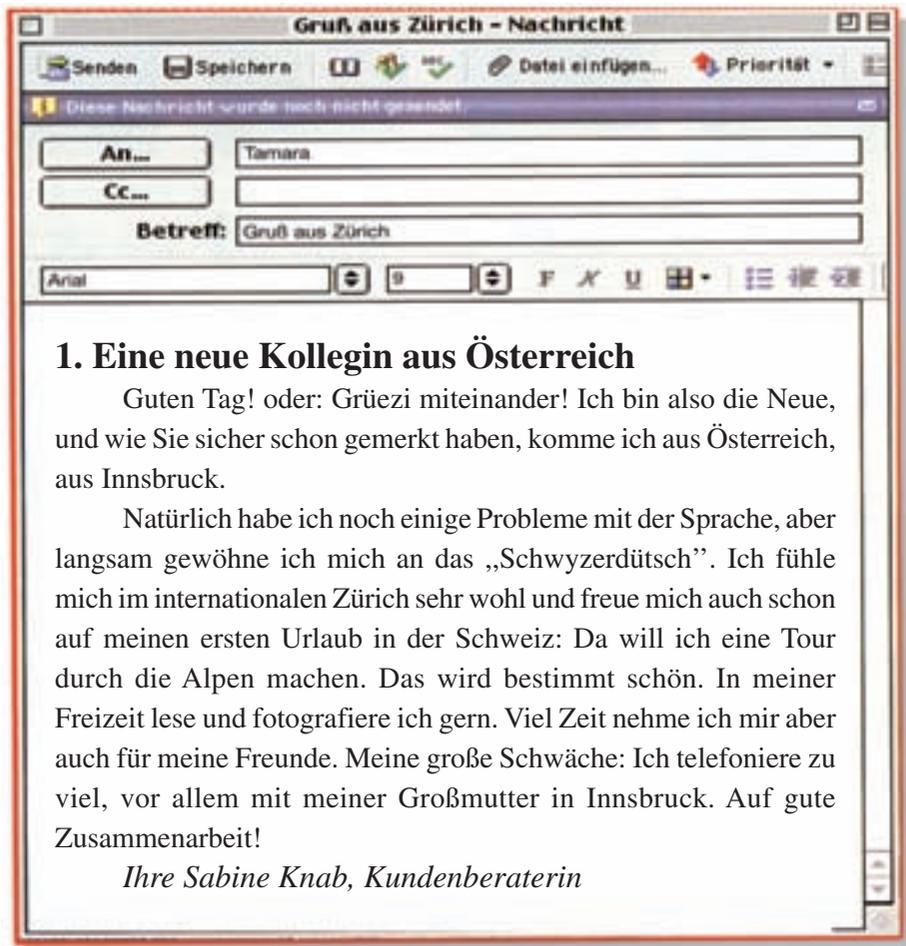
Lektion 1

1A

Das neue Medium

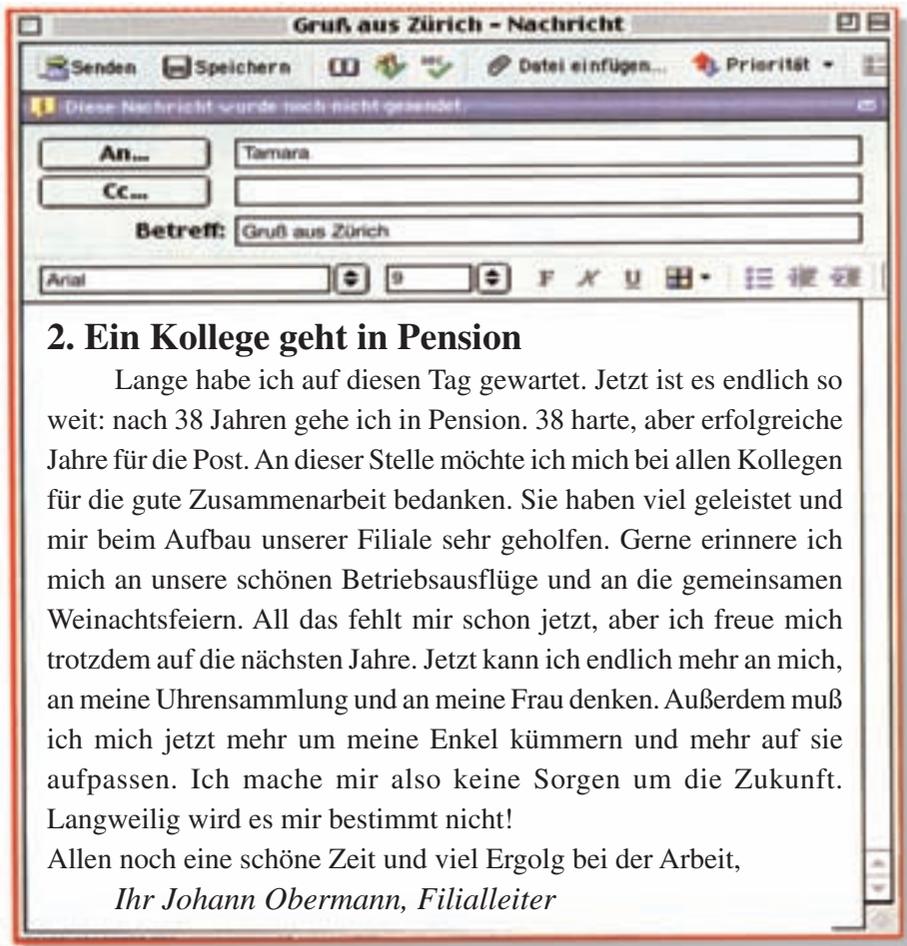
*Heutzutage hat man ein besseres Mittel, mit anderen Kontakte zu haben.
Anstatt Briefe, Postkarten und Telegramme schickt man E - Mails.
Das neue Medium bietet uns; höher Schnelligkeit und weniger preis.*





Lesen Sie den Text und schreiben Sie R für richtigen und F für falschen Aussage.

- | | R | F |
|--|----------|----------|
| 1. Die Schweiz bietet ihr nichts Neues, Weil sie schon mal da war. | ----- | ----- |
| 2. Sabine wird bald keine Probleme mit der Sprache haben. | ----- | ----- |
| 3. Sabine arbeitet jetzt in ihrer Heimatstadt. | ----- | ----- |
| 4. Sabine grüßt alle am Anfang. | ----- | ----- |
| 5. In der Schweiz wohnen Leute aus aller Welt. | ----- | ----- |



Lesen Sie den Text und schreiben Sie R für richtigen und F für falschen Aussage.

- | | R | F |
|---|----------|----------|
| 1. Herr Obermann war im Managementdienst. | ----- | ----- |
| 2. Er hat eine gute Erinnerung an den Betrieb. | ----- | ----- |
| 3. Nach der Pension möchte er sich eine Stelle suchen, weil er sich bestimmt langweilt. | ----- | ----- |
| 4. Er würde Zeit für seine Enkel nehmen. | ----- | ----- |
| 5. Er freut sich nicht besonders über seine Pensionierung. | ----- | ----- |

Leseverstehen:

Haben Sie die Nachrichten verstanden? Bitte verbinden Sie.

- | | | |
|--|--|---|
| <ol style="list-style-type: none"> 1. Womit hat Sabine Probleme? 2. Mit wem telefoniert Sabine oft? 3. Wobei haben die Kollegen geholfen? 4. Woran erinnert sich Herr Obermann gern? 5. Worum macht sich Herr Obermann keine Sorgen? 6. An wen möchte Herr Obermann jetzt mehr denken? 7. Auf wen möchte Herr Obermann aufpassen? 8. Wofür bedankt sich Herr Obermann? 9. Bei wem bedankt er sich? 10. Für wen nimmt Sabine viel Zeit? | | <ol style="list-style-type: none"> A. An die schönen Betriebs_ ausflüge B. An seine Frau C. Auf seine Enkel D. Beim Aufbau der Filiale E. Für die gute Zusammenarbeit F. Bei allen seinen Kollegen G. Mit der Sprache H. Für ihre Freunde I. Um die Zukunft J. Mit ihrer Großmutter |
|--|--|---|

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
G									

Grammatik

IB

a. Noch einmal Verben mit Präpositional - Objekte

Verb+ Präposition + Akkusativ	Verb + Präposition + Dativ
warten auf	anfangen
sich freuen	jemanden einladen
sich gewöhnen	Angst haben
sich interessieren	sich treffen
sich ärgern	jemandem helfen bei

b. Präpositionalwendungen (1)

	Person	keine Person
Akkusativ	An ___ denkt Herr Obermann	Womit hat Sabine Probleme? Wo ___ haben die Kollegen geholfen?
Dativ	Mit ___ telefoniert Sabine?	Wor ___ erinnert sich Herr Obermann gern? Wor ___ macht er sich keine Sorgen?

Über Sabine: Ergänzen Sie die Sätze mit den Sätzen aus dem Kasten.

Aber sie gewöhnt sich bald daran.
 Sie nimmt sich Zeit für sie.
 Sie telefoniert oft mit ihr.
 Sie hat noch Probleme damit.
 Sie freut sich schon darauf.

1. Sabine versteht noch nicht so gut „Schwyzerdütsch“. Sie hat noch Probleme damit.
2. Sie hat viele Freunde. _____ .
3. Ihre Großmutter wohnt in Regensburg. _____ .
4. Sie hat bald Urlaub. _____ .
5. Das Deutsch in der Schweiz ist nicht ganauso wie das Deutsch in Österreich _____ .

(2) Bezug auf Präpositional-Objekte

Person: Präposition + Personal pronomen	keine Person: da(r) - + Präposition
für wen? für sie	womit? da _____
mit wem?	Worauf? dar _____

Über Herrn Obermann: Ergänzen Sie die Lücken mit Präpositional - Objekten.

1. Die Kollegen haben ihm geholfen. Er bedankt sich dafür.
2. Er geht in Pension. Er hat lange _____ gewartet.
3. Er muß bald nicht mehr arbeiten. Er freut sich schon _____ .
4. Die Betriebsausflüge waren toll. Er erinnert sich gern _____ .
5. Er hat eine Uhrensammlung. Er denkt _____ .

(3) Wovon? davon; von wem von ihm.

<u>Wovon</u> lebt er?	Von seiner Erbschaft.
Lebt er von seiner Erbschaft?	Ja, er lebt <u>davon</u> .
<u>Von wem</u> haben Sie das gehört?	Von einem Kollegen.
Haben Sie das von Herrn M. gehört?	Ja natürlich, <u>von ihm</u> .
<u>Womit</u> hat er sein Haus eingerichtet?	Mit dem Geld des Onkels.
Hat er das Haus mit dem Geld des Onkels eingerichtet?	Ja, <u>damit</u> hat er es sicher eingerichtet.
<u>Mit wem</u> haben Sie gesprochen?	Mit dem Kommissar.
Haben Sie schon mit dem Obermann gesprochen?	Natürlich, ich habe schon gestern <u>mit ihm</u> gesprochen!

**Bei Personen steht immer Präposition + Personalpronomen.
- r steht, wenn die Präposition mit einem Vokal anfängt:
wo + auf → worauf, da + an → daran.**

Übungen

1. Welches Verb gehört zu welcher Präposition? Akkusativ oder Dativ?

denken sich kümmern sich Sorgen machen aufpassen
 Probleme haben helfen sich unterhalten sich erinnern
 warten sich Zeit nehmen sich bedanken (2mal.

- | | |
|---|--|
| <p>a. aufpassen }
 _____ } auf + Akkusativ</p> <p>b. _____ }
 _____ } an + _____</p> <p>c. _____ }
 _____ } mit + _____</p> | <p>d. _____ }
 _____ } für+ _____</p> <p>e. _____ }
 _____ } um+ _____</p> <p>f. _____ }
 _____ } bei+ _____</p> |
|---|--|

2. Was denkt Frau Schnell über ihre alte Kollegin, Frau Schulz? Markieren Sie.

Beispiel: Frau Schulz arbeitet wirklich schlecht. Ich ärgere mich oft über ihr / *sie*.

- a. Wenn ich sie rufe, muss ich immer auf (ihr/sie) warten.
- b. Am ersten Tag war sie ganz nett und ich konnte mich ganz gut mit (ihr/sie) unterhalten.
- c. Jetzt spricht sie nicht mehr mit mir. Vielleicht hat sie Angst vor (mir/mich).
- d. Wenn ich ihr helfe, bedankt sie sich nicht bei (mir / mich).
- e. Und ich nehme mir so viel Zeit für (ihr / sie).
- f. Wenn sie nicht will, dann kümmere ich mich eben nicht mehr um (ihr/sie)!
- g. Zum Glück gehe ich in eine andere Filiale. An (dieser/diese) Frau kann ich mich nicht gewöhnen.
- h. Leider muss ich sie zu (meinem /meinen) Abschiedstest einladen.

3. Wo - oder Wor -? Fragewörter mit Präpositionen.

- a. Womit hat Sabine Probleme? - Mit der Sprache.
- b. _____ erinnert sich Herr Obermann gern? _ An die Betriebsausflüge.

- c. _____ haben die Kollegen geholfen? _ Beim Aufbau der Filiale.
- d. _____ macht er sich keine Sorgen? _ Um die Zukunft.
- e. _____ freut sich Sabine? _ Auf ihren ersten Urlaub.
- f. _____ bedankt sich Herr Obermann? _ Für die gute Zusammenarbeit.

4. Person oder Keine Person? Kombinieren Sie.

- ① Worauf wartest du? A An meine Schwester. Sie hat heute Geburtstag.
- ② Woran denkst du? B Vor meiner Chefin. Sie ist nicht nett zu mir.
- ③ Wovor hast du Angst? C Auf den Bus. Ich möchte nach Hause fahren.
- ④ An wen denkst du? D Auf meine Freundin. Sie Kommt immer zu spät!
- ⑤ Auf wen wartest du? E Vor der Prüfung. Sie ist sicher sehr schwer.
- ⑥ Vor wem hast du Angst? F An das Abendessen. Ich habe Hunger.

1	2	3	4	5	6
C					

5. Ergänzen Sie die Fragen.

- a. Wofür nimmst du dir viel Zeit? _ Für die Hausaufgaben.
- b. _____ hast du Probleme? _ Mit meinem Mann.
- c. _____ denkst du? _ An meine Großmutter.
- d. _____ musst du aufpassen? _ Auf meine Tochter.
- e. _____ denkst du? _ An meinen Urlaub.
- f. _____ nimmst du dir viel Zeit? _ Für meinen Freund.
- g. _____ hast du Probleme? _ Mit der Grammatik.
- h. _____ musst du aufpassen? _ Auf meinen Fotoapparat.

6. Steht das Pronomen für eine Person, für ein anderes Nomen oder für einen ganzen Satz? Unterstreichen Sie bitte.

Beispiel: Der letzte Betriebsausflug war wirklich schön. Ich denke oft daran.

- a. Großvater geht es gut. Ich habe gestern mit ihm telefoniert.
- b. Es gibt viel Arbeit Am besten, wir fangen gleich damit an!
- c. Der Drucker geht mal wieder nicht. Darauf habe ich schon gewartet.
- d. Schau mal! Da hinten ist Karin. Kannst du dich noch an sie erinnern?

- e. Hier regnet es so oft. Ich kann mich einfach nicht daran gewöhnen.
- f. Meine Enkel haben Probleme mit den Hausaufgaben. Also helfe ich ihnen dabei.
- g) Herr Obermann ist oft so unfreundlich. Darüber ärgere ich mich wirklich.

7. Dialoge in der Post. Ergänzen Sie bitte.

Beispiel: Weiß du, wie man dieser Formular ausfüllt? _ Warte, ich helfe dir dabei.

- a. Der Chef ist wirklich unfreundlich! _ Stimmt. Ich ärgere mich auch _____
- b. Morgen ist endlich Wochenende! _ Ich freue mich auch schon _____.
- c. Wie geht es deinen Eltern? _ Gut. Ich habe gestern. _____ telefoniert.
- d. Der Auszugsdrucker ist kaputt. _ Ich kümmere mich gleich _____.
- e. Ludwig sieht heute krank aus. _ Hmm. Ich mache mir auch schon Sorgen _____ .
- f. Ich verstehe den Dialekt hier kaum. _ Keine Angst, _____ gewöhnst du dich schnell.
- g. Hast du Frau Schmidt schon kennengelernt? _ Ja. ich habe mich in der Pause _____ unterhalten.

8. Herr Obermann hat Probleme mit seiner Familie. Geben Sie ihm Ratschläge.

- | | |
|--|---|
| a. Ich sehe meine Tochter fast nie. | Nehmen sie sich doch mehr zeit für sie!
(sich mehr Zeit nehmen) |
| b. Meine Frau putzt den ganzen Tag das Haus. | _____
(helfen) |
| c. Meine Enkel sind immer so laut. | _____
(sich mehr kümmern) |
| d. Meine Frau sitzt jeden Abend vor dem Fernseher. | _____
(sich unterhalten) |
| e. Wir wissen noch nicht, wo wir nächstes Jahr Urlaub machen. | _____
(sich keine Sorgen machen) |
| f. Meine Mutter ist sauer, weil ich mich nicht um sie kümmere. | _____
(öfter telefonieren) |
| g. Immer klingelt das Telefon bei uns zu Hause. | _____
(sich nicht ärgern) |

9. Ergänzen Sie das Gespräch bitte.

Frau Obermann unterhält sich mit einer Freundin.

damit mitwen wofür an dafür daran für ihn
um sie an ihn für darauf für ihn

- Nächste Woche geht mein Mann in Rente. Er wartet schon so lange darauf , weil er das ganze Haus ausmalen möchte. Hoffentlich fängt er nicht sofort _____ an!
- Hat er denn keine anderen Hobbys? _____ interessiert er sich denn sonst so?
- _____ seine Uhrensammlung! Jetzt nimmt er sich sicher noch mehr Zeit _____. Er sollte lieber _____ seine Enkel denken und sich mehr _____ kümmern!
- Dann ist Ihr Mann jetzt immer zu Hause?!
- Oh ja! Hoffentlich kann ich mich _____ gewöhnen. Er denkt bestimmt, dass ich immer. _____ Zeit habe. _____ kann er sich sonst unterhalten? Er hat ja kaum Freunde.
- Und seine Kollegen?
- Er hatte nette Kollegen. Aber jetzt haben sie kaum zeit _____.

10. Wofür - dafür; womit - damit; wovon - davon; worüber - darüber von ihm/ihr/ihnen

- a. ... lebt er, von seiner Erbschaft? Kann er ... leben?
- b. Das Auto ist so alt, ... kann er nicht nach Italien fahren.
- c. Was macht Peter eigentlich? Ich habe lange nichts mehr gehört.
- d. Wieviel wollen Sie für das Zimmer? Zweihundert Euro? ... bekommen Sie höchstens hundert.
- e. ... haben Sie sich unterhalten, über den Unfall? - Ja, wir sprechen oft ...
- f. Ich hatte dir doch ein Bild geschenkt. Hast du dich ... gefreut?
- g. Natürlich kennen wir Meyers. Wir haben gerade gesprochen.
- h. Sie kennen Peter nicht? Hier ist ein Bild
- i. Ich weiß nicht, ... sich meine Nachbarn interessieren.
- j. Ich weiß,... er das beweisen kann: mit dem Testament.

11. Von - wovon - davon

Er lebt von seiner Erbschaft. - Wovon? Von seiner Erbschaft?

Davon kann er doch nicht leben!

- a) vom Geld seiner Frau b) von der Arbeit seiner Kinder c) von seinen Büchern d) seine Tochter (ihre Musik) e) ihr (eure Fotos) f) du (der Sport) g) die Reporterin (ihre Artikel) h) er (seine Uhren)

Wiederholungstest

Ein Brief von Großmutter. Bitte ergänzen Sie die Präpositionen.

Meine liebe Sabine,

wie geht es dir? Zuerst möchte ich mich bei die _____ deinen netten Brief bedanken. Ich denke Jeden Tag _____ dich und vermisse dich sehr. Ich konnte dir leider nicht schneller antworten, weil ich mich _____ Großvater kümmern musste. Er war krank, weiß du? Wir haben uns schon Sorgen _____ ihn gemacht, aber jetzt geht es ihm wieder besser. Und dann muß ich gerade _____ die Katze von Webbers aufpassen. Die sind nämlich zwei Wochen nach Mallorca gefolgt. Deine Oma hat viel zu tun.

Und du? Hast du immer noch Probleme _____ deinem Chef? Und hast du jetzt jemanden, der dir _____ der Wohnungssuche hilft? Ich hoffe, du findest bald etwas Schönes!

Gestern habe ich mich _____ deinem Vater unterhalten.

Er ist ein bisschen sauer, daß du nicht anrufst. Er glaubt, du erinnerst nicht mehr _____ ihn! Nimm dir doch ein bisschen Zeit _____ einen.

Ich telefoniere öfter _____ ihm. Was meinst du? So, jetzt muß ich Schluß machen? Dein Großvater wartet _____ das Essen ... Bis bald und alles Gute!

Deine Großmutter





«هر که در یابد ماه رمضان را، باید در آن روزه بگیرد.»

قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۸۵

Wer von euch
im Monat
zugegen ist,
soll in ihm
fasten.

der koran, sure 2,185

Eine Autofabrik besuchen

1. In der Sozialkundestunde

In der Sozialkundestunde diskutieren die Schüler und der Lehrer über die Gemeinde auf der sie wohnen. Sie möchten wissen, welche Fabriken auf der Gemeinde geben, was da produziert werden, und wohin diese Produkte exportiert werden. Auf der Stadtkarte gibt es:

Autofabrik, Uhrenfabrik, Fahrradindustrie, Lebensmittelindustrie, Sportkleidungfabrik, Druckerei,

Der Lehrer möchte jetzt wissen, für welche Industrie interessieren sich die schüler am meisten?

Es gibt viel Reden. Die Schüler haben mit dem Lehrer darüber diskutiert, aber sie wissen nicht, ob es sich lohnt, die Autofabrik zu besuchen, oder die Druckerei. Nach einer kurzen Umfrage wird es festgestellt, daß fast alle sich für die Autofabrik entschieden haben.

2. Der Tag des Ausflugs

Heute ist der Tag des Ausflugs. Die Schüler und der Lehrer fahren zusammen im Schulbus zur Fabrik. An der Fabrikentür steigen sie aus und werden ins Gebäude geführt. Hier ist jeder Ingenieur für seine Stelle zuständig. Die Fragen der Schüler zu beantworten.

Die Schüler sind sehr gespannt. Solches Gebäude, solche komplizierte Maschinen, und Geräte haben sie nie gesehen.

S: Schüler

I: Ingenieur

L: Lehrer

S: Haben Sie soviel Material für Autos?

I: Nicht immer. Jeden Monat oder jede Woche werden Montageteile mit Lastwagen zur Fabrik gebracht. Aber das Blech für Autos muß zuerst mit Bahn bzw. mit Lastwagen gebracht werden.

S: Was macht man mit dem Blech?

I: Das muß geschnitten werden.

S: Wer Schneidet es und ist es nicht schwer zu schneiden?

I: Schon, aber es wird automatisch geschnitten. Und jetzt hat man schon die Karosserieteile, die gepresst werden müssen, zum Beispiel: Dächer, Seitenteile, Boden, usw.

S: Sehr interessant und dann?

I: Dann werden die Karosserieteile geschweißt.

S: Schweißen die Facharbeiter die Teile?

I: Nein, schwere Arbeiten werden von Robotern gemacht. Die fertigen Karosserien werden lackiert und mehrere Male gespritzt. In dieser Art wird die Karosserie gegen Rost geschützt. Jetzt wird das Auto fertig montiert.

S: Wird das auch von Robotern gemacht?

I: Nein, die Arbeiter montieren Motor, Sitzen, Räder, Bremsen, Lichter, Scheiben, usw.

S: Kann man jetzt das Auto fahren? Ich meine, ist das Auto schon fertig?

I: Fahren schon. Aber das Auto muß noch einmal geprüft werden.

S: Werden die Autos hier verkauft?

I: Hier nicht. Wir haben Büros in fast allen Städten und auch im Ausland. Die Autos werden mit besonderen Lastwagen, die dafür geeignet sind, zu den Filialen bzw. zu den Käufern geschickt.

L: Vielen Dank für die ausführlichen Auskünfte.

Kinder, habt ihr noch Fragen?

S: Nein, nicht mehr. Wir haben fast alles gefragt. Vielen Dank. Aufwiedersehen.

I: Auf Wiedersehen.

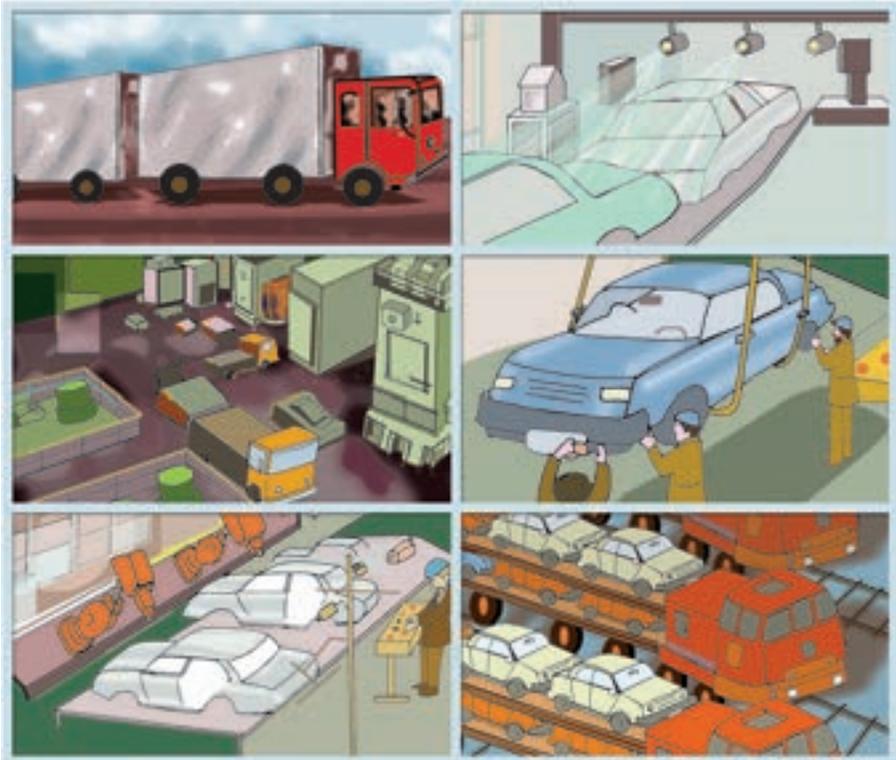
Leseverstehen

Verbinden Sie.

1. Das Material wird
 2. Die Räder, Spiegel, Motor
 3. Das Auto muß gegen Rost
 4. Die Blechteile
 5. Das Fertige Auto
 6. Die Roboter
 7. Die komplizierte Maschine
 8. Das Blech muß zuerst
- A. geschützt werden.
 - B. machen die schwere Arbeit.
 - C. werden geschweißt.
 - D. Werden montiert.
 - E. geschnitten werden.
 - F. mit Lastwagen zur Fabrik gebracht.
 - G. formt das Blech.
 - H. wird noch einmal geprüft.

1	2	3	4	5	6	7	8
F							

Autoproduktion



a) Noch einmal Passiv (Präsens und Präteritum)

	Aktiv	Passiv
Präsens	Die Facharbeiter <u>prüfen</u> das Auto	Das Auto <u>wird</u> geprüft. Autos <u>werden</u> von Auto Mechanikern repariert.
Präteritum	Ein deutscher Schriftsteller <u>schr</u> ieb den berühmten Roman. Paul schickte gestern die E - Mail	Der berühmte Roman wurde von einem deutschen schrifsteller <u>gesch</u> rieben. Gestern wurde die E - Mail geschickt.

b) es

(1) “Es” steht für ein neutrales Substantiv

Ist das Testament echt? - Nein. es ist bestimmt nicht echt.

(2) “Es” ist formales Subjekt des Satzes.

Was gibts (= gibt es) denn Neues?
Hat es den Onkel wirklich gegeben?

Wie geht's (= geht es)?
Es geht mir schon besser.
Wie war's (=war es)?

Es regnet.
Es klingelt.
Es ist Montagabend.
Es ist schon Spät / acht Uhr.
Es ist / wird kalt / warm / schön.

Es kommt darauf an, daß er eine gute Ausbildung hat.

(3) Sätze mit und ohne „es“

Es ist <u>mir egal</u> , was er verdient.	Was er verdient, <u>ist mir egal</u> .
Es ist <u>leicht / schwierig</u> , Bekanntschaften zu schließen.	Bekanntschaften zu schließen, <u>ist leicht / schwierig</u> .
Es ist <u>nicht bekannt</u> , welchen Beruf er hat.	Welchen Beruf er hat <u>ist nicht bekannt</u> .
Es wurden Leute aus verschiedenen Berufen gefragt.	
Leute aus verschiedenen Berufen wurden gefragt.	

c) Nebensätze - ob

Er möchte wissen,	Was	ist	gestohlen worden?
		Hat	es den Onkel gegeben?
		Gehört	die Uhr ihm?
		Ist	das Testament echt?
	Was gestohlen worden		ist.
	ob es den Onkel gegeben		hat.
	ob die Uhr ihm.		gehört.
	ob das Testament echt		ist.

d) Vom Verb zum Substantiv

baden	Er war beim Baden.
	Er geht zum Baden.
essen	Er war beim Essen.
	Er geht zum Essen.
	Das Essen in diesem Restaurant ist gut.
	Das Rauchen ist hier verboten.

Diese Substantive sind immer neutral (das).

Übungen

1. Noch einmal Partizip Perfekt. Üben Sie mündlich.

Beispiel: Da haben Sie ein schönes Wochenende gehabt.

Ja, wir haben lange nicht mehr so ein schönes Wochenende gehabt.

2. Ergänzen Sie das Partizip Perfekt der Verben.

- a. Die Stühle und Tische werden (aufstellen)
- b. Die Plakate werden an die Wand (aufhängen)
- c. Beim Eintreten werden die Eintrittskarten (kontrollieren)
- d. Für den 22. Bahman werden die Schulklassen von den Schülern
(dekoriieren)
- e. Nach dem Seminar wird den Teilnehmern ein abwechslungsreiches
Freizeitprogramm(anbieten)

3.

3.1 Ergänzen Sie die richtigen Form von “werden“ im Präsens.

Beispiel: Heute *wird* zu dem Thema eine Umfrage in der Stadt gemacht.

- a. Für diese Probleme bestimmt eine Antwort gefunden.
- b. Die Modelle zu erst aus Holz gebaut.
- c. Bei uns Käse nicht gegessen.
- d. Kinder, ihr heute vom Papa abgeholt.
- e. Herr und Frau Falken, Sie heute um 8 Uhr angerufen.
- f. Die Schüler immer vom Lehrer gefragt.
- g. Dem alten Mann auf der Straße geholfen.
- h. Hier immer 8 Stunden gearbeitet.
- i. Es bewiesen, daß Jugendliche heutzutage wenig Bücher lesen.
- j. du auch zur Annas Hochzeit eingeladen?
- k. Von Wem das Frühstück bei euch gemacht.
- l. Wann diese Bücher gedruckt.
- m. O Wem heute noch auf dem Fest gratuliert.
O Anna und Herbert haben im August zum Doktor promoviert.

3.2 Schreiben Sie die Sätze von Übung 3 im Präteritum.

Beispiel:Gestern *wurde* zu dem Thema eine Umfrage in der Stadt gemacht.

- a. Für diese Probleme bestimmt eine Antwort gefunden.
- b. Die Modelle zu erst aus Holz gebaut.
- c. Käse bei uns nicht gegessen.
- d. Kinder, ihr heute vom Papa abgeholt.
- e. Herr und Frau Falken, Sie heute um 8 Uhr angerufen.
- f. Die Schüler immer vom Lehrer gefragt.
- g. Dem alten Mann auf der straße geholfen.
- h. Hier immer 8 Stunden gearbeitet.
- i. Es bewiesen, daß Jugendliche heutzutage wenig Bücher lesen.
- j. du auch zur Annas Hochzeit eingeladen?
- k. Von Wem das Frühstück bei euch gemacht.
- l. Wann diese Bücher gedruckt.
- m. OWem gestern noch auf dem Fest gratuliert.
O (Anna und Herbert haben im August zum Doktor promoviert.)

4.

4.1 Ergänzen Sie “werden“ in den richtigen Form im Präsens und das Partizip Perfekt.

- a. Die Sätze von Schülern (schreiben)
- b. Die Geschichte vom Opa (erzählen)
- c. hier Briefmarken (verkaufen)
- d. Wo hier (tanken)
- e. Das Neujahr in Iran immer im März (feiern)

4.2 Schreiben Sie die Sätze von Übung A im Präteritum.

- a. Die Sätze Wurden
- b.
- c.
- d.
- e.

5.

5.1 ob, daß

Beispiel: Können Sie mir sagen, ob ... es hier eine Apotheke gibt.

- a. Wissen Sie, heute noch ein Zug nach Kiel fährt?
- b. Ich habe nicht gewußt, es sonntags keinen Fußball gibt.
- c. Haben Sie gefragt, wir morgen kommen können?
- d. Haben Sie ihm erzählt, wir morgen kommen?
- e. Wußten Sie schon, wir nach Kanada fahren?
- f. Ich habe keine Ahnung, die Uhr echt ist.
- g. Es ist noch nicht bekannt, das Testament schon zur Polizei geschickt wurde.

5.2 Bilden Sie Sätze mit ob oder daß.

Beispiel: Ist heute Sonntag?

Ich weiß nicht, ob heute Sonntag ist.

- a. Wird dir einen Platz reserviert?
Ich weiß nicht,
- b. Fährt Anna mit dem Zug?
Wir,
- c. Es gibt einen Intensivkurs im Sprachinstitut.
Alle wissen,
- d. Was denkst du über die Verkehrsverbindungen zwischen Teheran und Karaj?
- e. Findet der Ausflug am Montag statt?
Ja, es wurde festgestellt,
- f. Mir macht die Ausbildung Spaß.
Ich glaube,allen.....

6. Schreiben Sie die Sätze wie im Beispiel.

Beispiel: Wo wird BMW produziert?

Alle wissen, wo der BMW produziert wird.

- a. Brauchen Sie 10 Stück Eier?
 Eigentlich weiß ich nicht,..... .
- b. Nehmen Sie das rote Auto oder das blaue?
 Ehrlich gesagt, weiß ich nicht,..... .
- c. Wohin fahren Sie im Urlaub?
 Wir haben noch nicht entschieden,..... .
- d. Fängt der Kurs im September an?
 Es ist noch nicht fest,..... .
- e. Wird Herr Braun euer Mathelehrer?
 Ich weiß noch nicht,..... .

Arbeitswelt ist unbegrenzt. Leute haben verschiedene Arbeiten nach Interesse, Ausbildungen, oder sie sollen den Beruf der Eltern ergreifen.

Es gibt Leute, die für die Produktion einer Ware arbeiten oder bzw in Verkaufsbranche tätig sind. In der Autoindustrie arbeiten manche direkt dafür wie Facharbeiter, Ingenieure usw. Aber es gibt manche, die indirekt fürs Auto arbeiten zum Beispiel Fahrlehrer, Tankwarte, Autoverkäufer oder die Verkäufer, die Autobehörteile verkaufen.

Lesen Sie die drei Kurzttexte und schreiben Sie, wer diese Personen sind.

Automechaniker	Taxifahrer	Schichtarbeiter
----------------	------------	-----------------

1.

...../..... in

Wie alle Berufe hat dieser Beruf Vor - und Nachteile.

Die Leute sind nie allein. Während der Arbeit sprechen sie viel und deswegen sind sie oft gut informiert, sogar denken manche, daß sie allwissend sind.

Diese Personen bemühen sich, damit die Leute ihren Zielort rechtzeitig erreichen. Dieser Beruf braucht viel Geduld und starke Nerven, weil es so viele Autos gibt und deswegen bleiben sie lange im Stau stecken. Der Verdienst ist nicht schlecht. Es kann auch von dem Ort abhängig sein. Die Arbeitszeit ist total verschieden. Wer mehr Geld braucht, arbeitet mehr. Heutzutage sind auch Frauen in diesem Beruf tätig.

2.

...../..... in

Seine // ihre Arbeitszeit wechselt ständig. Er/Sie tut es, weil der Beruf es verlangt. (wie bei Ärzten, Polizisten, Feuerwehrleuten,) oder er / sie mehr Geld braucht. Als verdient er / sie mehr und kann vielleicht die Schulden zurückzahlen. Er/Sie arbeitet entweder von 6 bis 14:30 Uhr oder von 23 bis 6 Uhr. Er/Sie bekommt 18 Euro pro Stunde Plus 50% extra für die Nacharbeit, für die Überstunden 25% und für Sonntagsarbeit sogar 100% extra.

Es gibt keinen gemeinsamen Feierabend, weil das Ehepaar wohl verschiedene Arbeitszeit hat. Es bleibt wenig Zeit für Freunde und Verwandte.

3.

...../..... in

Er/Sie machte die Arbeit, weil dieser Job technisch begabte Leute braucht. Er/Sie arbeitet 6 Tage pro Woche, aber vielleicht auch. Er/Sie arbeitet in einer Werkstatt und repariert und pflegt Autos. Aber wenn ein Auto unterwegs eine Panne hat und nicht mehr fährt oder wenn es einen schweren Unfall gibt und das Auto schwer beschädigt wird, schleppt er/sie das Auto zur Werkstatt ab.

Der Verdienst ist ganz gut, aber ist auch vom Ort abhängig. Der Beruf ist bei Jungen beliebter als bei Mädchen. Die Frau dieser Person beschwert sich über seine schmutzige Uniform, die jeden Tag gewaschen werden muß.

Lesen Sie den Text „Wer ist das?“, und finden Sie die Gegenteile für die folgenden Adjektive im Text.

- 1. Weniger*mehr*
- 2. getrennt
- 3. regelmäßig
- 4. sicher
- 5. schwach
- 6. gleich
- 7. direkt
- 8. sauber

wiederholungstest

Was ist noch richtig?

a. In Iran trinken Leute viel Tee.

- a. Ich trinke viel Tee.
- b. Es wird viel Tee in Iran getrunken.
- c. Tee schmeckt gut.

b. Gestern lieferte die Firma den Kühlschrank.

- a. Der Kühlschrank wird immer geliefert.
- b. Der gelieferte Kühlschrank ist in der Firma.
- c. Der Kühlschrank wurde gestern geliefert.

c. An den Tankstellen können Reifen von Tankwarten gewechselt werden.

- a. Tankwarten können nur Reifen wechseln.
- b. Reifen können von Tankwarten gewechselt werden.
- c. Tankwarten können die Reifen wechseln. Das gehört zur Arbeit.

d. Im Unterricht wurde über die Autofabrik gesprochen.

- a. Die Schüler sprachen über die Autofabrik im Unterricht.
- b. In der Autofabrik wird über den Unterricht gesprochen.
- c. Im Unterricht sprach man über die Autofabrik.

e. Für Auslandsreise muß man einen Pass besorgen.

- a. Für eine Auslandsreise ist ein Pass nötig.
- b. Für eine Auslandsreise muß ein Pass besorgt werden.
- c. Für eine Auslandsreise muß man unbedingt einen Pass haben.

f. Man muß den alten Leuten helfen.

- a. Der Mann muß die alten Leuten helfen.
- b. Es ist nötig, alten Leuten zu helfen.
- c. Alten Leuten muß geholfen werden.

g. Autos dürfen hier nicht gewaschen werden.

- a. Man darf hier keine Autos waschen.
- b. Autos brauchen nicht hier gewaschen werden.
- c. Es ist hier nicht erlaubt, Autos zu waschen.

h. Man darf Energie nicht für unnötig verschwenden.

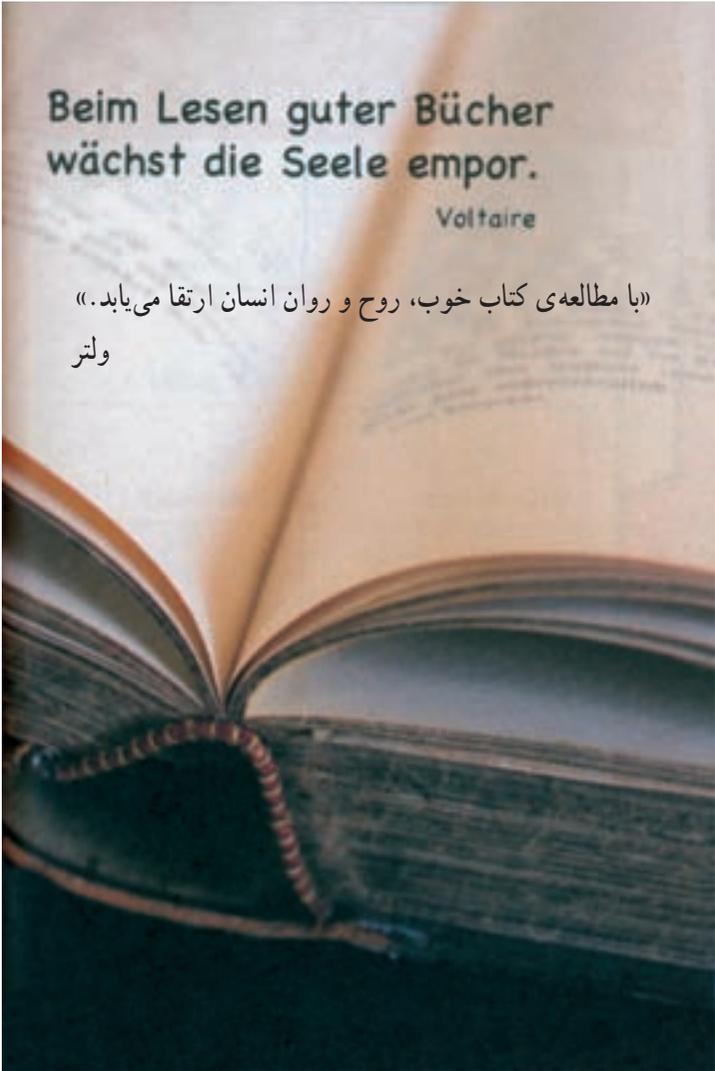
- a. Energieverschwendung ist nötig.
- b. Energie muß gespart werden.
- c. Man muß Energie sparen.

i. Teppich ist eine der Hauptindustrie Irans.

- a. Iran produziert hauptsächlich Teppiche.
- b. Teppich wird in Iran produziert.
- c. Iran ist nicht bekannt für Teppichindustrie.

j. Schüler in der Schule dürfen Deutsch als Fremdsprache nehmen.

- a. In der Schule gibt es verschiedene Fremdsprachenauswähle für die Schüler.
- b. Deutsch kann als Fremdsprache gewählt werden.
- c. In der Schule ist Deutsch als Fremdsprache obligatorisch.

An open book is shown from a top-down perspective, with the pages slightly curved. The text is printed in a clean, black, sans-serif font. The quote is in German, and the author's name, Voltaire, is centered below it. The background of the page is a light, warm tone, possibly due to the lighting or the age of the paper.

Beim Lesen guter Bücher
wächst die Seele empor.

Voltaire

«با مطالعه‌ی کتاب خوب، روح و روان انسان ارتقا می‌یابد.»
ولتر

3A

1. Schule als Nebenjob

Muß es nicht eigentlich anders heißen: Job neben der Schule?

Manche deutschen Schülerinnen und Schüler arbeiten nach dem Unterricht tatsächlich so viel, daß sie kaum mehr Zeit für Hausaufgaben und Unterricht haben.

Peter sagt, daß er nicht an der Klassenfahrt teilnehmen kann, weil er krank ist. Erika sitzt oft fast halbschlafend im Klassenzimmer. Hans kommt an bestimmten Tagen völlig unvorbereitet zum Unterricht. Monikas Mutter schneidet gut und sie hat fast alles von ihr gelernt. Jetzt arbeitet sie so gern in einer Schneidrei. Sie näht Knöpfe an, bügelt den Stoff, liefert den fertigen Kleider usw. Glauben Sie, daß sie genug Zeit für ihre Hausaufgaben hat? Für alle vier ist der Job in der Schulfreien



Zeit fast zum „Hauptberuf“ geworden. Schule? Die läuft nur noch so nebenbei ...

Eine Umfrage hat vor kurzem gezeigt, daß immer mehr Schülerinnen und Schüler arbeiten. Die Zahl dieser Schüler wird laufend mehr als früher. In der Oberstufe der Gymnasien ist es schon mehr als ein Drittel. Die Meisten sagen, sie brauchen einfach mehr Geld. Sie möchten das haben, was andere haben, Handy, Ausgehen, Markenkleidung, Urlaub mit Freunden, Computerspiele, Motorrad usw. Wer von seiner Eltern kein Geld bekommt, muß selber verdienen.

Um alles zu haben, was sie benötigen, müssen sie einen kleinen Job neben der Schule haben. Manche stehen schon morgens um fünf Uhr auf und tragen Zeitungen aus. Andere arbeiten in Läden, Cafes, oder Büros.

Eigentlich dürfen Kinder und Jugendliche unter 15 Jahren in Deutschland nicht arbeiten. Ab 13 Jahren darf man einfache Arbeiten machen, wie Babysitten oder für alte Leute einkaufen.

Um eine richtige Stelle zu bekommen, müssen sie über 15 sein.



Leseverstehen

Lesen Sie den Text und schreiben Sie die Sätze zu Ende. Wählen Sie A, B, C oder D und schreiben Sie den Buchstaben in das Kästchen rechts.

Beispiel: Manche Schüler arbeiten so viel,

A: daß sie aber trotzdem noch Zeit für Schulaufgaben haben. B

B: daß sie fast keine Schulaufgaben machen können.

C: daß sie nicht mehr zur Schule gehen können.

D: sie keine Schulaufgaben bekommen.

1. Erika findet es schwierig,

A: eine Arbeit zu finden.

B: gute Noten zu bekommen.

C: sich im Unterricht zu konzentrieren.

D: pünktlich zum Unterricht zu kommen.

2. Viele Schüler in der Oberstufe arbeiten, weil

A: sie von Haus ausziehen wollen.

B: ihre Eltern arm sind.

C: sie für ihre Studium sparen.

D: sie dieselben Sachen wie ihre Freunde kaufen wollen.

3. In Deutschland dürfen Kinder

A: im jeden Alter arbeiten.

B: ab 16 Jahren eine Stelle haben.

C: unter 16 Jahren in einer Firma arbeiten.

D: unter 13 Jahren sich um kleine Kinder kümmern.

4. Arbeiten während der Schulzeit kann für das spätere Berufsleben

A: nachteilig sein.

B: vorteilhaft sein.

C: gleichgültig sein.

D: gefährlich sein.

5. Es wird in diesem Bericht gemeint,

A: daß Schule als Nebenjob sein muß.

B: daß alle Schüler reiche Eltern haben sollen.

C: wer alles hat, ist glücklich

D: daß Schüler sich um ihre Schule kümmern müssen als um ihren Nebenjob.

Finden Sie Wörter oder Ausdrücke in Spalte 2 mit derselben Bedeutung wie die Wörter in Spalte 1. Alle Wörter in Spalte 1 sind in Text A1. Schreiben Sie den Buchstaben in das Kästchen rechts. VORSICHT: In Spalte 2 sind mehr Wörter als Sie brauchen!

Spalte 1

Beispiel: vor kurzem (Zeile 13)

1. sagen

2. möchten

3. verdienen

4. morgens

5. darf

6. einfache

Spalte 2

A. erlaubt

B. wünschen

C. nicht schwierige

D. Geld verlieren

E. neulich

F. komplizierte

G. erzählen

H. verboten

I. Spät

J. vormittags

K. brauchen

L. denken

M. Geld bekommen

Im letzten Abschnitt von Text “A” fehlen einige Wörter. Setzen Sie die fehlenden Wörter in den Text ein. Die Wörter sind auf der Liste unten. VORSICHT: Auf der Liste sind mehr Wörter als Sie brauchen!

Es hat natürlich auch Vorteile, wenn man etwas länger [-X-] darf. Man verdient Geld und lernt, pünktlich zu sein und mit anderen [-1-] zu arbeiten. Das ist [-2-] für das spätere Berufsleben. Aber der [-3-] soll nie wichtiger als die Schule werden. Es ist besser, sich auf die [-4-] zu konzentrieren und einen guten Abschluss zu machen. Dann hat man später bessere Chancen, zu [-5-] oder einen guten Beruf zu bekommen.

ARBEITEN	AUFGABE	BRAUCHEN	GELD
JOB	SCHULE	SCHWIERIG	SEIN
STUDIERN	STUDIUM	WICHTIG	ZUSAMMEN

Beispiel: [-x-] arbeiten

1.
2.
3.
4.
5.

Handwerk oder Industrie? _ Wie ein Kleid entsteht



2. Wie entstehen Sportkleidungen

In der vierten Stunde hat Monika das Fach “Handwerk”. Für heute sollen alle Schüler etwas über “Handwerk” berichten. Um dieses Referat zu schreiben soll sie sich überhaupt nicht bemühen, weil sie in einer Schneiderei etwas Kleines als Nebenjob macht.

Sie hat genug Erfahrung, um über die Produktion der Kleidung zu berichten. Sie bereitet ein paar Bilder und dazu noch Texte vor. Das kann etwas Interessantes für die Klasse sein. Um einen Text mit einer richtigen Reihenfolge zu haben, soll die Klasse raten, welcher Text zu welchem Bild passt. Die Klasse ist sehr begeistert, weil Monika auf alle Fragen überzeugende Antworten gibt. Sie bekommt eine Eins für ihre tadellose Arbeit.

Und jetzt versuchen Sie Auch dasselbe. Finden Sie zuerst das passende Bild für den Text und dann ordnen Sie die Textteile.

1. Hier arbeitet ein Designer Team. Sie haben vor, eine Sportkleidung zu entwerfen. Nach ein paar Stunden sind die einzelnen Schnittteile nach Modellskizze am Computerbildschirm konstruiert worden.
2. Die fertiggestellten Kleidungen sind auf den Fachmessen Präsentiert worden, Resultat: Viele Kleidungen sind bestellt.
3. Die Produktion beginnt mit dem Zuschneiden der Stoffteile. Die Stoffe, Knöpfe und andere Zutaten werden bestellt.
4. Zur Probe ist die Modelkleidung genäht und vorbereit.
5. In der Näherei werden die zugeschnittenen Teile angeliefert, wo bestimmte Näharbeiten von jedem Mitarbeiter ausgeführt werden z.B Ärmel, Kragen usw.
6. Dann werden die fertiggenähten Kleidungen kontrolliert. Ist das Etikett mit den Angaben zur Größe, Material und ... nicht vergessen worden.
7. Die fertigkontrollierten Kleidungen werden in der Versandabteilung eingepackt und an die Kunden verschickt.
8. In dieser Abteilung werden die Lieferungen für verschiedenen Kunden zusammengestellt. Die Kleidungen müssen vor Staub und Schmutz sicher sein. Deshalb sind sie in Schutzhüllen verpackt.

1	2	3	4	5	6	7	8
A							

Leseverstehen

Von wem sind die Tätigkeiten übernommen worden?

Designer	Bügler	Näher
Kunden		zuschneider

Beispiel: Sportkleidung entwerfen:

Eine Sportkleidung ist von einem Designer entworfen worden.

1. Kleidungbestellen:

.....

2. Zuschneiden der Stoffe:

.....

3. Die Teile nähen:

.....

4. Das fertige Kleid bügeln:

.....

a) Passiv Perfekt

(1) Vorgangpassiv

sein + Partizip]] + worden			
ich	bin	eingeladen	worden
du	bist	eingeladen	worden
er/es/sie	ist	eingeladen	worden
wir	sind	eingeladen	worden
ihr	seid	eingeladen	worden
sie/Sie	sind	eingeladen	worden

(2) Zustandpassiv

Sein + Partizip]]		
ich	bin	eingeladen
du	bist	eingeladen
er/es/sie	ist	eingeladen
wir	sind	eingeladen
ihr	seid	eingeladen
sie/Sie	sind	eingeladen

Vergleich Passiv: Vorgang und Zustand

Vorgang/ Aktion : Ich bin eingeladen worden.

=

Man hat mich eingeladen.

Zustand/Resultat: Ich bin eingeladen.

=

Ich habe eine Einladung.



Das Auto wird gewaschen. = (Man wäscht das Auto gerade.
(Es ist noch nicht sauber/ fertig)
Das Auto ist gewaschen. = Das Auto ist sauber/fertig.

b) Infinitivsätze mit “*um...zu*”

<u>Er</u> hatte den Einbruch vorgetäuscht.	<u>Er</u> wollte das Geld kassieren. um das Geld <u>zu</u> kassieren.
<u>Die Feuerwehr</u> kam	<u>Sie</u> wolte die Uhr finden. <u>um</u> sie <u>zu</u> finden

Weiter Beispiele mit „umzu”

- Goethe ging nach Straßburg, um dort zu studieren.
- Viele verreisen, um neue Menschen kennenzulernen.
- Sie ging nach Paris, um Französisch zu lernen.
- Wir gehen in die Post, um zu telefonieren.

Übungen

1. Ergänzen Sie die Passivsätze mit den richtigen Formen von “werden”.

Beispiel: Die Handtücher im Hotel werden vom Zimmermädchen gewechselt.

- a. Viel Geld von Jugendlichen für Kleidung ausgeben.
- b. Ausnahmsweise das Frühstück gestern vom Papa gemacht.
- c. Eine Reportage über Iran ist heute in der zeitung gedruckt
- d. Uns ist heute ein gutes Buch in der Schule vorgeschlagen
- e. Gestern uns das neue Modell vom Fernseher empfohlen.

2. “worden” oder “geworden”

Beispiel: Peter ist Arzt geworden.....

- a. Der Brief ist schon geschrieben
- b. Heute ist um 5 Grad kälter
- c. Von wem sind die knöpfe angenäht
- d. Für welche Altersgruppe ist das Buch geschrieben
- e. Der Satz ist schon erklärt, aber ich habe noch nicht verstanden.

3. Schreiben Sie nach dem Beispiel.

Beispiel: Ist das Material gebracht worden?

Nein, aber es wird gerade gebracht.

- a. Ist das Bauwerk konstruiert worden?
.....
- b. Ist das Auto repariert worden?
.....
- c. Ist das Kleid genäht?
.....
- d. Sind die Kleider im Schutzhüllen verpackt worden?
.....
- e. Sind die Kleidungen verpackt?
.....
- f. Ist der Kuchen gebacken?
.....

4) Antworten Sie nach dem Beispiel.

4.1 Beispiel: Schickst du den Brief?

Der ist schon heute morgen geschickt worden.

- a. Werden die Kleidungen in diesem Monat bestellt?
Die sind
- b. Werden die Kleidungen heute kontrolliert?
Die
- c. Wird man noch eine höhere Brücke in der Stadt bauen
.....
- d. Ist die alte Vase noch heil?
Nein, (brechen)
- e. Wirst du noch einen Kuchen backen?
.....

4.2 Beispiel: Was ist denn gestohlen worden?

Man weiß noch gar nicht, was gestohlen worden ist.

- a. Wer ist denn verhaftet worden?
.....
- b. Wann ist denn die Polizei gerufen worden?
.....
- c. Wo ist denn die Uhr gefunden worden?
.....
- d. Wann ist denn das Testament geprüft worden?
.....
- e. Wie ist denn bewiesen worden, daß er die Uhr hatte?
.....

5. um.....zu

- a. Sie ging zur Bank. Sie wollte Geld holen.
.....
- b. Wir fahren in die Stadt. Wir wollten einkaufen.
.....
- c. Er ging ins Cafe. Er wollte sich mit ein paar Freunden unterhalten.
.....
- d. Sie flogen nach Köln. Sie wollten eine Ausstellung besuchen.
.....

Wiederholungstest

Schreiben Sie die Sätze zu Ende nach ihrer Informationen.

1. Um eine gute Stelle zu haben, muß man
.....
2. Manche Schüler arbeiten weil,
.....
3. Monika möchte heute abend zu ihrer Tante gehen, weil
.....
4. Wenn Eltern beschäftigt sind, müssen die Kinder
.....
5. Fast alle Schüler warten darauf, daß
.....
6. Kinder interessieren sich für Eis. Wofür interessieren sich die Erwachsene?
7. Kleinen Kindern wird es nicht erlaubt,
.....
8. Die Fensterscheibe ist gebrochen worden, weil
.....
9. Peter ist nach Deutschland gegangen, um
.....
10. Wir wissen nicht ob,
.....
11. Kommen heute alle eingeladenen Gäst zum Fest?
Ich weiß nicht, wie viele
.....
12. Hat Hans eine Fünf in Mathe bekommen?
Keine Ahnung, Ich glaube seine Eltern wollen auch wissen,
.....
13. Es ist gefährlich,
14. Chinesische Küche gefällt mir nicht, aber werde
.....
15. Ich finde es schwierig,
.....

«هر پسر بچه‌ای می‌تواند حشره‌ای را زیر پا لگدمال نماید، اما هیچ پروفیسوری در

آرتور شوپنهاور

دنیا نمی‌تواند او را دوباره احیا نماید.»

Jeder kleine Junge kann
einen Käfer zertreten,

doch kein
Professor der Welt
kann ihn wieder
zusammensetzen.

Arthur Schopenhauer



Aus der Zeitung

1. Raubüberfall

Wieder ist der Polizei ein Raubüberfall gemeldet worden. Drei Unbekannte sollen in der Zuckschwerdstraße einen 26 Jahre alten Brückenbauer aus Frankfurt überfallen und niedergeschlagen haben. Nach Angaben der Polizei soll einer der Täter dem Brückenbauer in die Jackentasche gegriffen und Ausweispapiere sowie Schlüssel entwendet haben. Vorher will der Überfallene in einer Gaststätte in der Gartenstraße gewesen sein, in der sich auch die Täter befunden haben sollen. Beim Bezahlen können die Täter gesehen haben, daß er einen größeren Geldbetrag - es soll sich um 500 Euro gehandelt haben- bei sich führte. „ Das muß der Anlass gewesen sein, daß die Kerle mir folgten und mich dann überfielen,„ meinte der Brückenbauer.

Lesen Sie den Text und schreiben Sie R für die richtigen und F für falschen Aussagen.

	R	F
1. Jemand hat der Polizei über den Raubüberfall berichtet.
2. Der Brückenbauer wurde von 3 Leuten angegriffen.
3. Nur sein Geld ist entwendet.
4. Vielleicht hat einer der Täter in der Gaststätte mit der Brückenbauer Kaffee getrunken.
5. Die Täter wußten nicht, daß der Brückenbauer Geld bei sich hatte.
6. Der Brückenbauer war sich fast sicher, warum die Täter ihm folgten.

2. Drücken Sie Ihre Vermutung aus. Passen Sie auf die Zeitform auf.

Beispiel: **O** Ist er reich? **O** Ja, er muß reich sein.

O War er reich? **O** Ja, er muß reich gewesen sein.

- a. Sind die Bücher interessant?
- b. Ist der Sekretär erfahren?
- c. War das Wetter schlecht?
- d. Ist dieses Gebäude eine Schule?
- e. Waren die Ergebnisse erfolgreich?
- f. War der Teil damals Stadtzentrum?

3. So daß

Sie ist krank geworden. Sie kann nicht in Urlaub fahren.

Sie ist krank geworden, so daß sie nicht in Urlaub fahren Kann.

- a. In Großstädten lebt man anonym. Viele Menschen wissen nicht, wer neben ihnen wohnt.
- b. Viele Menschen kommen abends spät nach Hause. Sie haben keine Gelegenheit, Bekanntschaften zu machen.
- c. Homer berichtete über Troja. Man wußte, wo die Stadt lag.

4. bei - beim - bei sich - bei mir - bei ihm

- a. Ich habe keinen Kugelschreiber
- b. Waren Sie ... Baden?
- c. Kennen Sie Herrn Schneider? Ich war gestern... .
- d. Haben Sie Ihren Führerschein
- e. Sie hat wieder kein Geld.... .
- f. Ich war gerade ... Arzt.
- g. ... Frühstück sollte man nicht Zeitung lesen.
- h. ... diesem Wetter fahre ich mit der Bahn.

5. um... zu,so daß

- a. Er fuhr nach Köln, seinen Bruder besuchen.
- b. Der Automechaniker fährt das Auto, es prüfen.
- c. Er schickt seinen Sohn nach Deutschland, er dort Deutsch lernen kann.
- d. Er ging in die Post, telefonieren.
- e. Er trägt eine Brille, er besser sehen kann.

2. Ungewöhnliche Täter

Wie bereits berichtet, wurden in den letzten Wochen mehrere Autos auf rätselhafte Art und Weise beschädigt.

Die Täter hatten nachts an parkenden Wagen die Gummis an Lenkung und Bremsen zerschnitten. Die Schäden waren zunächst nicht bemerkt worden, so daß es in einigen Fällen zu gefährlichen Situationen kam, weil die Autobesitzer mit defekten Bremsen losfuhrten. Die Polizei hatte jugendliche Täter vermutet, aber wie sich jetzt herausstellte, sind die Schäden von Mardern angerichtet worden.

“Auch Marder brauchen Beschäftigung, die sie in den Großstädten nur noch selten finden”, erklärte dazu ein Zoologe vom Tierpark Hellabrunn.



Diese Wendungen finden

Sie oft in Zeitungen:

Wie vermutet,

Wie bereits berichtet,

Wie schon bekannt,

Wie schon gemeldet,

Wie sich erwies,

Wie sich herausstellte,

Wie er erklärte,

behauptete,

meinte,

sagte,

war (hatte)

Grammatik

4B

a. Modalverben

(Hier wird eine Vermutung mit Modalverben ausgedrückt)

○ Ist der Täter jung?

○ Er soll jung sein.

(= Man berichtet / erzählt das, aber genauere Informationen fehlen)

○ Ist der Täter jung?

○ Er kann jung sein.

(= man vermutet das / etwa %50)

○ Ist der Täter jung?

○ Er muß jung sein

(=eine hohe Wahrscheinlichkeit / etwa %95)

○ Wo war er?

○ Er will in einer Gaststätte gewesen sein.

(=eine unbewiesene Behauptung)

○ War der Täter jung?

○ Er soll jung gewesen sein.

46 (= Man sagt, berichtet, erzählt, aber genauere Informationen fehlen.)

b. partizip I als Adjektiv

Vorsicht, hier <u>spielen</u> Kinder.	Vorsicht, <u>spielende</u> Kinder.
Die Autos, <u>die dort parkten</u> , wurden beschädigt.	Die dort <u>parkenden</u> Autos wurden beschädigt.

Partizip I = Infinitiv + -d(spielen → spielend).

vor einem Substantiv wird das Partizip I wie ein Adjektiv dekliniert.

Parken - parkend

Die Autos, die in der Schillerstraße parkten, wurden beschädigt.

Die in der Schillerstraße parkenden Autos wurden beschädigt.

a. spielen - Achtung! Spielende Kinder!

b. laufen - Mit laufendem Motor.

ab - ,los - ,wegfahren

a. Vorsicht! Der Zug fährt ab!

Der Zug ist abgefahren.

Das Schiff fährt um drei Uhr ab.

b. Also bis morgen. Wir fahren um sechs Uhr los.

Sie kommen aber früh. Wann sind Sie denn losgefahren?

c. Herr Meyer ist nicht da. Er ist weggefahren.

c. plusquamperfekt

Präteritum von haben (oder sein)		Partizip II
Er hatte	die polizei	gerufen.
Er hatte	den Einbruch	vorgetäuscht.
Er hatte	ein Testament	vorgelegt.

Er rief die Feuerwehr.

Nachdem er die Feuerwehr gerufen

hatte,

Er trank einen Kaffee.

Nachdem er einen Kaffee getrunken

hatte,

Dann wurde die Uhr gefunden.

wurde die Uhr gefunden.

Dann fuhr er los.

fuhr er los.

d. die Präposition “bei”

sie sind beim Frühstück.

Das Dorf liegt bei Stuttgart.

Waren Sie bei Ihrem Freund?

Haben Sie Ihren Führerschein bei sich? Den habe ich leider nicht bei mir.

e. Nebensätze

so daß

Man bemerkte die Schäden nicht.

Man bemerkte den Einbruch.

Es kam zu gefährlichen.

Situationen

So daß es zu gefährlichen

Situationen kam.

Sie wurde schnell gefunden

so daß sie schnell gefunden

wurde.

(Fragepronomen und Relativpronomen bilden auch Nebensätze.)

Ich weiß nicht, wann das Auto abgefahren ist.

Er besucht seinen Onkel, der in Bonn wohnt.

Übungen

1. “Wer hat denn meinen Wagen beschädigt?” fragte Herr Robertson. Niemand wußte, wer seinen Wagen beschädigt hatte.

- a. “Wer hat denn gestern bei mir angerufen?” fragte Herr Schmidt.
- b. “Wer hat denn die Uhr mitgenommen?” fragte Frau Groß.
- c. “Wer hat denn die Polizei gerufen?” fragte Peter S.
- d. “Wer hat denn die Kopie gemacht?” fragte Kommissar X.
- e. “Wer hat denn den Brief geschrieben?” fragte Herr Kötz.

2. Niemand hatte die Schäden bemerkt.

Die Schäden waren nicht bemerkt worden.

- a. Niemand hatte die Rechnungen bezahlt.
- b. Niemand hatte den Einbrecher gesehen.
- c. Niemand hatte ihn eingeladen.
- d. Niemand hatte ihn gefragt.
- e. Niemand hatte ihm etwas (!) gesagt.

3. Kennen Sie Peter S.? Der hat die Polizei geholt.

Ja, das ist der, der die Polizei geholt hat.

- a. Kennen Sie Fritz Müller? Der sammelt Briefmarken.
- b. Kennen Sie Frau Stocker? Die kann gut kochen.
- c. Kennen Sie Franz Bohler? Der lebt von einer Erbschaft.
- d. Kennen Sie Fritz Schmidt? Der hat einen reichen Onkel.
- e. Kennen Sie die Hanschels? Die haben eine neue Wohnung.

4. Das Haus gehörte seinem Onkel. Der starb vor zwei Jahren.

Das Haus gehörte seinem Onkel, der vor zwei Jahren starb.

- a. Die Wohnung gehörte seiner Tante. Die lebte früher in Amerika.
- b. Das Buch ist von ihrem Bruder. Der war Dichter.
- c. Der Artikel ist von seiner Schwester. Die ist Reporterin.
- d. Die Bilder sind von meinem Freund. Der reist viel.
- e. Die Blumen sind für meinen Großvater. Der hat morgen Geburtstag.
- f. Das Haus gehört meinen Verwandten. Die machen gerade Urlaub.

5. Ergänzen Sie die Sätze mit den richtigen Formen der Modalverben.

- a. Die Täter den Brückenbauer in einer leeren Straße überfallen haben.
Es ist höchstwahrscheinlich.
- b. Die Chefin heute krank gewesen sein. Man vermutet das.
- c. Der Patient sich von der schweren Krankheit erholen. Seine Ärzte hoffen das.
- d. Er viel Geld bei sich geführt haben. Aber das ist noch nicht bewiesen worden.

6. Antworten Sie nach dem Beispiel.

6.1 Beispiel: War das ein Spezialist?

Ich glaube ja. Das muß einer gewesen sein.

(Ich weiß nicht. Das soll einer gewesen sein.)

- a. War das ein Polizist?
.....
- b. War das eine Ärztin?
.....
- c. War das ein Unfall?
.....
- d. War das ein reicher Mann?
.....

6.2 Beispiel: Der Brief liegt nicht auf meinem Schreibtisch!

Der muß aber da liegen.

- a. Das Buch steht nicht im Regal!
.....
- b. Die Butter ist nicht im Kühlschrank!
.....
- c. Die Zeitung ist nicht im Wohnzimmer!
.....
- d. Das Geld ist nicht da!
.....

Wiederholungstest

Was passt am besten?

1. **Wir haben vor, im Sommer nach Italien** .
a. fahren b. zu fahren c. fliegen d. reisen
2. **Die Kinder spielen gerade. Eins der Kinder ist mein Vetter.**
a. gespielten b. spielend c. Spielenden d. Spielten
3. **Nachdem er das Haus verlassen hatte,** .
a. läuft er zur Haltestelle b. erreicht er die Haltestelle
c. ging er zur Haltestelle d. Hatte er die Haltestelle erreicht
4. **Er springt aus dem Zug.**
a. gefahren b. fahrenden c. fahrend d. abgefahren
5. **Er rief die Polizei an,** .
a. den Unfall zu melden b. den Unfall melden
c. um den Unfall zu melden d. dass der Unfall anmeldet
6. **Leider hatte ich keine Zeit,** .
a. dich anrufen b. telefonieren
c. rief dich an d. dich anzurufen
7. **Eva ist sie keine Zeit für Freunde hat.**
a. beschäftigt b. so beschäftigt, dass
c. zu beschäftigt d. beschäftigter
8. **Um eine Stelle zu suchen,** .
a. hat sie viele Bewerbungen geschrieben
b. vergisst sie alles
c. trinkt sie einen Kaffee
d. geht er in die Schule
9. **Das Auto wurde gefunden.**
a. stehlen b. gestohlen c. gestohlene d. stehend
10. **Er rief mich an,**
a. damit rufe ich den Makler an.
b. daß ich den Makler anrufe.
c. damit ich den Makler anrufe.
d. um den Makler anzurufe.



5A

1. Was würdest du tun, wenn du Bürgermeister wärest?

Viele Schüler und Schülerinnen der Klasse 5 diskutierten über folgende Fragen:

Was würdest du tun, wenn du in deiner Stadt Bürgermeister wärest?

Was würdest du anders machen?

Was würdest du für besonders wichtig halten?

Dann haben sie darüber einen Aufsatz geschrieben.

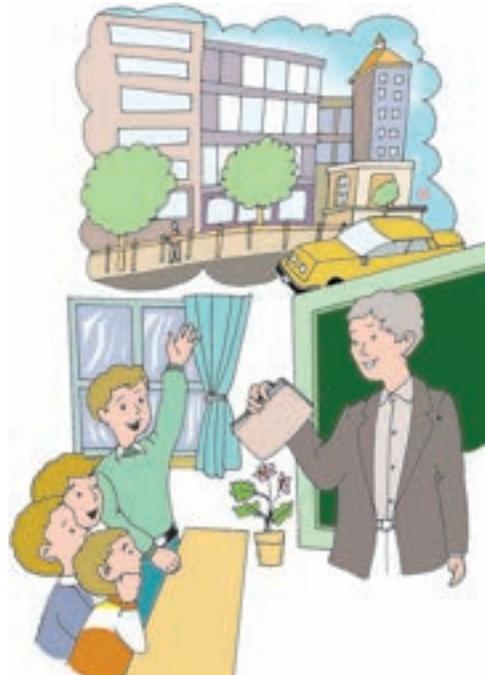
Hans A. schrieb:

Als Bürgermeister würde ich einige Dinge ändern oder verbessern.

Ich würde mehr Straßen und Wohnungen bauen und alte Häuser renovieren.

Jeder, der Müll auf die Straße wirft, müßte eine Geldstrafe Zahlen.

Auch würde ich etwas gegen die Luftverschmutzung tun. Ich würde für gute Schulen und Schulbusse sorgen.



Und ich würde für unsere Stadt einen
 Tierpark bauen. Der müßte die Tiere schützen und würde den Menschen
Freude machen.
 Selbstverständlich würde ich oft mit den
 Bürgern meiner Stadt reden.
 Das alles würde ich tun, wenn ich
 Bürgermeister wäre.

Leseverstehen

1. Lesen Sie den Text und verbinden Sie.

- | | |
|---|---|
| 1. Die Stadt braucht einen Tierpark. | a. die Luftverschmutzung
getan werden. |
| 2. Mehr Straßen und Wohnungen müssten | b. renovieren |
| 3. Er würde alte Häuser | c. es in der Stadt genug gute
Schulen und Schulbusse gäbe. |
| 4. Wer Mühl auf die Straße wirft | d. gebaut werden. |
| 5. Er würde dafür sorgen daß, | e. um den Menschen Freude zu
machen |
| 6. Seiner Meinung nach müsste etwas gegen | f. müsste Strafe zahlen |

1	2	3	4	5	6
e					

2. Bitte antworten Sie:

1. was würde Hans A. bauen, wenn er Bürgermeister wäre?
-
2. Wofür würde er sorgen?
-
3. Wer müßte bei ihm Strafe zahlen?
-

3. Was würden Sie tun, wenn Sie Bürgermeister wären?

1. Wenn ich Bürgermeister wäre,
-
2. was würden Sie ändern?
-
3. Was würden Sie nicht machen?
-

Grammatik

5B

Konjunktiv II

a) Bildung der Gegenwartsform

(1)

Indikativ		KonjunktivII	
er	fährt	er	führe
du	gehst	du	gingest
ihr	kommt	ihr	kämt
sie	fragen	sie	fragten
wir	räumen auf	wir	räumen auf

singular		
Plural		
1. Person	-e	-en
2. Person	-est	-et
3. Person	-e	-en

(2)

Indikativ		KonjunktivII
er	fährt	er würde fahren
du	gehst	du würdest gehen
ihr	kommt	ihr würdet kommen
sie	fragen	sie würden fragen
wir	räumen auf	wir würden.....aufräumen

(3)

DIE BILDUNG VON KONJUNKTIV II (Hilfs _ und Modalverben) im Gegenwart

	sein		haben		werden		Können		müssen	
	P.*	K.II*	P.	K.II	P.	K.II	P.	K.II	P.	K.II
ich	war	wär-e	hatte	hätt-e	wurde	würd-e	konnte	könnt-e	mußte	müßt-e
du	warst	wär-(e)st	hattest	hätt-est	wurdest	würd-est	konntest	könnt-est	mußtest	müßt-set
er,es,sie	war	wär-e	hatte	hätt-e	wurde	würd-e	konnte	könnt-e	mußte	müßt-e
wir	waren	wär-en	hatten	hätt-en	wurden	würd-en	konnten	könnt-en	mußten	müßt-en
ihr	wart	wär-(e)t	hattet	hätt-et	wurdet	würd-et	konntet	könnt-et	mußtet	müßt-et
sie	waren	wär-en	hatten	hätt-en	wurden	würd-en	konnten	könnt-en	mußten	müßt-en
Sie	waren	wär-en	hatten	hätt-en	wurden	würd-en	konnten	könnt-en	mußten	müßt-en

	dürfen		Mögen	
	P.*	K.II*	P.	K.II
ich	durfte	dürfte	mochte	möchte
du	durftest	dürftest	mochtest	möchtest
er,es,sie	durfte	dürfte	mochte	möchte
wir	durften	dürften	mochten	möchten
ihr	durftet	dürftet	mochtet	möchtet
sie	durften	dürften	mochten	möchten
Sie	durften	dürften	mochten	möchten

*P. = Präteritum/K.II = Konjunktive II

b) Gebrauch des Konjunktivs II

1. Irreale Wünschssätze:

Ich habe nie Urlaub. Ich hätte gern Urlaub.
Wir sind nicht an der See. Wir wären gern an der See.
Er verreist sehr selten. Er würde gern verreisen.

2. Irreale Bedingungssätze:

Die Stadt hat wenige Wohnungen und die Mieten sind sehr hoch.
Wenn die Stadt genug Wohnungen hätte, wären die Mieten nicht so hoch.

Ich kann nicht Geld sparen, weil ich eine hohe Miete zahle.
Wenn ich keine hohe Miete zahlen würde, könnte ich Geld sparen.

Es gibt nicht genug Busse und ich muß zu Fuß gehen.
Wenn es genug Busse gäbe, müsste ich nicht zu Fuß gehen.
Wenn es genug Busse geben würde, müsste ich nicht zu Fuß gehen.

3. Irreale Vergleichssätze: (Irreale Komparationssätze)

Er hat solchen Hunger, als hätte er Tage nichts gegessen.
Die Schüler sprachen so laut, als wäre der Lehrer taub gewesen.
Er hat nicht so viel Geld, aber er tut so, als ob er Millionär wäre.
Der junge brach die Fensterscheibe. Aber er tat so, als ob er unschuldig wäre.

4. Konjunktiv II - Höflichkeitsform

können → **könnte**, **dürfen** → **dürfte**

kann er noch hier bleiben?

Könnte er noch hier bleiben?

Darf ich einen Moment stören?

Dürfte ich einen Moment stören?

haben → **hätte**

Hast du Zeit zu kommen?

Hättest du Zeit zu kommen?

Habt ihr eine Flasche Milch?

Hättet ihr eine Flasche Milch?

sein → wäre	
Ich bin Ihnen sehr dankbar, wenn Sie mir helfen	Ich wäre Ihnen sehr dankbar, wenn sie mir helfen würden.
Es ist sehr nett, wenn sie mich bald anrufen	Es wäre sehr nett, wenn sie mich bald anrufen würden.
würde + Infinitiv	
Erklärst du mir das?	Würdest du mir das bitte erklären?
Er will gern bei uns arbeiten.	Er würde gern bei uns arbeiten.

c) Bildung der Vergangenheitsformen

Indikativ		KonjunktivII	
er	fuhr	er wäre	gefahren
du	gingst	du wärest	gegangen
ihr	kamt	ihr wär(e)t	gekommen
sie	fragten	sie hätten	gefragt

Peter ging ins Kino. An seiner Stelle wäre ich nicht gegangen.

Du hättest dich auf die schwere Prüfung vorbereitet.

Beim schlechten Wetter wären sie nicht an die See gefahren.

Wenn der Lehrer gestern gekommen wäre, hätten wir die Prüfung gehabt.



Den drei Vergangenheitsformen des Indikativs steht nur eine Vergangeheitsform des Konjunktiv II gegenüber.

Wirklichkeit und Wünsche im Leben

Wirklichkeit(real)

Fantasien, Träume, Wünsche (irreal)

	Wirklichkeit(real)	Fantasien, Träume, Wünsche (irreal)
Gegenwart	<p>Peter Volkmann, Realschüler: Ich bin nicht Millionär. Ich muß in die Schule gehen. Ich kann nicht jeden Tag angeln gehen.</p> <p>Anton Schuhmacher, Angestellter: Ich habe keine eigene Firma. Was ich will, kann ich nicht tun.</p> <p>Manuel Sauer, Pilot: Ich fliege nicht zum Mond</p>	<p>Ich wäre gern Millionär. Dann müsste ich nicht in die Schule gehen und könnte jeden Tag angeln gehen.</p> <p>Ich hätte gern eine eigene Firma, dann dürfte mir niemand sagen, was ich tun sollte.</p> <p>Ich würde gern mal mit einer Rakete zum Mond fliegen.</p> <p>Ich hätte am liebsten einen Ferrari gehabt.</p>
Vergangenheit	<p>Alfred Becker, 79, Rentner: Ich hatte keine Ferrari.</p> <p>Anna Mann, Schriftstellerin: Ich bin nicht mit Goethe spazieren gegangen.</p>	<p>Ich hätte am liebsten einen Ferrari gehabt.</p> <p>Ich wäre gern mit Goethe spazierengegangen.</p>

Und Sie? Was wünschen Sie sich? Schreiben Sie Bitte wie im Beispiel:

Ich habe kein Auto.	Ich hätte gern ein Auto
Die Luft ist nicht sauber.
Wir fahren nicht ins Ausland.
Die Schulen fangen so früh an.
Ich kann nicht gut Deutsch.
Ich habe Keine andere Sprache gelernt.
Leider bin ich nicht mit meinen Eltern nach Italien geflogen.

Übungen

1. Bitte fragen Sie höflich!

Entschuldigen Sie mich?	Würden Sie mich bitte entschuldigen?
Sind Sie so freundlich?	Wären ?
Kann ich die Zeitung haben?
Haben Sie eine Minute Zeit?
Geben Sie mir die Tasche?
Können Sie mir etwas mitbringen?
Helfen Sie mir dabei?
Tun Sie mir einen Gefallen?
Ist er so pünktlich?

2. Was würden Sie tun, wenn Sie Zeit hätten? (ein Instrument lernen)

Wenn ich Zeit hätte, würde ich ein Instrument lernen.

- a. Geld - Reisen machen
.....
- b. Kein Auto - zu Fuß gehen
.....
- c. Kein Kinder - abends zu Hause bleiben
.....
- d. Keine Freunde - in einen Sportverein gehen
.....
- e. Haus - Keine Miete zahlen
.....
- f. Keine Schule - einen Beruf Lernen
.....

3. Was würden Sie tun, wenn Sie Mechaniker wären?

– Dann würde ich mein Auto selber reparieren.

- a. Chef - mehr Urlaub machen
.....
- b. Architekt - mir selbst ein Haus bauen
.....
- c. Journalistin - Artikel über alte Leute schreiben
.....

- d. Ingenieur - die höchste Brücke der Welt bauen
.....
- e. Politiker - mich mehr um die Jugendlichen kümmern
.....
- f. Ingenieur - einen Sprachcomputer bauen
.....

4. hätte (n), wäre (n) oder würde (n)?

- a. Ohne diesen Fehler ... wir schon fertig.
.....
- b. Mit der Bahn ... wir schneller in der Stadt.
.....
- c. Ich ... auch gerne einen Kleinen Garten.
.....
- d. Mir ... es egal, aber meine Frau möchte keinen Fernseher.
.....
- e. Manche Hausfrauen ... lieber berufstätig.
.....
- f. Das Leben ... leichter, wenn man nicht soviel Arbeit
.....
- g. Natürlich ... ich mich über euren Besuch freuen.
.....

5. - Ich nehme eine Wohnung in der Stadtmitte.

- **Das würde ich nicht tun.**
- **Herr Braun hat sein Haus verkauft.**
- **Das hätte ich nicht getan.**
 - a. Ich habe Thomas 400 mark geliehen.
.....
 - b. Paul versucht, seine Uhr Selbst zu reparieren.
.....
 - c. Alfred arbeitet abends immer bis sieben im Büro.
.....
 - d. Frau Neumann hat den Wagen selbst gewaschen.
.....

- e. Martina ist allein in die Türkei gefahren.
.....
- f. Ralf will ein großes Motorrad kaufen.
.....
- g. Robert hat die Rechnung für mich bezahlt.
.....
- h. Er hört mit seiner Arbeit bei der Zeitung auf.
.....
- i. Der Chef hat mir den Schlüssel für den Geldschrank gegeben.
.....
- j. Ich will Franz meine Kamera leihen.
.....

6. - Warum nehmt ihr kein Taxi?

- Wir würden gern eins nehmen, aber wir haben kein Geld.

- a. Warum kaufst du keinen Farbfernseher?
.....
- b. Warum mietet Heinz kein Auto?
.....
- c. Warum bauen Wallrafs kein Haus?
.....
- d. warum bestellst du kein Mittagessen?
.....
- e. warum zieht ihr nicht um?
.....
- f. warum fährt Paul nicht weg?
.....
- g. warum kommt ihr nicht mit?
.....
- h. warum macht Ferdinand keinen Urlaub?
.....

7. - Otto hat ein Motorrad gekauft.

- Ich hätte an seiner Stelle keins gekauft.

- a. Heinz hat einen Fernseher gemietet.
.....

- b. Wallrafs haben ein Haus gebaut.
.....
- c. Fräulein Müller hat eine Wohnung gekauft.
.....
- d. Willi ist nach Bonn gefahren.
.....
- e. Martina ist nach Brasilien geflogen.
.....
- f. Herr Schmidt hat nicht Persisch gelernt.
.....
- g. Kurt hat sich nicht entschuldigt.
.....
- h. Maria hat kein Stipendium beantragt.
.....
- i. Frau Gloßner hat einen Tee bestellt.
.....
- j. Hans hat für die Prüfung nicht gelernt.
.....
- k. Robert hat die Bilder selbst entwickelt.
.....
- l. Herr Gustav hat den Brief selbst getippt.
.....

8. Bilden Sie Sätze. Vergleichen Sie mit "als ob" oder "als".

Beispiel: oft / trainieren / an der Olympiade / teilnehmen / wollen / er.

Er trainiert so oft, als ob er an der Olympiade teilnehmen wollte.

Er trainiert so oft, als wollte er an der Olympiade teilnehmen.

- a. aussehen / mir / helfen / können / du.
.....
- b. sich benehmen / hier zu Hause sein / die Schüler
.....
- c. den Eindruck machen / alles genau wissen / sie
.....

d. dauernd auf die Uhr schauen / gleich die Pause sein die Klasse

.....

e. so tun / das teure Haus kaufen können der arme Mann

.....

9.1 Der neunjähriger Erika ist sehr faul. Lesen Sie bitte.

a. Mama, hast du Bonbons für mich?

b. Papa, bringst du Stühle in den Garten?

c. Martin, holst du Brot von der Bäckerei?

d. Anna, räumst du mein Zimmer auf?

e. Papa, hilf mir bei meinen Hausaufgaben.

9.2 Wie würden Sie fragen? Natürlich viel höflicher. Schreiben Sie jetzt bitte.

a. **Mama hättest du Bonbons für mich?**

.....

b.

c.

d.

e.

Im Gespräch

Wenn und Aber

A: Was für ein Auto würden Sie sich denn kaufen?

B: Ich hätte gern einen Mercedes.

A: Ich wäre auch schon mit einem Volkswagen zufrieden. Dann könnte ich zur Arbeit fahren und hätte auch am Freitag einen Wagen.

B: Ja, Geld müßte man haben oder Glück.



Wiederholungstest

Monika und Teresa haben sich neulich an der Uni kennengelernt. Sie sprechen über alles Mögliche.

Ergänzen Sie bitte die Sätze.

Beispiel: Monika: Teresa wo wohnst du jetzt?

Teresa: Ich wohne bei meinem Onkel in Berlin, aber ich hätte gern ein eigenes Zimmer im Studentenwohnheim.

M: Bis wann dauern deine Klassen?

T : Leider bis 18 Uhr. sie nur bis 14 Uhr!

M: Ißt du hier in der Mensa?

T : Ja, aber ich gern zu Hause

M: Warum nimmst du nicht etwas von zu Hause mit?

T : Das ich schon machen, wenn ich früh

Ich stehe immer zu spät auf.

M: An deiner Stelle ich mir einen Wecker

T : Stimmt, aber bald habe ich meinen Geburtstag und mein Onkel möchte mir einen kaufen.

M: Übrigens, wie war der Test heute?

T : Blöd, ich lieber mehr, aber gestern lernte ich nicht viel. Ich war nämlich sehr müde.

M: Was machst du, wenn du eine 6 (Sechs) bekommst?

T : Da ich mit dem Lehrer darüberAlle Studenten sprechen mit ihm, wenn sie Probleme haben.

M: Ja, das ich auch, an deiner Stelle. Also Tschüs bis morgen.

T : Tschüs.

«در وجود هر انسانی گوهری نهفته است که
در انسانهای دیگر وجود ندارد.»

مارتین بوبر

In jedem Menschen
ist etwas kostbares,
das in keinem
anderen ist.

Martin Buber



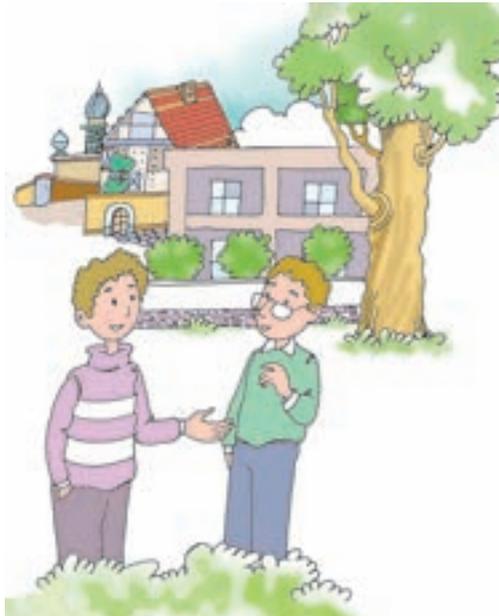
6A

1. Ein Besuch bei Verwandten

(Erich, Peter [der 14 jährige Vetter von Erich])

In den Herbstferien ist Erich nach Lehmsdorf gefahren, einer kleinen Stadt in der Nähe von Kassel, um Verwandte zu besuchen.

Er hat kein Glück mit dem Wetter - die ersten zwei Tage regnet es dauernd.



Erst am dritten Tag verändert es sich. Der Regen hört auf und die Sonne kommt sogar durch.

E: "Na, endlich! - komm, jetzt will ich mir mal das Dorf ansehen."

P: "Dorf!! Wofür hältst du Lehmsdorf! Hier wohnen über 20 000 Einwohner! Das sage ich dir, ich wohne hier lieber als in München. Hier gibt's einfach alles!

Wenn man in München ins Kino gehen will, muß man erst eine halbe Weltreise mit Bus und Straßenbahn machen. Hier braucht man nur 300 Meter zu laufen, dann ist man schon da."

E: "Immer langsam, Kleiner! Komm erst mal in die Großstadt, dann werde ich dir was zeigen: Automobilausstellungen ..."

p: "Haben wir hier auch!"

E: "Theater ..."

p: "Ach, Theater! Wann warst du denn zum letzten Mal da?"

E: "Zugegeben, ich gehe selten ins Theater, aber - ich kann's, wenn ich will. Und die großen Fußballspiele finden alle bei uns statt. Glaubst du vielleicht, die Nationalmannschaft von Spanien verirrt sich nach Lehmsdorf?"

p: "Das wohl nicht - die schau'ich mir im Fernsehen an. Wir haben übrigens einen Fußballclub; die meisten Fußballspieler treffen sich bei uns".

Die Jungen schlendern durch die schmalen Gassen von Lehmsdorf. Unterwegs zeigt peter dem Münchner, was es alles in Lehmsdorf gibt.

Erich muß das Rathaus, den Bahnhof, das Postamt, das Gymnasium, zwei Volksschulen, die Feuerwache, zwei kinos, einen Kindergarten, die Polizeiwache und die Volksbücherei von außen bewundern. Und er läuft bereitwillig mit, um den jüngeren vetter nicht zu verärgern. Eine Stunde später kennt er die Kleinstadt besser als München.

Inzwischen ist das Thermometer um ein paar Grad angestiegen. Erich ärgert sich über die Hitze.

E: "So, jetzt reicht's aber für heute! Was es sonst noch gibt, kannst du mir morgen zeigen, komm, jetzt kaufen wir uns ein Eis!"

p: "Kann ich nicht, ich bin abgebrannt!"

E: "Ich kauf' dir eins, ist doch klar. Wo gibt's hier Eis?"

p: "Da vorn, gegenüber der Fabrik."

2. Lasst Blumen sprechen!



(Erich, Peter, 2 Straßenhändler)

Wenige Schritte von dem Eisstand entfernt steht ein Straßenhändler mit einem Wagen voller Blumensträuße.

Auf den Wagen hat er mit großen Buchstaben geschrieben:

LASST BLUMEN SPRECHEN!

HEUTE SONDERANGEBOT:

Nur 4.50 DER STRAUSS.

Punkt vier Uhr heult eine Sirene, und Sekunden später kommen Arbeiter und Büroangestellte aus der Fabrik. Der Straßenhändler nimmt ein paar Sträuße in die Hand und beginnt, laut seine Ware anzupreisen.

Händler 1: “Heute besonders billig - nur 4 Euro 50 für einen großen Strauß. Sonderangebot! Heute sehr preiswert. Wann haben Sie Ihrer Frau das letzte Mal Blumen mitgebracht?”

In diesem Augenblick erscheint ein zweiter Straßenhändler mit seinem Wagen. Er bleibt nur wenige Meter von seinem Kollegen entfernt stehen und beginnt sofort, die Passanten auf seine Blumen aufmerksam zu machen.

Händler 2: “Meine Herrschaften, alle mal herschauen! Schöne Sträuße, besonders billig, nur 3 Euro 50 pro Stück.”

Die ersten Sträuße sind schnell verkauft. Da bemerkt der erste Händler den Konkurrenten und ärgert sich über den niedrigen Preis.

Händler 1: “Du Schuft, du Gauner! Du verdirbst mir das Geschäft!”

Händler 2: “Für was hältst du mich eigentlich?! Soll ich den Preis wegen dir ändern? Schließlich habe ich das gleiche Recht wie du, hier Blumen zu verkaufen. Kümmere dich gefälligst um deine Ware!”

Der Heftige Wortwechsel dauert an, und schnell bilden lachende Arbeiter einen Ring um die beiden. Der neue Händler findet kaum Zeit, seinem Kollegen zu antworten, denn die Zuhörer reißen ihm die Blumen fast aus der Hand.

Bald ist er ausverkauft. Hinter ihm steht noch der erste Händler - er hat keinen einzigen Strauß verkauft. Er schüttelt Kopf und schiebt seinen Wagen davon.

Zehn Minuten später gehen Erich und Peter durch die Goethestraße. Sie unterhalten sich über die beiden Straßenhändler. Erich meint: “Ich glaube, der eine kann nicht mit Blumen umgehen. Für ihn bedeuten sie überhaupt nichts.”

Peter: “Bei uns in München sind die Preise auch gestiegen. Ich kann verstehen, daß die Leute lieber billigere ware kaufen wollen.”

Plötzlich sehen sie die beiden Straßenhändler.

Händler 1: “Das hast du großartig gemacht, Hans!”

Händler 2: “Danke, du warst auch gut in Form! - Jetzt gibst du mir die Hälfte von deinen Sträußen, dann machen wir dieselbe Vorstellung vor dem Bahnhof, wenn der Zug aus Nürnberg ankommt.”



Grammatik

6B

a) Verben mit fester Präposition (Teil 1)

(1) präpositionen mit Akkusativ

an

denken (an)

Er denkt an seinen Geburtstag.
(Woran denkt er? - An seinen
Geburtstag.)
(An wen denkt er? - An seine Frau.)

auf

ankommen (auf)

Es kommt auf das Alter / auf dich an.
(Worauf? - Auf das Alter.)
(Auf wen? - Auf dich natürlich.)

für

sich interessieren (für)	Er interessiert sich für Sport. (Wofür? - Für Sport.) Sie interessiert sich nur für ihre Kinder. (Für wen? - Für ihre Kinder.)
--------------------------	---

über

sich freuen (über)	Sie freut sich über das Geschenk. (Worüber? - Über das Geschenk.) Sie freut sich über ihre Tochter. (Über wen? - Über ihre Tochter.)
ebenso: sich ärgern (über) reden (über)	Sie reden über den Kitsch. (Worüber? - Über den Kitsch.) Sie reden über ihre Kollegen. (Über wen? - Über ihre Kollegen.)
sich unterhalten (über)	Wir unterhalten uns über den Beruf. (Worüber? - Über den Beruf.) Wir unterhalten uns über unsere Eltern. (Über wen? - Über unsere Eltern.)
denken (über)	Was denken die jungen Leute über die alten? (Über wen? - Über die alten Leute.)
nachdenken (über)	Er denkt über seinen Freund nach. (Über wen? - Über seinen Freund.) Er denkt über ein Geschenk nach. (Worüber? - Über ein Geschenk.)

um

sich kümmern (um)	Kümmert euch um eure Arbeit. (Worum? - Um eure Arbeit.) Kümmert euch mehr um eure Freunde!
-------------------	---

sich bewerben (um)	(Um wen? - Um eure Freunde.) Er bewirbt sich um die Stelle eines Ingenieurs. (Worum? - Um die Stelle eines Ingenieurs.)
--------------------	---

(2) präpositionen mit Dativ

an

teilnehmen (an)	Wir haben an der Umfrage teilgenommen. (Woran habt ihr teilgenommen? - An der Umfrage.)
-----------------	--

mit

umgehen (mit)	Er kann nicht mit dem Fotoapparat umgehen. (Womit? - Mit dem Fotoapparat.)
verbinden (mit)	Er kann gut mit Kindern umgehen. (Mit wem? - Mit Kindern.) Verbinden Sie mich bitte mit Herrn Brandt. (Mit wem? - Mit Herrn Brandt.) Verbinden Sie diesen Lautsprecher mit den Plattenspieler. (Womit? - Mit dem Plattenspieler.)

von

abhängen (von)	Das hängt vom Wetter ab. (Wovon? - Vom Wetter.) Das hängt von Ihrer Mutter ab. (Von wem? - Von Ihrer Mutter.)
----------------	--

zu

gehören (zu)	Rom gehört zu Italien. (Wozu? - Zu Italien.) Die Zigarre gehört zum Großvater. (Zu wem? - Zum Großvater.)
--------------	--

b) Verben mit verschiedenen Präpositionen

denken an	Er denkt an seinen Geburtstag.
denken über	Was denken die jungen Leute über die alten? (=Was halten sie von ihnen?)

Sich beschweren über	Er beschwert sich über den Lärm. (Worüber? - Über den Lärm)
sich beschweren bei	Sie beschwerte sich bei ihrem Chef, darüber, daß sie viel zu viel Arbeit hatte

c) Verben mit oder ohne Präposition

warten	Er wartet schon lange.
warten (auf)	Er wartet auf seinen Freund.

Siehe auch: Er ärgert sich. - Er möchte sich bewerben. - Er denkt. - Er denkt nach.
- Das interessiert ihn. - Er redet viel. - Wir unterhalten uns gerade. - Er freut sich.
- Ich verbinde (,sagt der Telefonist). Er erfährt Freude.

halten für

Ich halte ihn für einen Betrüger. (Wofür? - Für einen Betrüger.)
Das halte ich für gefährlich. (Wofür? - Für gefährlich.)
Das halte ich für Weißkohl. (Wofür? - Für Weißkohl.)

Übungen

1. Sagen und schreiben Sie nach den Beispielen.

1.1. Beispiel: Was gehört zu wem? Was gehört wozu?

Die Zeitung gehört zum Großvater.

- | | |
|-------------------------|-----------------|
| a. Schreibmaschine | 1. Gärtner |
| b. Gießkanne | 2. Sekrretärin |
| c. Klavier | 3. Musiker |
| d. Computer | 4. Seemann |
| e. Schiff | 5. Konstrukteur |
| f. Käse | 6. Schweiz |
| g. Uhren | 7. Komissar |
| j. Handy (Mobiltelefon) | 8. Holland |
| h. Köln | 9. Deutschland |
| i. Geld | 10. Kasse |

2. Denken Sie gern an

Reden Sie gern über

Ihre Schulzeit?

An meine Schulzeit denke ich (nicht mehr) gern.

Über meine Schulzeit rede ich (nicht mehr) gern.

- a. Beruf b. Eltern c. Lehrer d. Ausbildung e. Geld
f. Hobbys

3. Haben Sie an die Briefmarken gedacht? - Tut mir leid, an die habe ich nicht gedacht.

Haben Sie daran gedacht, daß Sie mir

Briefmarken mitbringen sollten? - Richtig, ich sollte Ihnen

Briefmarken mitbringen.

Tut mir leid, daran habe ich

nicht gedacht.

- | | |
|---------------------------|-------------------------------|
| a. Ansichtskarten | b. Prospekte über Deutschland |
| c. ein Buch über Computer | d. eine deutsche Grammatik |

e. Zeitschrift

f. eine Flasche Milch

4. Hat sich das Wetter verändert?

Ich glaube, das hat sich seit gestern nicht verändert,

a. die Stadt - Die Gründung

e. Herr Brandt - die Hochzeit

b. Die Maschine - die Erfindung

f. Ihre Söhne - das Abitur

c. Maria -die Ausbildung

g. Klaus - die Schulzeit

d. Großvater - das vorige Jahr

5. Woran - worüber - worum - an wen - über wen - um wen

Können Sie an dieser Prüfung teilnehmen?

Woran soll ich teilnehmen?

a. Können Sie an dieser Umfrage teilnehmen?

b. Können Sie über dieses Programm noch mal nachdenken?

c. Können Sie sich selbst um ein Zimmer kümmern?

d. Können wir jetzt mal über Herrn Schulz sprechen?

e. Können Sie nicht auch mal an Ihre Eltern denken?

f. Können Sie sich um die alte Dame kümmern?

g. Können Sie über diesen Herrn Auskunft geben?

h. Können Sie bitte an die Briefmarken denken?

Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen!

Herr... ist nicht da.	Ich glaube, er ist Krank. Ich nehme an, er ist krank. Er soll krank sein. Vielleicht ist er krank. Er ist wohl (wahrscheinlich) krank.
Ich bin froh, daß ihr da seid. Endlich seid ihr da! Gut, daß ihr da seid!	
Ich freue mich, daß ihr kommt. Das ist schön, daß ihr kommt. Schön, (Nett, Toll), daß ihr kommt! Ich freue mich, deine Eltern kennenzulernen.	
Ich ärgere mich, daß er nicht kommt. Das ist ärgerlich.	

Eine Ausländische Studentin in Deutschland erzählt 6C

Einige Bilder aus Deutschland



Li ist eine von 227,000 ausländischen Studenten in Deutschland. Im August 2003 ist die 24-jährige aus Peking* nach Mainz gekommen. Sie studiert dort Medizin. Sie vermisst ihre Familie und denkt oft an sie. Sie freut sich immer auf eine Nachricht von der Heimat. Sie wartet manchmal darauf. Heute sitzt sie in einem Cafe und trinkt einen Milchkaffee. Sie interessiert sich für Manches in Deutschland. Wenn man sie fragt, was sie über Deutschland denkt, erzählt sie von ihren Eindrücken von Deutschland.

„Ich finde alles sehr sauber. Alles ist sehr pünktlich und die Busse und Straßenbahnen fahren genau nach Fahrplan“, sagt sie. In ihrer Heimatstadt Peking ist es sehr schwer von A nach B zu kommen. Es kommt immer auf den Verkehr an. „Die Deutschen sind eben sehr korrekt und organisiert. Hier ist alles so ruhig. Die Chinesen sind eher chaotisch“ meint sie, „In Deutschland funktioniert alles so gut,

* Peking ist die Hauptstadt von China.

dass nie irgendwelche Überraschungen passieren und das halte ich für positiv. Das ist bei uns anders. In Peking ist es immer so hektisch. Überall sind Menschen und man ist eigentlich nicht allein.“ Das gehört zu jeder Großstadt.

Li lebt mit anderen Studenten in einer Wohnung. Dort hat sie viel über die Deutsche Kultur und die Leute erfahren. „ Wenn jemand etwas stört, dann redet man darüber. Das war für mich neu. In China wollen die Menschen keine Konflikte und sagen nichts. “Sie beschwerten sich fast nie über auftauchende Probleme.

Die junge Frau kann sich jedoch nicht an das deutsche Essen gewöhnen. „Es ist viel zu fett für mich “ , sagt sie. „Käse mag ich überhaupt nicht. Ich bekomme Bauchschmerzen davon. “Das einzige was ihr schmeckt sind Maultaschen*. Und Schokolade. Die chinesischen Speisen hängen viel vom verschiedenen Gemüse ab. Wenn die Deutschen morgens ein Marmeladenbrötchen essen und Kaffee trinken, isst Xia Hua eine warme Suppe mit Nudeln und Gemüse. Und natürlich Reis.

Die chinesische Studentin findet das deutsche Studiensystem sehr gut.

„Es ist viel freier als in China. Man kann viele Kurse selber aussuchen. Der Nachteil ist natürlich, dass man viel selber organisieren muss.,,

Wenn Li mit ihrem Studium fertig ist, möchte sie wieder zurück nach Peking gehen.

Wählen Sie A, B,C oder D und schreiben Sie den Buchstaben in das Kästchen rechts.

- 1. Dieser Text ist
 - A. eine Werbung.
 - B. ein Abschnitt aus einem Reiseführer.
 - C. ein Zeitungsartikel.
 - D. ein Abschnitt aus einem Roman.

- 2. Li
 - A. erklärt das deutsche Schulsystem.
 - B. vergleicht das Leben in China und Deutschland.
 - C. macht Werbung für deutsche.
 - D. beschreibt die Universität in China.

* Maultaschen: eine Spezialität in Südwest - Deutschland

3. Li
- A. isst gern deutsche Speisen.
 - B. kann das deutsche Essen nicht vertragen.
 - C. hasst deutsche Speisen.
 - D. versucht selbst deutsche Speisen vorzubereiten.
4. In Deutschland
- A. ist es schwer von A bis B zu fahren.
 - B. isst man ein umfangreiches Frühstück.
 - C. kommen Angestellten ein bisschen spät zur Arbeit.
 - D. braucht man nicht lange auf Verkehrsmitteln zu warten.
5. Ausländische Studenten
- A. können nicht in Studentenheimen wohnen.
 - B. können die Kultur des Bestimmungsort während des Studiums kennenlernen.
 - C. müssen nach dem Studium nach Hause.
 - D. gewöhnen sich so bald wie möglich an alles.
6. Die Uni in Deutschland
- A. erlaubt Studenten das nehmen, was sie möchten.
 - B. hat ein kompliziertes System.
 - C. organisiert alles für ausländische Studenten.
 - D. bestimmt die Kurse für Studenten.

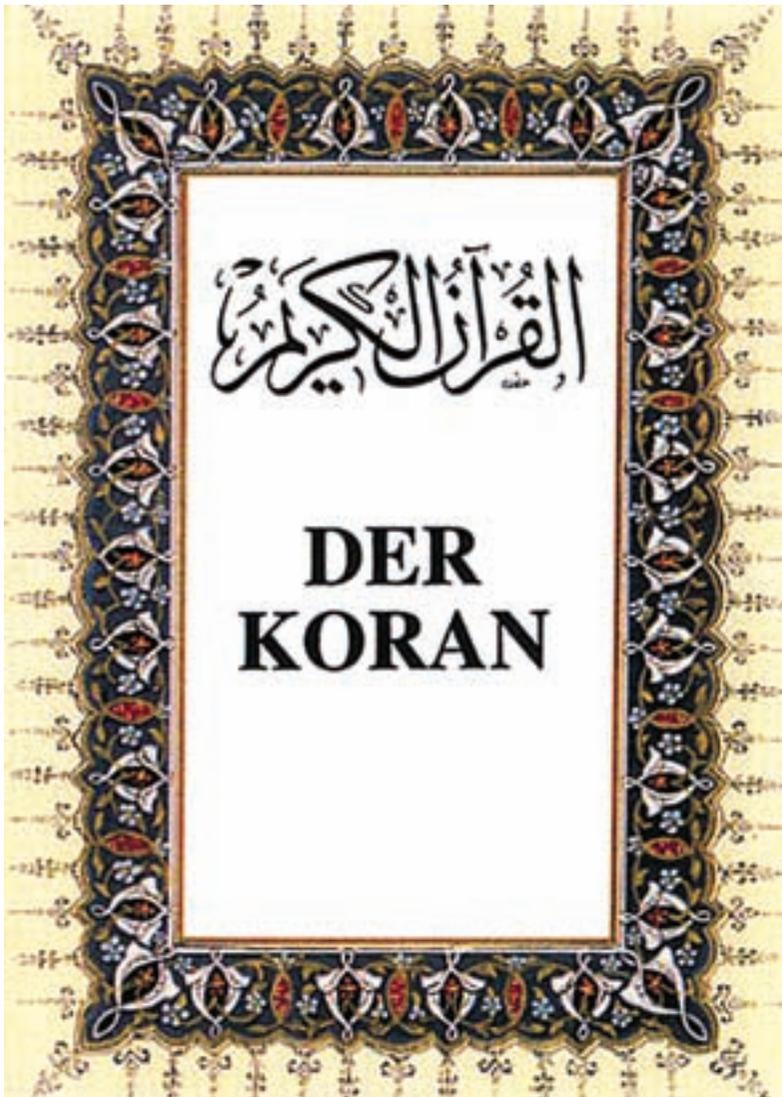
Wiederholungstest

A. Ergänzen Sie Sätze mit passenden Präpositionen.

1. Petet hängt noch finanziel Eltern ab.
2. Petra möchte sich die Stelle als Krankenschwester beworben.
3. Die Familie hat sich noch nicht das Klima gewöhnt.
4. Es kommt die Entscheidung an, ob wir nach Paris fahren.
5. Man denkt oft..... die schöne Schulzeit.
6. In der Gruppe unterhalten wir uns den Plan.
7. Die Interessanten nehmen dem Seminar Teil.
8. Im Augenblick habe ich keine Zeit mich diese Sorgen zu kümmern.
9. Meine Teilnahme am Seminar hängt meiner Gesundheit ab.
10. Die Schüler halten den Direktor streng.

B. Schreiben Sie die passenden Verben in passenden Form in die Lücken.

1. O Wie Findest du den neuen Lehrer?
 ○ Ich finde ihn für nett und hilfsbreit.
2. O Führt ihr im Sommer nach Amol?
 ○ Ich weiß nicht. Darüber haben wir noch nicht gesprochen.
3. O Gehen wir heute abend ins Kino?
 ○ Das davon, ob alle kommen haben.
4. O Wozu das alte Buch?
 ○ zum Museum.
5. O Im Sommer man nicht gern auf den Bus.
6. Was du über den Bau einer neuen Autobahn in Basel.
7. Viele Jugendliche heutzutage an Deutschkursen
8. Die Trainer sich über das Spiel am Freitag.
9. Sie hat sich um die Stelle als Kindergärtnerin
10. daran, daß du Morgen eine Prüfung hast. So, geh in dein Zimmer und lern.



«هرچه از انواع نیکویی به تو رسد از جانب خداست و هر بدی که رسد از خود
توست.»

قرآن کریم سوره نساء آیه ۷۹

Was Dich an Gutem trifft, das ist von Allah, was Dich Schlechtes
trifft, das ist von Dir selbst. der Koran sure 4,79

7A

1. Auch Computer können nicht alles.



Die Industrie hofft, daß er ein Bestseller wird: der Übersetzungs - computer, an dem jahrelang gearbeitet worden ist. Das Gerät sieht aus wie ein größerer Taschenrechner, dessen Zahlen durch Buchstaben ersetzt sind.

Vorläufig kann dieser elektronische Dolmetscher für sechs Weltsprachen programmiert werden: Englisch, Deutsch, Französisch, Italienisch, Spanisch und Japanisch. An weiteren Sprachen wird gearbeitet. Das Programm für eine Sprache enthält 1500 Wörter und dazu noch etwa fünfzig nützliche Redewendungen.

Und so funktioniert der Übersetzungscomputer: Das gesuchte Wort wird eingetastet wie auf einer Schreibmaschine, und sofort erscheint die Übersetzung in Leuchtschrift.

Allerdings: Die Grammatik ist nicht so ganz richtig. Statt “Können Sie einen Arzt vorschlagen?” sagt der Computer: “Können Sie vorschlagen einen Arzt?”

Das ist zwar verständlich, aber falsch ist es trotzdem, und deshalb sollen die Programme noch verbessert werden.

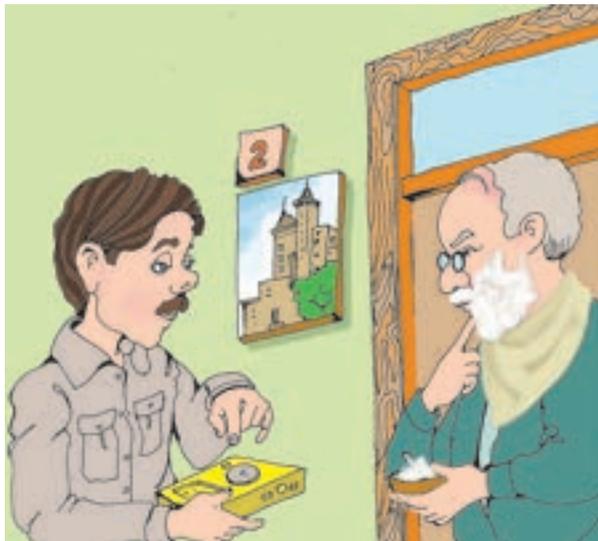
Außerdem soll die Kapazität vergrößert werden: 3000 Wörter, so sagen die Hersteller, soll der Computer in absehbarer Zeit “können”. Dann wird auch das Fragezeichen nicht mehr so häufig aufleuchten, das jetzt immer dann erscheint, wenn das Gerät etwas nicht “versteht”.

2. Brauchen Sie einen Übersetzungscomputer?

V: Entschuldigung, haben Sie einen Augenblick Zeit?

X: Eigentlich nicht. Sie sehen doch, daß ich mich gerade rasiere!

V: Es dauert nicht lange. Ich möchte Ihnen nur unseren neuesten Sprachcomputer Zeigen. Der ist in Amerika entwickelt worden und erst



seit kurzem auf dem deutschen Markt.

X: So? Und was kann der?

V: Englisch, Zum Beispiel.

X: Ich dachte, die Amerikaner können Englisch!

V: Ja, aber - nein, so ist das nicht. Der Computer kann auch Deutsch.

X: Dann brauche ich keinen. Deutsch kann ich selbst.

V: Also hören Sie, das ist so: Wenn Sie ein deutsches Wort haben und wissen wollen, wie es auf Englisch heißt ...

X: Wozu soll ich das wissen?

V: Nehmen wir an, Sie verreisen nächste Woche...

X: Ich verreise nicht, ich habe keinen Urlaub mehr.

V: Ja, ja, gut, aber nehmen wir an, Sie sind irgendwo im Ausland, und Sie suchen irgendwas. Sagen Sie mir mal irgendein Wort!

X: Restaurant.

V: Also gut, Restaurant.
Jetzt drücke ich hier die Tasten, R E S T A U R A N T, Und hier, sehen Sie, sofort erscheint das Wort hier oben.

X: Das wußte ich ja schon.

V: Nein, das ist jetzt Englisch.

X: Wieso ist das jetzt Englisch?

V: Das ist auf Englisch dasselbe.

X: Wenn es auf Englisch dasselbe ist, wozu brauche ich dann einen computer?
Hören Sie mal zu, Sie stehlen mir die Zeit, Sie Betrüger, Sie!
Raus hier, sonst hole ich die Polizei!

Grammatik

7B

a. Partizip II als Adjektiv

Man ersetzte die Zahlen durch Buchstaben.

Die Zahlen sind jetzt durch Buchstaben ersetzt.

Das sind durch Buchstaben ersetzte Zahlen.

Wir richten unser Haus ein.

Unser Haus ist fertig ingerichtet.

Das ist ein fertig ingerichtetes Haus.

Das Partizip II vor einem Substantiv (ebenso wie Partizip I, S. 14) wird wie ein Adjektiv dekliniert.

b. Partizip II von “worden” (beim Hauptverb bzw. Hilfsverb)

(1)

Unterscheiden Sie “geworden” und “worden”.

a. das Verb “Werden”: Er ist Ingenieur geworden.

(Hauptverb)

Sie ist krank geworden.

b. Passiv Perfekt

Das ist geprüft worden.

(Hilfsverb)

Das Buch ist gestohlen worden.

(2)

Das Buch ist gestohlen worden.

Von wem? - Von einem Einbrecher.

Das Buch ist von einem Einbrecher gestohlen worden.

Die Autos sind beschädigt worden.

Von wem? - Von Mardern.

Die Autos sind von Mardern beschädigt worden.

C) Relativsätze

Präposition + Relativpronomen

Wird an dem Computer noch gearbeitet?

Das ist ein Computer, an dem noch gearbeitet wird.

Wird mit dem Computer gearbeitet?

Das ist ein Computer, mit dem gearbeitet wird.

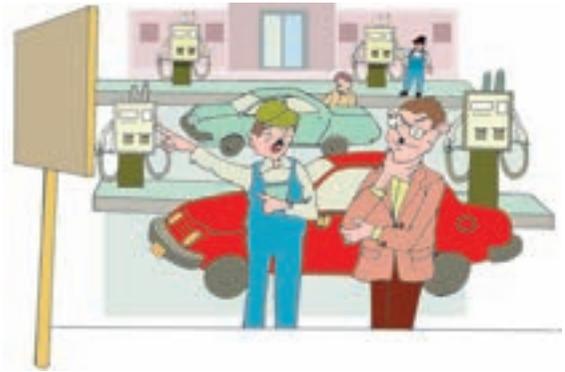
Übungen

1. Wird - werden - geworden

Das Benzin wird teuer.

Das Benzin ist teurer geworden.

- Ich glaube, er wird krank.
- Es regnet. Sie wird naß.
- Das Wetter wird schön.
- Es wird kalt.
- Die Kinder werden groß.



2. ist - sind ... worden

Der Einbrecher hat das Buch gestohlen.

Das Buch ist (von dem Einbrecher) gestohlen worden.

- Herr S. hat das Testament gefälscht.
- Herr S. hat die Polizei gerufen.
- Herr S. hat den Einbruch vorgetäuscht.
- Marder haben die Autos beschädigt.
- Die Polizei hat die Schäden nicht bemerkt.

3. Die Industrie hofft, daß der Computer ein Bestseller wird.

Na, hoffentlich wird er ein Bestseller.

- Die Dolmetscher hoffen, daß der Computer bald verbessert wird.
- Wir hoffen, daß man den Computer bald kaufen kann.
- Ich hoffe, daß meine Freundin bald wieder gesund wird.
- Er hofft, daß sein Auto morgen repariert wird.
- Die Polizei hofft, daß die Jugendlichen keine Autos beschädigen.

4. Wollen Sie das Gerät noch verbessern?

Das haben wir schon verbessert. (Das ist schon verbessert worden.)

- Wollen Sie die Kapazität noch vergrößern?
- Wollen Sie den Apparat vorführen?
- Wollen Sie die Maschine ausstellen?
- Wollen Sie die Buchstaben durch Zahlen ersetzen?

5. Haben Sie einen Augenblick Zeit?

**Eigentlich nicht. Ich rasiere mich gerade. Das sehen Sie doch!
Sie sehen doch, daß ich mich gerade rasiere!**

- a. Ich arbeite gerade am Computer.
- b. Ich will gerade wegfahren.
- c. Ich übersetze gerade einen Brief.
- d. Ich lese gerade Zeitung.
- e. Ich lerne gerade Deutsch.
- f. Ich will gerade telefonieren.

6. Haben Sie das Programm verbessert?

Hier ist das verbesserte Programm.

- a. Seit gestern suche ich ein Wort für diese Übersetzung.
Vielleicht kennt der Computer das ... Wort.
- b. In Nürnberg wurde ein Auto gestohlen.
Die Polizei fand den ... Wagen in Hamburg.
- c. Bisher wurden für die Taschenrechner ganz kleine Batterien verwendet.
Die bisher ... Batterien waren zu schnell leer.
- d. Die Düsentriebwerke wurden verbessert.
Aber auch die ... Triebwerke brauchen noch zuviel Benzin.
- e. Hier wird das Wort eingetastet.
Wenn der Computer das ... Wort nicht kennt, leuchtet ein Fragezeichen auf.
- f. Die Kapazität wurde vergrößert.
Leider ist auch die ... Kapazität noch zu klein.

7. dessen - deren

Ein Taschenrechner, dessen Zahlen durch Buchstaben ersetzt sind ...

Die Frau, deren Mann im Ausland arbeitet ...

Die Männer, deren Frauen berufstätig sind ...

- a. Berufstätige Frauen, ... Kinder noch zur Schule gehen, haben es nicht leicht.
- b. Der Sportverein, ... Mitglieder alle in der neuen Siedlung wohnen, hat schon drei Fußballspiele gewonnen.
- c. Ferdinand Porsche, ... Elektrowagen schon im Jahre 1900 vorgeführt wurde, baute später Rennwagen.

- d. Der Mann, ... Großvater Briefmarkensammler war, machte eine große Erbschaft.
- e. Frauen, ... Männer im Ausland arbeiten, müssen sich um alles selbst kümmern.

8. Ich wollte mit dem Zug um 17 Uhr fahren. Der geht heute aber nicht.

Der Zug, mit dem ich fahren wollte, geht heute nicht.

- a. Sie Wollte mit der Maschine um zwölf fliegen.
- b. Er wollte den Bus um sechs nehmen.
- c. Sie wollten in dem Hotel am Marktplatz wohnen, Das ist aber besetzt.
- d. Er wollte den neuen Taschenrechner kaufen, Den gibt es aber noch gar nicht.
- e. Wir wollten das Museum besuchen. Das War aber geschlossen.

9. angestellt - besetzt - eingeladen - interessiert - reserviert - verboten - verheiratet.

- a. Tut mir leid, dieser Tisch ist
- b. Das Taxi ist
- c. Autos sind hier
- d. Er ist bei einer Exportfirma
- e. An diesem Problem bin ich nicht mehr
- f. Wie lange sind Sie schon ... ?
- g. Gestern war ich bei Freunden

10. _ e, _ en oder _ es?

- a. Viele verheiratet _ Frauen sind berufstätig.
- b. Die gesucht _ Wörter erscheinen in Leuchtschrift.
- c. Mit den verbessert _ Programmen kann man dreihundert Wörter übersetzen.
- d. Er verkaufte die gestohlen _ Bilder an einen Sammler.
- e. Hier steht ein beschädigt _ Auto. Er wollte den gefälscht _ Tausendmarkschein wechseln lassen.

11. Ergänzen Sie die Sätze mit Präposition + Relativpronomen.

- 1. Mein Onkel während meines Studiums in Deutschland wohnte, kommt im Sommer zu uns.

2. Die Gruppe ich die Reise unternommen habe, geht jede Woche in den Sportverein.
3. Das Seminar alle Schüler teilnehmen sollen, ist über "Kunst in Deutschland".
4. Die Insel es keine Industrie gibt, ist ruhiger.
5. Die Straßen es wenige Häuser gibt, sind in der Nacht sehr dunkel.
6. Wie heißen die Länder, der Rhein fließt.
7. Ich möchte den Urlaub, ich immer gedacht habe, im Sommer mit meiner Familie machen.

12. Verbinden Sie die Sätze durch Relativpronomen.

Beispiel: Der Arzt ist sehr berühmt. Ich habe mit ihm gesprochen.

Der Arzt, mit dem ich gesprochen habe, ist berühmt.

1. Der Lehrer ist locker. Die Schüler haben sich bei ihm entschuldigt.
.....
2. Die Reise wird eine Woche dauern. Alle sind mit der Reise einverstanden.
.....
3. Das ist die Kamera. Damit mache ich immer schöne Bilder.
.....
4. Der Clown ist sehr lustig. Alle lachen über ihn.
.....
5. Die Männer sind jetzt wieder gesund. Sie haben mit dem Rauchen aufgehört.
.....

13. Verbinden Sie die Sätze, damit die Verben als Adjektive gebraucht werden.

Beispiel: Der Automechaniker repariert das Auto. Jetzt fährt es prima.

Das reparierte Auto fährt prima.

1. Der Sekretär schrieb den Brief. Paul bringt den Brief zur Post.
Paul
2. Wir haben diese Zeitung schon gelesen. Tu die in den Korb.
Tu
3. Mama wäscht den Pullover. Sie hängt ihn später auf.
Mama

4. Petra bezahlt die Rechnung auf der Bank. Er gibt dem Sekretär die Rechnung.

Petra

5. Das Frühstück schmeckt allen sehr gut. Mama hat das Frühstück vorbereitet.

Das

Wiederholungstest



Ordnen Sie die nachfolgenden Abschnitte in die richtige Reihenfolge, schreiben Sie eine Zahl in das Kästchen neben jeden Textabschnitt.

Beispiel: Am Montag hat Opa Lukas sich einen Computer gekauft. Einen kleinen, für's Wohnzimmer, damit er abends Spiele spielen kann.

2. Am Ende ist es dann passiert:

Opa - lukas hat den Hammer geholt, ist ins Wohnzimmer gegangen - und hat wütend den Gompüter kaputt geschlagen.

3. Ja, und am Sonntag ist Anna zu Besuch gekommen. Das ist seine Enkelin. Anna ist ins Wohnzimmer gehüpft. Dort hat sie den Computer entdeckt und sich davor gesetzt.

4. Aber Opa Lukas gibt nicht so schnell auf. Er bleibt vor seinem Computer sitzen und übt und übt und übt.

5. Er kommt mit seinem Computer nach Hause. Er setzt sich davor, schlägt die Bedienungsanleitung auf - und versteht nichts.

6. Aber auch nachts ist Opa Lukas nicht weitergekommen mit den Üben. Das ist dann noch ein paar Tage so weiter gegangen.

7. Eine halbe Stunde hat Anna gebraucht. Dann hat sie alles verstanden. Einfach so - ohne Bedienungsanleitung! Opa hat dabeigestanden und hat gedacht, er sieht nicht recht.

8. Sogar nachts ist er aufgestanden, um zu üben.

Richtig oder falsch? Lesen Sie den TEXT und markieren Sie die folgenden Aussagen mit R (richtig) oder F (falsch)

Beispiel: Opa Lukas möchte auf seinem neuen Computer spielen.

9. Er will den Computer in sein Arbeitszimmer stellen.

10. Er hat die Bedienungsanleitung gelesen und hat sofort alles verstanden.

11. Anna nachts hat er am Computer gesessen.

12. Anna wohnt bei Opa Lukas.

13. Anna hat nach dreißig Minuten alles über den Computer gewußt.

«توانمند کسی نیست که در جنگ پیروز می شود بلکه کسی است که بر عصبانیت
خود چیره می گردد.» پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد (ص)

**Nicht derjenige ist stark,
der beim Kampf siegt,
sondern derjenige, der sich
im Zorn beherrscht.**

der Prophet Mohammed (s.a.a.s)



8A

1. Entwicklung

a. Fortschritt der Technik

Auf der Internationalen Verkehrsausstellung in Hamburg im Jahre 1979 wurde (wieder einmal) eine Einschienenbahn (Monorail) als Verkehrsmittel der Zukunft gezeigt, die sehr viel schneller und leiser ist als die bisherigen Züge. Die Besucher der Ausstellung durften ein paar hundert Meter damit fahren.

Was die wenigsten wußten: Die Idee ist keineswegs neu.

Die erste Einschienenbahn, 1884,
von E.S. Watson



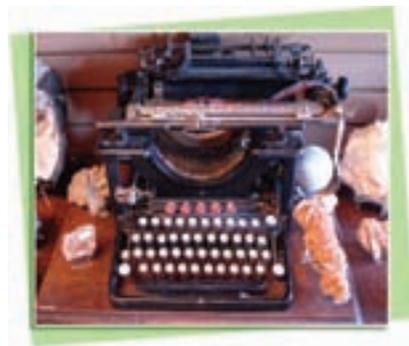
Der schnellste Zug der Welt.

Schon im Jahre 1884 ließ sich Herr E.S. Watson aus Water Valley am Mississippi eine Hochbahn mit nur einer Schiene patentieren.

“Der Zug kann nicht entgleisen, weil der Schwerpunkt unter der Schiene liegt. Ein weiterer Vorteil dieser Bahn ist, daß der Straßenverkehr unter der Schiene stattfinden kann und dadurch Schranken überflüssig werden”, schrieb damals eine berühmte Zeitschrift. Richtig! Daran hat sich bis heute nichts geändert. Wann bekommen wir nun endlich diese “neue” Bahn?

b. Haben Sie das gewußt?

1877 konstruierte der amerikanische Ingenieur Remington eine Schreibmaschine, die so weit entwickelt war, daß Kaufleute und sogar Privatpersonen solch eine Maschine kauften, um ihre Korrespondenz besser und schneller zu erledigen.



Aber schon zehn Jahre vorher hatte es die ersten Modelle gegeben. In Tirol baute Peter Mitterhofer 1866 drei Schreibmaschinen aus Holz. Aber niemand wollte ihm das Kapital leihen, das er gebraucht hätte, um sie weiterzuentwickeln. Man glaubte nicht, daß es sich lohnen würde, die Maschinen in Serie zu produzieren.

c. Auch das gab es schon früher, als Sie glauben!

1883 wurden auf einer Ausstellung in Wien folgende Geräte gezeigt:
elektrische Kochplatten und Kochtöpfe
elektrische Staubsauger
Waschmaschinen

2. Ein Erfinder erzählt

Das Carbike verbraucht nur wenig Strom und natürlich Muskelkraft. Denn es funktioniert ähnlich wie ein Fahrrad. Es fährt 30 km pro Stunde. Zwei Erwachsene und zwei Kinder haben darin Platz.

Edgar Löhr aus Lindau am Bodensee hat ein umweltfreundliches Auto, gebaut das CARBIKE. Wir haben der Erfinder interviewt:

Wie wird man Erfinder?

Schon als Kind habe ich gern experimentiert und Modelle aus Holz gebaut. Die Idee, ein Auto zu bauen, ließ mich nicht mehr los. Aber erst viel später habe ich über die technischen Dinge nachgedacht.

Was braucht ein Erfinder?

Viel Zeit! Meine Frau hat damals gearbeitet und das Geld verdient. Ich war Hausmann, hatte Zeit zu überlegen und zeichnen. Ich wollte ein umweltfreundliches Verkehrsmittel entwickeln. Ein Erfinder braucht viel Phantasie. Er muss fest an



das glauben, was er macht, auch wenn andere es für verrückt halten. Und ich musste sparen, Leute scuhen, die sich für meine Erfindung interessierten und mir Geld gaben.

Was ist das Schönste am Erfindung?

Der Moment, wenn man die Lösung für ein Problem gefunden hat.

Dann ist man ein bis zwei Wochen ganz glücklich. Aber was man sich ausgedacht hat, funktioniert nicht immer.

Was ist Ihr Traum?

Durch das Carbike etwas im Verkehr zu verändern. Dann wäre ich absolut zufrieden.

a. Charakterisieren Sie Edgar Löhr. Finden Sie 5 Eigenschaften auf der Liste, die Edgar Löhr beschreiben.

1.	blöd	sparsam ✓
2.	fleißig ✓	intelligent ✓
3.	unfreundlich	lustig
4.	neugierig ✓	hilfsbereit
5.	höflich	geduldig ✓

b. Finden Sie im Text Wörter, die das gleiche bedeuten, wie die untenstehenden Beschreibungen:

Beispiel: alle elektrischen Geräte brauchen

Strom

1. Es hat zwei Räder, braucht kein Benzin und macht keinen Lärm
.....
2. Man versucht und probiert viele Dinge, man
.....
3. Ein Mann, der nicht arbeiten geht, sondern kocht, putzt, wäscht etc, ist ein
.....

4. Etwas, was nicht viel Energie verbraucht, keinen Schmutz und Lärm macht, ist

.....
5. Bus, Eisenbahn, Auto und Straßenbahn sind.
.....

Grammatik

8B

a. Nebensätze

a.1 als (vergleichsätze)

Diese Bahn ist schneller, als Sie glauben.

Das Auto fährt schneller, als der Verkäufer gesagt hat.

Beachten Sie bitte auch:

Die Bahn als Verkehrsmittel ist billiger als das Auto.

Er macht eine Lehre als Sekretär.

a. 2 daß

Peter kommt heute nicht. Weißt du das?

Ja, ich weiß, daß er heute nicht Kommt.

Peter hat ein neues Auto gekauft.

Ich habe auch gehört, daß er ein neues Auto gekauft hat.

a. 3 ob

hast du morgen eine Prüfung?

Ich weiß noch nicht, ob ich morgen eine Prüfung habe?

Ist heute der 10. April?

Ich weiß nicht, ob heute der 10. ist?

a. 4 Fragewörter (wer, wie, welch --)

Was fragt Anna die Lehrerin?

Ich kann aber die nicht sagen, was Anna die Lehrerin fragt.

- Welcher Wettbewerber hat gewonnen.
- Keiner weiß, welcher Wettbewerber gewonnen hat.

b. solcher, solche, solches, solche (Plural)

Mit solchem alten Auto kann man nicht fahren.
 Solchen Film möchte ich nicht sehen.
 Solche Geräte sind nicht modern. (Pl.)

Beachten Sie Bitte auch:



Solch ein Zug (= So ein Zug) fährt schnell.
 Solch eine Bahn hat immer Verspätung.

c) Verben mit fester Präposition (Teil 2)

(1) Präpositionen mit Akkusativ

auf	
achten (auf)	Achten Sie auf Ihre Gesundheit/auf Ihre Kinder!
sich freuen (auf)	Auf diesen Tag / Auf dich habe ich mich sehr gefreut.
für	
sich entscheiden (für)	Wir haben uns für ein neues Gerät / für Herrn Neumann entschieden.
um	
bitten (um)	Bitten Sie doch um ein Gespräch!

(2) präpositionen mit Dativ

von	
reden (von)	Er redet viel von seinen Büchern/von seinen Kollegen.
stammen (von)	Die Kette stammt von meinen Eltern.

Übungen

1.

Beispiel: Mitterhofer hat zehn Jahre vor Remington eine Schreibmaschine gebaut.

Wußten Sie Schon, daß Mitterhofer Zehn Jahre vor Remington eine Schreibmaschine gebaut hat.

- a. Viele gebrauchen heutzutage Computer.
- b. Elektrische Geschirrspülmaschinen gibt es schon seit 1883.
- c. Die Einschienenbahn ist nicht so neu, wie manche glauben.
- d. Staubsauger wurden schon auf einer Ausstellungen Wien gezeigt, die im Jahre 1883 stattfand.
- e. Computer gefällt sogar kleinen Kindern.
- f. Es gibt Computerkurse auch für älter Leute.

2. Er wollte die Erfindung weiterentwickeln. Dazu brauchte er Geld. Er brauchte Geld, um die Erfindung weiterzuentwickeln.

- a. Er wollte die Maschine noch verbessern. Dazu brauchte er Zeit.
- b. Er wollte das Gerät in Serie produzieren. Dazu brauchte er Kapital.
- c. Er wollte die Säulen in der Stadt aufstellen. Dazu brauchte er eine Erlaubnis.
- d. Er wollte im Theater Reklame machen. Dazu brauchte er einen guten Text.

3. Was, Sie kennen Remington nicht? Dann haben Sie aber wirklich keine Ahnung!

Wer Remington nicht kennt, der hat wirklich keine Ahnung.

- a. Sie kennen Diesel nicht? Dann interessieren Sie sich wohl nicht für Autos!
- b. Sie kennen Lilienthal nicht? Dann haben Sie wohl noch nie etwas über Flugzeuge gelesen!
- c. Sie kennen Mozart nicht? Dann gehen Sie wohl nie ins Konzert!
- d. Sie wissen nicht, was ein Computer ist? Dann lesen Sie wohl nie Zeitung!
- e. Sie haben noch nie einen Taschenrechner gesehen? Dann leben Sie wohl auf dem Mond!
- f. Sie haben keine Schreibmaschine? Dann schreiben Sie wohl nicht viel!

4. Das kenne ich nicht, und das esse ich auch nicht.

Was ich nicht kenne, das esse ich nicht.

- a. Das gefällt mir nicht, und das lese ich auch nicht.
- b. Das verstehe ich nicht, und das lerne ich auch nicht.
- c. Das habe ich noch nie gehört, und das glaube ich auch nicht.
- d. Das braucht niemand, und das ist auch überflüssig.
- e. Das ist schön, und das möchte ich auch haben.
- f. Das ist teuer, und das will ich auch nicht.

5. Die Maschine ist sehr leise. Halten Sie das für einen Vorteil?

Natürlich halte ich es für einen Vorteil, daß die Maschine leise ist.

- a. Die Bahn ist sehr schnell.
- b. Das Gerät ist sehr billig.
- c. Der Wagen ist sehr sparsam.
- d. Der Text ist sehr lustig.
- e. Der Motor verbraucht wenig.
- f. Die Erfindung kommt bald auf den Markt.

6. Würde es sich lohnen, schnellere Flugzeuge zu bauen?

Noch schnellere? Ich glaube, es würde sich nicht lohnen.

Ich glaube nicht, daß es sich lohnen würde, noch schnellere zu bauen.

- a. sparsamere Autos
- b. größere Busse
- c. schnellere Bahnen
- d. kleinere Computer

7. solch ein ...

- a. Solch ein Maschine steht bei uns im Museum.
- b. Solch ein Motor habe ich noch nie gesehen.
- c. Sehen Sie mal, das kleine Auto. Solch ein habe ich auch.
- d. Sehen Sie mal, dieses uralte Taxi! Mit solch ein sind wir in London gefahren.
- e. Mit solch ein Bahn würde ich auch gern mal fahren.

8. Beispiel: Sind Computer auch für alte Leute?

Nein, für nötig halte ich es nicht.

Ja, das halte ich für wichtig.

- a. Sollen Kinder einen Computerkurs besuchen?

- b. Sollen alte Leute einen Computerkurs besuchen?
- c. Soll man seine Einkäufe beim Computer machen?
- d. Sollen alle Computer zu Hause haben?
- e. Ist die Bedienungsanleitung so wichtig?

Im Gespräch

1. Haben sie gewußt,
(Wußten sie schon,) { daß die Einschienenbahn (schon) so alt ist?
daß es (schon) im Jahre 1883 Spülmaschinen
gab, die aber erst um 1950 in Serie
produziert wurden?
daß, die Idee keineswegs neu ist?
2. Niemand wollte { ihm das Kapital leihen.
ihm glauben.
ihm Geld geben.
ihm seine Idee abkaufen.
3. Er hatte { viel Geld
Zeit
Kapital
Mut } gebraucht um { seine Erfindung weiterzu
entwickeln.
in Serie zu produzieren.
auf den Markt zu bringen.
zu verbessern.
bekannt zu machen.
produzieren zu lassen.

Wiederholungstest

So schreibt man die perfekte Bewerbung

Berufsanfänger haben durchschnittlich erst nach 30 Bewerbungen Erfolg und werden zum Vorstellungsgespräch eingeladen. Ein Großteil der verschickten Bewerbungen geht sogar ungelesen an den Absender zurück - sofern sie nicht direkt im Papierkorb landen. Der Grund dafür ist meist die schlechte Bewerbungsmappe. Damit dir das nicht passiert, helfen wir dir bei einer erfolgreichen Präsentation.

① *Dein Profil*

Zuerst ist es wichtig, sich richtig vorzubereiten. Erstell ein genaues Profil von dir, das zeigt, was du gut kannst und woran du interessiert bist. Konkret: Beschreib deine Persönlichkeit (z.B. flexibel, hilfsbereit), deine Kompetenzen (Schulabschluss) und was für dich wichtig ist (im Team arbeiten, in der Natur, mit Kindern). Nur so kannst du gezielt den richtigen Job für dich suchen und in der Bewerbung deine Motivation für diese Stelle formulieren. Denn: Deine Bewerbung muss individuell klingen!

② *Das Anschreiben*

Das Anschreiben ist der wichtigste Teil deiner Bewerbung. Ist es nicht gut, geht die Mappe gleich zurück. Der Text soll in drei Abschnitte eingeteilt sein: 1. hier machst du den Leser neugierig, 2. hier erklärst du, warum du die richtige Person für die Stelle bist, 3. der Abschluss, Beispiel: "Ich freue mich auf eine Einladung zu einem persönlichen Gespräch. "Im Brief dürfen keine Rechtschreibfehler oder Tippfehler sein, das macht einen schlechten Eindruck!

③ *Der Lebenslauf*

Hier sollten die folgenden Punkte stehen: Persönliche Angaben und Adresse, Schulbildung und Ausbildung, Praktische Erfahrungen (z.B. Ferien- und Samstagsjobs), Auslandsaufenthalte, Hobbys und Ort, Datum und Unterschrift.

Du kannst den Lebenslauf so darstellen, dass alles, was du bisher gemacht hast, sich konkret auf die gewünschte Stelle bezieht. Der Lebenslauf ist erst komplett, wenn ein Foto von dir und Schulzeugnisse und andere Dokumente wie Bescheinigungen dabei sind. Lass dein Bild von einem professionellen Fotografen machen. Dein Bild ist das Erste, was sich der Personalchef merkt.

④ Die Mappe

Der Lebenslauf, die anderen Unterlagen und das [-X-] sind deine Bewerbungsmappe. Damit [-32-] du dich bei deinem (hoffentlich!) zukünftigen Chef! Dann schickst du deine Bewerbung per post an die Firma. Du [-33-] wahrscheinlich nicht sofort eine Antwort. Nach zwei Wochen kannst du [-34-] nachfragen, vorher nicht!

Es gibt auch Bücher zum Thema “Bewerbung”. Da kann man nachlesen, welche Fehler man vermeiden kann und konkrete [-35-] und Ratschläge erfahren. Außerdem sagen dir Experten wie man sich zum Beispiel online bewirbt oder einen Job im [-36-] findet. Diese Bücher kann man in der Buchhandlung kaufen oder im Internet bestellen.

Lesen Sie den Text und schreiben “R” für die richtigen und “F” für die falschen Aussagen in Kästchen.

- | | R | F |
|--|-------|-------|
| 1. Sobald Berufsanfänger Bewerbungen schreiben, bekommen sie
eine positive Antwort. | | |
| 2. Schlechte Bewerbung ist der Grund für ungelesene Bewerbungen
..... | | |
| 3. “Ein Profil erstellen” bedeutet, wie alt der Bewerber ist.
..... | | |
| 4. Man muß seine Persönlichkeit, Kompetenz in der Bewerbung
Schreiben.
..... | | |
| 5. Man soll keinen langen Text schreiben. Die Bewerbung sollte
geteilt werden. | | |
| 6. Es ist egal, wenn Sie einen Schreibfehler haben.
..... | | |
| 7. Im Lebenslauf steht fast alle Antworten auf “W-” Fragen.
..... | | |
| 8. Ihr Aussehen könnte eine positiven Eindruck machen.
..... | | |
| 9. Rufen Sie nach ein paar Tagen an und kündigen Sie sich nach
der Antwort. | | |
| 10. Es gibt keine Materialien bzw. Quellen, in denen man über
Bewerbungschreiben nachschlägt. | | |

SO SCHREIBT MAN DIE PERFEKTE BEWERBUNG

Beantworten Sie folgende Fragen.

1. Nach wie vielen Bewerbungen kommt eine positive Antwort?

.....

2. Was passiert mit einem Großteil der verschickten Bewerbungen?

- (a)
 (b)

In welchem Textabschnitt finden Sie diese Information? Kreuzen Sie [✓]an!

	Abschnitt①	Abschnitt②	Abschnitt③
Beispiel: Zuerst musst du <u>darstellen</u>, wie du bist und was du kannst.	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
3. Name, Anschrift, Schulen, die du besucht hast, müssen in diesem <u>Dokument</u> aufgeführt sein.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
4. Auf diesen Brief kommt es an.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
5. Keine Urlaubsfotos schicken, das sieht nicht gut aus!	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
6. Dieses Dokument musst du datieren und unterschreiben.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
7. Gute Vorbereitung ist alles.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
8. Hier muss alles richtig geschrieben und fehlerfrei sein.	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

Abschnitt④ Hier fehlen einige Wörter. Setzen Sie die fehlenden Wörter in den Text ein. Die Wörter sind auf der Liste unten. VORSICHT: Auf der Liste sind mehr Wörter als Sie brauchen!

ANSCHREIBEN

BEISPIELE

FOTOGRAFIERST

ANTWORT

E-MAIL

PRÄSENTIERST

AUSLAND

ERHÄLTST

TELEFONISCH

Beispiel: [-x-] Anschreiben

9.

10.

11.

«هرچه را برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بیسند.»

حضرت علی (ع)

Behandle andere Menschen so, wie du selbst behandelt werden möchtest.

Imam Ali(a.s.)



TESTS AUS “WIR LERNEN DEUTSCH” UND “DEUTSCH FÜR DIE KOLLEGSTUFE”

FINDEN SIE DIE RICHTIGE ANTWORT!

1. Im frühling regnet es manchmal: dann hört Regen, und die Sonne kommt
a. an/durch b. aus/auf c. auf/durch d. aus/um
2. In den Ferien geht er nach Hamburg,
a. um Verwandte besuchen
b. und Verwandte besuchen
c. damit Verwandte besuchen
d. um Verwandte zu besuchen
3. Die großen Fußballspiele finden alle bei uns
a. satt b. statt c. stadt d. staat
4. Der Junge ärgert sich die Hitze.
a. um b. über c. für d. auf
5. Wer sich denn um das Kind, wenn ich im Büro bin?
a. freut b. ärgert c. kümmert d. verbindet
6. Interessieren Sie sich Mathematik?
a. über b. um c. auf d. für
7. Unsere Reise nach Köln hängt Wetter ab.
a. zum b. vom c. nach d. mit
8. Wer von euch kann einem Computer umgehen?
a. aus b. mit c. von d. bei
9. Warum bewerben Sie sich nicht eine Stelle hier?
a. auf b. für c. um d. an
10. Können Sie mich bitte Herrn Schmitz verbinden?
a. von b. mit c. aus d. nach
11. Ich halte Robert einen Betrüger.
a. von c. für c. zum d. auf
12. Ich weiß nicht genau, sich die Frauen unterhielten.
a. davon b. darüber c. worüber d. worum
13. Kinder, wer von euch möchte an Spiel teilnehmen?
a. diesem b. dieses c. dies d. diesen

14. Können Sie über dieses Programm noch mal?
- a. kümmern b. nachdenken c. unterhalten d. ärgern
15. Was du tun, wenn du ein Deutschlehrer wärest?
- a. werdest b. wirst c. wurdest d. würdest
16. Rudolf hat ein Fahrrad gekauft.
Ich an seiner Stelle keins gekauft.
- a. würde b. möchte c. hätte d. wäre
17. Solch ein Gerät ich mir nie kaufen.
- a. wurde b. hatte c. würde d. hätte
18. Wenn ich zu Hause, würde ich fernsehen.
- a. wäre b. würde c. hätte d. möchte
19. Er muß seinen Wagen reparieren
- a. gelassen b. zu lassen c. verlassen d. lassen
20. Ich bin sicher, der Bus um halb 9 abfährt.
- a. ob b. als c. daß d. und
21. Wenn ich reich wäre, würde ich nicht mehr
- a. gearbeitet b. arbeitet c. arbeiten d. zu arbeiten
22. Wenn ich einen kleinen Wagen hätte, ich damit zur Arbeit fahren.
- a. konnte b. kann c. könnte d. könne
23. Dann brauchte ich freitags nicht mehr zu Hause
- a. bleiben b. geblieben c. zu bleiben d. bleibe
24. Würdest du mir bitte etwas aus Japan!
- a. mitbringen b. mitgebracht c. mitzubringen d. zu mitbringen
25. Inzwischen ist das Thermometer einige Grade angestiegen.
- a. bis b. an c. um d. ab
26. Wer sich denn über so ein kleines Geschenk?
- a. freut b. ärgert c. kümmert d. verbindet
27. Ich freue mich sehr, deine Eltern
- a. kennengelernt b. kennenlernen
c. kennenzulernen d. zu kennenlernen
28. Sie sofort zum Arzt gehen, hat sie gesagt.
- a. müßte b. dürfte c. könnte d. möchte
29. Er fragt, ob Sie jetzt gern Urlaub
- a. hätten b. würden c. wären d. hätte
30. Jetzt hat er schon wieder den Schlüssel im Büro
- a. lassen b. gelassen c. zu lassen d. läßt

31. Wußten Sie schon, daß Litfaß “die Litfaß- Säule” gar nicht hat?
 a. gefunden b. erfanden c. erfunden d. gefanden
32. Er brauchte Geld,
- a. die Erfindung weiterentwickelt.
 b. damit die Erfindung weiterentwickelt.
 c. um die Erfindung weiterzuentwickeln.
 d. damit er die Erfindung weiterentwickeln.
33. Einstein nicht kennt, hat wirklich keine Ahnung.
 a. Der/der b. Wer/wer c. Wer/der d. Der/ wer
34. Sie wissen nicht, was ein Computer ist? Dann lesen Sie wohl Zeitungen!
 a. mal b. immer c. oft d. nie
35. mir nicht gefällt, lese ich auch nicht.
 a. Was/das b. Das/was c. Was/ was d. Das/ das
36. Eine Sache, die man nicht braucht, ist
- a. übermäßig b. gebraucht c. überflüssig d. verbraucht
37. Ich halte es für einen, daß diese Maschine leise ist.
 a. Vorteil b. Abteil c. Vorurteil d. Urteil
38. Würde, eine schnellere Maschine zu bauen?
 a. sich lohnen b. es sich lohnen
 c. sich löhnen d. es sich löhnen
39. Wir sind mit solch alten Wagen nach Rom gefahren.
 a. einen b. ein c. einer d. einem
40. Bitte sagen Sie mir, Sie morgen Zeit haben!
 a. daß b. ob c. was d. um
41. Er sagte mir, er heute nicht kommt.
 a. doß b. ob c. das d. was
42. Ich überlege gerade, ich ihm schenken hann.
 a. daß b. ob c. was d. wieviel
43. Er war gekommen, die alten Bücher zu holen.
 a. daß b. das c. um d. für
44. Ein Auto, das wenig Benzin verbraucht, ist
- a. billig b. langsam c. schnell d. sparsam
45. Der Text ist sehr lustig, das heißt,
- a. er ist besonders langweilig.
 b. man hat viel Freude daran.
 c. man hat keine Lust, ihn zu lesen.
 d. jeder liest ihn.

46. Litfaß wollte seine Säulen in der Stadt
 a. bestellen b. verstellen c. aufstellen d. abstellen
47. Dazu brauchte er aber eine
 a. Ergebnis b. Ereignis c. Erlaubnis d. Erkenntnis
48. Die Erfindung kommt bald auf den Markt, das heißt,
 a. man kann sie bald kaufen.
 b. man produziert sie bald.
 c. sie ist schon auf dem Markt.
 d. sie ist noch nicht entwickelt worden.
49. Litfaß als Lehrling und starb als Millionär.
 a. fing/an b. rief/an c. fing/auf d. kam/an
50. Wir haben uns endlich einen neuen Fernseher entschieden.
 a. auf das b. um c. für d. zu
51. Fährst du im Sommer in die Türkei?
 -Es kommt, wie das Wetter wird.
 a. auf das b. darauf an c. davon an d. an
52. interessiert ihr euch?
 - Wir sind Sport - Fans. Jede Woche spielen wir Fußball.
 a. Für was b. Was c. An was d. Wofür
53. Was ist denn los? denkst du immer?
 - Ach, meine Wohnung ist mir gekündigt worden.
 a. An wen b. Woran c. Was d. An was
54. Ärgerer nicht das Wetter. Bald hört der Regen auf.
 a. euch/für b. dich/über c. noch/an d. du/auf
55. Heute haben wir uns im Unterricht über die Wahl
 a. unterhalten b. geredet c. erzählen d. sprechen
56. Monika hat um die Stelle als Lehrerin
 a. ihr/bewerben b. sich/ bewirbt
 c. sich/ bewerben d. sie / bewerben
57. Zwanzig Schüler haben Deutschkurs teilgenommen.
 a. an dem c. an den c. daran d. in dem
58. Ich möchte mit Herrn Weber sprechen. Können Sie mit ihm
 a. mir/ verbunden b. mich/verbinden
 c. ich/bindet d. mich/verband
59. Wie funktioniert das Gerät. kann ich nicht
 a. Dem/gehen b. Von dem/ versuchen
 c. Damit/ umgehen d. Ihm/verstehen

60. gehst du heute nachmittag?
 - Mein Großvater ist allein. Ich möchte ihn besuchen.
 a. An wen b. Wem c. Wen d. Zu wem
61. War die Diskussion interessant? Was du das Thema?
 a. denkst/an b. denkst/über c. wartest/von d. glaubst/ über
62. Ist der Lehrer nett?
 - Eigentlich ja
 a. Ich kann ihn nicht aushalten.
 b. Ich halte ihn für einen guten Lehrer.
 c. Menschen sind nett.
 d. Nete Leute sind Lehrer.
63. Es gibt kein Wasser im
 a. Tasse b. Gießkanne c. Gemüse d. Eimer
64. Gehst du morgen Bergsteigen?
 a. Ja, Bergsteigen ist gefährlich.
 b. Nein, das halte ich für gefährlich.
 c. Ich halte ihn für einen Künstler.
 d. Bergsteigen hält mich zu gefährlich.
65. Aus dem Urlaub schickt man normalerweise eine
 a. Prospekte b. Gruß c. Absicht d. Ansichtskarte
66. Welcher Satz hat nicht dieselbe Bedeutung.
 a. Ich glaube, die kommen aus der Türkei.
 b. Die glauben aus der Türkei.
 c. Die sollen aus der Türkei sein.
 d. Ich nehme an, die sind aus der Türkei.
67. Die Schüler dem Lehrer dankbar, wenn er einen einfachen Test geben
 a. waren/werden b. hätten/würden
 c. würde/werden d. wären/ würde
68. Wenn er Kinder , er bei ihnen bleiben.
 a. haben/können b. hat/konnte
 c. wäre/ würde d. hätte/ könnte
69. Was passt nicht?
 a. Zug b. rasieren c. Pass d. reisen

70. Was ist nicht richtig?
 - Es lohnt sich nicht,
- diese Kleider herzustellen.
 - in das Gerät investieren.
 - bei diesem Wetter rauszugehen.
 - ihm Kapital zu leihen.
71. Kannst du mit diesem Computer umgehen? Der ist ganz modern.
 - Ach, was sagst du? Computer gibt es schon lange.
- So einer
 - Solcher
 - Einen solchen
 - Ein solcher
72. Du bist aber krank. deine Gesundheit und geh zum Arzt.
- Achte auf
 - Kümmere dich um
 - Gib Acht
 - Entscheide
73. Ich möchte ein Fahrrad kaufen, aber habe wenig Geld. Ich bitte
 Vater das Geld.
- mein/für
 - meinen/ um
 - der/auf
 - von meinen/an
74. Er fuhr nach Deutschland, um seine Deutschkenntnisse
- zu vermuten
 - vergrößern
 - zu verbessern
 - zn verringern
75.! Du wärest beinahe hinfallen.
- Richtig
 - Seien Vorsichtige
 - Vorsicht
 - Vorteil
76. mir nicht gefällt, ziehe ich mir nicht an.
- Daß
 - Es
 - Wem
 - Was
77. Er teilt mir telefonisch, daß wir morgen Prüfung haben.
- vor
 - an
 - zu
 - mit
78. Ich hatte kein Ich hatte einen Unfall.
- Glocke
 - Chance
 - Pech
 - Glück
79. Eine Sirene, und alle kamen auf die Straße.
- hing
 - hörte
 - sang
 - heulte
80. Das Telefon von Graham Bell
- ist/erfunden
 - wird/gefunden
 - würde/erfunden
 - wurde/ gefunden
81. Um zur Arbeit zu fahren,
- ich muß einen großen Umweg machen.
 - ich habe mich verletzt.
 - mußte ich einen großen Umweg machen.
 - fällt er von der Leiter.

82. Das ist ein Tag in meiner Kindheit,
 a. an den ich mich noch gut erinnere.
 b. daß so gut war.
 c. den ich erinnere.
 d. für den ich immer Sorge.
83. Welcher Satz hat nicht dieselbe Bedeutung.
 a. Darf ich Ihnen noch von dem Brot geben?
 b. Nehmen Sie noch etwas Brot!
 c. Was kostet denn das Brot?
 d. Möchten Sie noch etwas Brot?
84. Ihr Jüngster Sohn ist zu früh zur Welt gekommen. Bei der wog er nur etwa vier Pfund.
 a. Geburtstag
 b. Geboren
 c. Geburt
 d. Geberen
85. Es gibt wenige Länder auf der Welt, die von einem regiert werden.
 a. Partei
 b. König
 c. Regierung
 d. President
86. Ihr Vater bringt Sie zum Flughafen. Was sagt er Ihnen nicht?
 a. Guten Flug!
 b. Ich wünsche dir eine gute Reise!
 c. Gute Fahrt!
 d. Gute Reise!
87. Der Bankangestellte hat bemerkt, Deshalb fragt er ihn nach seiner Staatsangehörigkeit.
 a. daß Rene' Deutsch ist
 b. der ist kein Deutsche
 c. Rene' kein Deutscher ist
 d. daß sie keine Deutsche ist
88. Was ist das? Es schmeckt süß, ist weiß und leider schlecht für Zähne:
 a. das Salz
 b. die Milch
 c. der Zucker
 d. die Cacaoschokolade
89. Er vertraut niemandem. Er ist
 a. mutig
 b. mäßig
 c. missverständlich
 d. misstrauisch
90. Das Sind die Nachbarn, kinder ich manchmal aufpasse.
 a. auf dessen
 b. auf deren
 c. für deren
 d. für dessen
91. Ich, ins Kino zu gehen.
 a. finde
 b. vorschlage
 c. möchte
 d. schlage vor
92. Ein Abfalltechniker plant und organisiert den Transport und die Lagerung vom.....
 a. Obst
 b. Wasser
 c. Erde
 d. Müll

93. Wie sagen Sie es höflich? Ein Satz passt nicht.
 “Sie kommen in eine Gaststätte, die sehr voll ist. Da sehen Sie einen Tisch, an dem eine Person sitzt. Sie möchten sich gern dazu setzen.”
- Verzeihung, ist der Platz hier noch frei?
 - Stört es Sie, wenn ich hier Platz nehme?
 - Können Sie mal Platz machen?
 - Darf ich mich zu Ihnen setzen?
94. Ein Satz hat eine andere Bedeutung, welcher?
- Man sollte darauf achten, daß man früher als verabredet kommt.
 - Es ist üblich ein paar Minuten später als verabredet zu kommen.
 - Normalerweise kommt man einige Stunden später als verabredet.
 - Es ist höflich, einige Minuten spät zu kommen als verabredet.
95. Welcher Satz passt nicht?
- Es war schön, daß Sie uns besucht haben.
 - Vielen Dank für Ihren Besuch.
 - Vielen Dank, daß Sie bei uns waren.
 - Wir haben leider heute Besuch.
96. Welcher Satz passt nicht?
- Der Kühlschrank kostet so um 300 Euro.
 - Der Kühlschrank kostet ungefähr 300 Euro.
 - Der Kühlschrank wird etwa 300 Euro kosten.
 - Der Kühlschrank kostet genau 300 Euro.
97. Die Wohnung ist schmutzig.
- | | |
|--------------------|----------------------------|
| a. Sie putzt man. | b. Sie muß geputzt werden. |
| c. Sie putzt mich. | d. Man hat sie geputzt. |
98. Welche Ordnung stimmt?
- Der Unfall niemand verletzt.
 - Niemand verletzt der Unfall.
 - Bei dem Unfall wurde niemand verletzt.
 - Der Unfall wurde bei niemand verletzt.
99. Die Schuhe gefallen mir, aber soviel Geld möchte ich nicht ausgeben. Haben Sie vielleicht?
- | | |
|---------------------|---------------------|
| a. keine billigeren | b. etwas billige |
| c. nichts billige | d. etwas billigeres |
100. Er über den Krieg.
- | | | | |
|--------|----------|-------------|--------------|
| a. rät | b. sorgt | c. bereitet | d. berichtet |
|--------|----------|-------------|--------------|

Wörterverzeichnis

A

ab / brennen:	
Ich bin abgebrannt! (4A1.)	اصطلاح است به معنای : همه پولهام ته کشیده.
ab/ hängen (von / D) (4Gr.)	بستگی داشتن (به کسی یا چیزی)
Jmdm. seine Idee abkaufen (6B)	باور نکردن عقیده و نظر کسی
das Abschiedsfest, - e (1)	مجلس تودیع
abschleppen (2)	یدک کشیدن – بکسل کردن و بردن
der Abschluss, __ e (8W)	خاتمه – پایان
der Abschnitt, e (6)	بند – قسمت – پاراگراف
der Absender, - (8w)	فرستنده
absolut (7 W)	محض – مطلق
die Abteilung, - en (3)	قسمت – بخش
abwechselungsreich (Adj)	متنوع – پرتنوع
achten (auf jmdn. / etwas) (6Gr.)	توجه کردن (به کسی یا چیزی)
ähnlich (1A)	شبيه
etwas (D) ähnlich sehen (1A)	شبيه به چیزی بودن
was Ähnliches (1A)	چیزی مشابه
alle sein (3B)	اینجا : تمام / خالی شدن – به آخر رسیدن
Die Batterien sind leer. (3B)	باتری ها خالی شده اند.
allerdings (3A1)	البته
allwissend (2C)	عقل کل – همه چیزدان
die Alpen (Pl.) (1)	کوه های آلپ
als (4)	به عنوان
als ob (5B)	انگار که – گویی که (همراه با Konj)
die Altersgruppe, - n (3Üb.)	گروه سنی
an / dauern (4A2)	به درازا کشیدن

	ändern (4A2)	تغییر دادن
	anders (5A1)	طوری دیگر
	an/ fangen+mit (D) (1Gr.)	شروع شدن (با)
die	Angabe - , n (8w)	اظهار - گفته - ذکر
	angeblich (2A1)	اینطور که پیداست، گویا
	angeln (1A)	(با قلاب) ماهی گیری کردن
	angeln gehen (5B)	ماهی گیری رفتن
	Ich war beim Angeln. (1A)	رفته بودم ماهی گیری
	angreifen (4A)	حمله ور شدن - حمله کردن
die	Angst, „ e (1)	وحشت - ترس
	Angst haben (vor+Dat.) (1)	وحشت کردن - ترسیدن (از)
	an/ kommen (4A2)	رسیدن
	an/ kommen + auf (A) (1Gr.)	بستگی داشتن (به)
der	Anlass, „ e	علت - دلیل
	anliefern	تحويل دادن
	an / nehmen:	
	nehmen wir an, ... (3A2)	فرض کنیم که ...
	an/ preisen (4A2)	از چیزی (زیاد) تعریف کردن
	an/ richten (2A2)	(خسارت) وارد آوردن
	sich etwas (Akk.) an / schauen (4A1)	چیزی را نگاه / تماشا کردن
die	Anschlagsäule, -n (6A4)	ستون نصب آگهی و اعلانات
das	Anschreiben, - (8w)	نوشته
	an/ steigen (4A1)	افزایش یافتن
der	Anzug, „ e (1A)	کت و شلوار
die	Apotheke, -n (1Üb).	داروخانه
die	Arbeit, -en (1A)	کار
	zur Arbeit kommen (1A)	سرکار آمدن
	arbeiten + an (D) (3A1)	کار کردن روی ...
	ärgerlich (4IG).	ناراحت کننده
	sich ärgern (über / Akk.) (4A1)	ناراحت / عصبانی شدن (از چیزی)

der	Ärmel, - (3A2)	آستین
die	Art, -en (2A2)	نوع، گونه
	Art und Weise (2A2)	راه و روش، طریقه
	auf rätselhafte Art und Weise (2A2)	به نحو معماآمیز
der	Artikel, -(1Üb).	اینجا: مقاله
der	Aufbau, Aufbauten (1)	تشکیل – ایجاد
	auf/ fordern (6A4)	کسی را به انجام کاری فرا خواندن
	auf/ hören (4A1)	پایان یافتن، در اینجا: بند آمدن
	aufklären (3Ü)	روشن کردن – از ابهام بیرون آوردن
	auf/ leuchten (3A1)	روشن شدن
	jmdn. auf etwas aufmerksam machen (4A2)	کسی را متوجه مسأله‌ای کردن
der	Aufsatz, -e (5A1)	انشاء
	aufschlagen (7A)	باز کردن (کتاب)
	aufstellen (2)	ایستادن – نصب کردن
	auftauchen (6A)	نمایان – پدیدار شدن
	einen Augenblick! (3A2)	یک لحظه (صبر کنید)
	ausdenken (8A2)	چیزی به فکر کسی رسیدن – اختراع کردن
	ausdrücken (4B)	بیان کردن
	jmdn. aus / fragen (1A)	کسی را سؤال پیچ کردن
	ausführen (3A2)	انجام دادن
	ausführlich (Adj) (2)	جامع – کامل
	ausgeben (3Ü)	پول خرج کردن
das	Ausgehen, - (3A)	گردش – بیرون رفتن
die	Ausgrabung, - en (3Üb.)	حقالی، کاوش
	im Ausland (3A2)	در خارج از کشور
	ausmalen (1)	نقاشی کردن – رنگ کردن
	ausnahmsweise (Adj)	استثنائاً
	aus/ sehen (1A)	به نظر آمدن
	außen (4A1)	بیرون
	von außen	از بیرون

aus/ stellen (3Üb.)	به معرض نمایش گذاردن
die Ausstellung, - en (3 Üb.)	نمایشگاه
aussuchen (6A)	انتخاب کردن – دسته بندی کردن
austauschbar (6Gr.)	قابل جایگزینی / تعویض
austragen (3A)	توزیع – پخش کردن
ausverkauft:	
Bald ist er ausverkauft. (4A2).	خیلی زود همه جنس هایش به فروش رفت.
der Ausweis, -e (2Üb.)	کارت شناسایی
die Ausweispapiere (Pl.) (4A1)	اوراق شناسایی / هویت
das Autobehörteil, -e (2C)	قطعات یدکی (اتومبیل)
der Autobesitzer, - (2A2)	صاحب اتومبیل
die Autofabrik, - en (2)	کارخانه خودروسازی
das Autofahren (1B)	رانندگی
beim Autofahren (1B)	به هنگام رانندگی
automatisch (Adj) (2)	اتوماتیک – به طور خودکار

B

babysitten (4)	پرستاری کردن از بچه
baden (1Gr.)	اینجا : شنا کردن
Er was baden. (1Gr.)	او رفته بود شنا
Er geht baden. (1Gr.)	او می رود شنا
Er geht zum Baden. (1Gr.)	او می رود شنا کند
beim Baden (1Gr.)	به هنگام شنا
die Batterie, -n (3B)	باتری
das Bauwerk, - e (3 Ü)	ساختمان – بنا
beantragen (5Üb.)	در خواست کردن / دادن
bedanken (sich - bei / für) (2)	تشکر کردن (از کسی برای ...)
die Bedingung, - en (5B)	شرط
der Bedingungssatz, „ e (5B)	جمله شرطی

	begeistern (3A2)	به شور و هیجان آمدن
die	Bedinnungsanteilung, - en (8A)	راهنمای استفاده از (دستگاه)
	befinden (scih) (4A)	بودن – به سر بردن
	behaupten (2A1)	اینجا: اظهار داشتن
die	Behauptung, - en (4A)	ادعا
	beherrschen (7)	مهارت، کنترل کردن
	beliebt (Adj) (2)	محبوب
	bemerken (2A2)	متوجه شدن
	benötigen (3A1)	احتیاج / لازم داشتن
	beobachten (2A1)	مشاهده کردن
	Wie <u>bereits</u> berichtet, ... (2A2)	همانطور که قبلاً گزارش شد، ...
das	Bergsteigen (1B)	کوه پیمایی
	beschädigen, (2A2)	صدمه زدن
die	Beschäftigung, - en (2A2)	سرگرمی، مشغولیت
die	Bescheinigung, - en (8w)	گواهی – گواهینامه
	beschweren (sich - bei/über) (6A)	شکوه / شکایت کردن (نزد کسی / در مورد)
der	Bestimmungsort, - (6A)	مقصد
der	Besitz (2A1)	دارایی، مال
	bestellen (5Üb.)	سفارش دادن
der	Bestohlenen, -n (1A)	صاحب جنس مسروقه
der	Bestseller, - (3A1)	پرفروش ترین (کالا)
der	Besuch, -e (5Üb.)	دیدار، ملاقات
der	Betrieb, -e	مؤسسه – شرکت – کارخانه
der	Betrüger, - (2A1)	حقّه باز، کلاهبردار
	beweisen (4Üb)	اثبات کردن – معلوم شدن
die	Bewerbungsmappe, -n (8w)	پوشه – زونکن
	etwas bewundern (4A1)	تماشا و تحسین کردن
der	Bezug, „_e (auf+Akk.)	درباره – در خصوص
	bisherig (6 A1)	قبلی (در بعضی موارد: کنونی)
	bitten (um / Akk.) (6 Gr.)	خواهش کردن (در مورد چیزی)

das Blech, - e (2A2)	ورقه فلزی
blöd (7w)	احمق – ابله
die Blumen:	گل ها
Laßt Blumen sprechen! (4A2)	با زبان گل ها بگوئید
der Blumenstrauß, -e (4A2)	دسته گل
Brasilien (5Üb.)	برزیل
die Bremse, - n (2A2)	ترمز
das Brett, - er (1)	تابلو اعلانات – صفحه
der Briefmarkensammler, - (3Üb.)	کلکسیونر تمبر
der Brückenbauer, - (4A)	کارگران شاغل در ساختن پل
der Buchdrucker, - (6A4)	چاپچی
der Buchdruckerlehrling, -e (6A4)	کارآموز چاپخانه
die Buchhandlung, -en(8W)	کتاب فروشی
bügeln (3A1)	اطو کشیدن
der Bügler, - (3)	اطو کش (مذکر)
der Bürger, - (5A1)	شهروند
der Bürgermeister, - (5A1)	شهردار
der Büroangestellte (4A2)	کارمند دفتری

C

die Chance, - n (3A)	فرصت – شانس
chaotisch (Adj) (6A)	آشفته – در هم ریخته
China (5Te.)	چین
das Chinesische (5Te.)	زبان چینی
die Computerfirma, firmen (3Te.)	شرکت خدمات کامپیوتری

D

da (Adv) (1)	این جا
--------------	--------

	da drin (Umg.)(3B)(6A)	این تو
	dadurch (6A1)	از میان
das	Dach, „_ er	سقف
	dadurch (6A1)	از این رو
	darstellen (8w)	نشان دادن – مجسم کردن
	da/ sein (6A1)	وجود داشتن
	Alles schon mal dagewesen! (6A)	همه چیز پیش از این وجود داشته است.
	davon / schieben (4A2)	چیزی را هل دادن و به جلو راندن
	dauernd (4A1)	پیوسته
	defekt (2A2)	معیوب، خراب
	deklinieren (2Gr.)	صرف کردن اسم و توابعش
der	Designer, - (3)	طراح
	deshalb (3A1)	به همین دلیل
der	Dichter, - (2Üb.)	شاعر
der	Dieb, - e (1A)	دزد، سارق
	Dieb gefunden! (2A1)	دزد پیدا شد!
	diskutieren (2A)	بحث کردن – به بحث پرداختن
der	Diebstahl, „_ e (1A)	سرقت، دزدی
das	Dokument, - e (8W)	مدرک – سند
	drucken (3Ü)	چاپ کردن – منتشر کردن
der	Dolmetscher, - (3A1)	مترجم حضوری، دیپلماس
die	Druckerei, - en (2)	چاپخانه
	drücken (3A2)	فشار دادن
	durch / kommen:	
	Die sonne kommt durch. (4A1)	خورشید پدیدار / نمایان می‌شود.
	durchschnittlich (Adj) (8W)	به طور متوسط – میانگین

E

	echt (1A)	اصل
	egal:	
	Es ist mir egal. (1Gr.)	برای من فرقی نمی‌کند.
das	Ehepaar, e (2C)	زن و شوهر
	ehrllich (Adj) (2)	روراست – صادقانه
	eigen (Adj)	شخصی – از آن خود
	es eilig haben (5B)	عجله داشتن
	ein/ brechen (1A)	برای سرقت با زور به مکانی وارد شدن
der	Einbruch, „_ e	سرقت (از) – دستبرد (به)
der	Einbruchdiebstahl, „_ e (1A)	سرقت (از محل)
der	Eindruck, „_ e (6W)	اثر – تأثیر
einen	Eindruck machen (auf Akk.) (5Ü)	به نظر آمدن / رسیدن
	ein / kaufen (2Üb.)	خرید کردن
	einpacken (3A2)	بسته‌بندی کردن – در جعبه / بسته گذاشتن
	ein / richten:	
	Sein Haus ist gut eingerichtet. (1A)	خانه‌اش خوب تزئین شده است.
die	Einschienenbahn, - en (6A1)	راه آهن تک ریلی، مونوریل
	ein / tasten:	
	Das gesuchte Wort wird eingetastet. (3A1)	لغت موردنظر به دستگاه داده می‌شود.
	eintreten (2)	واردشدن
beim	Eintreten (2)	هنگام ورود
der	Eintritt (2)	ورود
	einzig:	
	Er hat keinen einzigen Strauß verkauft. (4A2)	او حتی یک دسته گل هم نفروخت.
das	Eis, - (4A1)	بستنی
der	Eisstand, „_ e (4A2)	دکه‌ی بستنی فروشی
	elektrisch (6A3)	برقی، الکتریکی
	elektronisch (Adj) (1)	الکترونیکی
die	Elster, - n (2A1)	زاغچه
	empfehlen (3Ü)	توصیه کردن

endlich:		
Na, endlich! (4A1)		بعد از آن همه انتظار) چه عجب!
die Energie, -n(7W)		انرژی – نیرو
der Enkel, - (1)		نوه (مذکر)
die Enklin, - en(1)		نوه (مونث)
entfernt von (4A2)		دور (تر) از ...
entgleisen (6A1)		از ریل خارج شدن قطار
sich entscheiden (für / Akk.) (6Gr.)		تصمیم گرفتن، اینجا: انتخاب کردن
die Entscheidung, - en (6W)		تصمیم – تصمیم گیری
sich entschuldigen (5Üb.)		پوزش / معذرت خواستن، عذرخواهی کردن
entstehen (3)		به وجود آمدن
entwenden (4A)		دزدیدن – سرقت کردن
entwerfen (3)		طراحی کردن
entwickeln (3A2)		اختراع و تکمیل کردن
ein Bild entwickeln (5Üb.)		ظاهر کردن (عکس)
die Entwicklung, - en (6A)		اینجا: اختراع
erben + von (1A)		به ارث بردن (از کسی)
die Erbschaft, - en (1Gr.)		ارثیه، ماترک
erfinden (7W)		اختراع کردن
der Erfinder, - (7W)		مخترع – مبتکر (مذکر)
erfolgreich (Adj)		موفقیت آمیز – موفق
die Ergänzung, - en (4Gr.)		مکمل
erholen (sich)		بهبود یافتن (اینجا)
die Erlaubnis, - se (6A4)		اجازه
ergreifen (2C)		در اینجا: انتخاب کردن
etwas erleben (2A1)		چیزی را تجربه کردن، در اینجا: دیدن
erledigen (6A2)		انجام دادن
erscheinen (3A1)		ظاهر شدن
erschlagen (8A)		کشتن با ضربه (در اینجا)
ersetzen (3A1)		جایگزین کردن

ersetzt (3Gr.)	جایگزین شده
erst (4A1)	تازه
erstellen (8W)	ساختن – تهیه کردن – تنظیم کردن
der Erwachsene, - n (3üb.)	بزرگسال – بزرگتر
sich erweisen + als (2A1)	معلوم شدن به عنوان
Er war essen. (1Gr.)	او سر غذا بود.
beim Essen (1Gr.)	سر غذا
Er geht zum Essen. (1Gr.)	او می‌رود غذا بخورد.
Er geht essen. (1Gr.)	او می‌رود غذا بخورد.
das Etikett, - en (3A2)	اتیکت – برچسب
die Experte (8W)	متخصص – کارشناس
exportieren (2)	صادر کردن
experimentieren (7W)	آزمایش / امتحان کردن

F

die Fabrik, - en (2A2)	کارخانه
das Fach, Fächer	رشته – درس – حرفه
der Facharbeiter (2A2)	کارگر ماهر
der Fachmann, Fachleute (1Üb.)	اهل فن
die Fahrradindustrie, - n (2A1)	صنعت (کارخانه) تولید دوچرخه
der Fall, „_ e (1A)	مورد، پرونده، قضیه
den Fall bearbeiten (1A)	مورد / موضوع را رسیدگی کردن
in einigen Fällen (2A2)	در بعضی موارد
fälschen (3B)	جعل کردن
die Fälschung, - en (2A1)	جعلی، جعل (پول، سند و ...)
der Farbfernseher, - (5Üb.)	تلویزیون رنگی
die Fantasie (8 2A)	تخیل – خیال
die Fensterscheibe, - n (5B)	شیشه – پنجره
die Ferrari (6)	فراری (اتومبیل کورسی)

die	Feuerwache, - n (4A1)	ایستگاه آتش نشانی
die	Feuerwehr (2A1)	آتش نشانی
die	Feuerwehrleute (Plu.)	مأموران آتش نشانی
die	Filiale, _ n (1A2)	شعبه
	Finanziell (Adj)	مالی – پولی
	folgen + Dat.	کسی را دنبال کردن
	folgend - (4A1)	زیر، ذیل
die	Form, - en:	
	Du warst auch gut in Form. (4A2)	تو هم خوب رو فرم بودی.
	formal (1Gr.)	ظاهری
	formulieren (8W)	بیان کردن – فرموله کردن
	der Fortschritt, - e (6A1)	پیشرفت، ترقی، بهبود
der	Fotoapparat, - e (4B)	دوربین عکاسی
der	Fotograf (1A)	عکاس (مذکر)
	Fotografieren (1A1)	عکس گرفتن – عکاسی کردن
das	Fragezeichen, - (3A1)	علامت سؤال
das	Französisch (2Üb.)	زبان فرانسه
	die Freiheit, - (4IG.)	آزادی
	sich freuen + über / Akk. (1Üb)	خوشحال شدن از ...
	freundlich (1B)	خوش اخلاق
	fröhlich (6)	سرحال – شاد
	früher (2Üb.)	قبلاً، پیش از این، سابقاً
	beim Frühstück, -e (2 Gr.)	سر صبحانه
der	Führerschein, - (2Gr.)	گواهینامه ی رانندگی
	fühlen (sich)	احساس کردن
	Ich fühle mich wohl.	احساس خوبی دارم – حالم خوب است
	führen (sich / bei/mit)	به همراه داشتن – با خود بردن
	funktionieren (3A1)	کار / عمل کردن (دستگاه و نظایر آن)
der	Fußballclub, -s (4A1)	باشگاه فوتبال
der	Fußballspieler, - (4A1)	فوتبالیست

G

der Gärtner, - 4(Üb.)	باغبان
die Gasse, - n (4A1)	کوچه
die Gaststätte, - n (4A1)	مهمانخانه – رستوران
der Gauner, - (4A2)	حقه باز، کلاهبردار
das Gebäude (2A2)	ساختمان
die Geduld (2C)	حوصله – صبر – تحمل
geeignet (Adj)	مناسب – مقتضی
gefährlich (2A2)	خطرناک
jmdm. einen Gefallen tun (5B)	به کسی لطف کردن
gefälligst:	به نشانه ناراحتی و تقویت یک اعتراض
Kümmere dich <u>gefälligst</u> um deine Ware!(4A2)	اینجا: بی زحمت مواظب اجناس خودت باش!
gefälscht (3B)	جعلی
die Gegenwartsform (4B)	صورت / فرم زمان حال
gehen:	
Der Bus geht nicht. (3Üb.) = Der Bus fährt nicht.	اتوبوس حرکت نمی کند.
gehören (zu / Dat.) (4Gr.)	محسوب شدن (جزء)
der Geldbetrag, - Geldbeträge (4A1)	مبلغ
der Geldschrank, „_ e (5Üb.)	گاو صندوق، صندوق پول
die Geldstrafe, -n (5A1)	جریمه ی نقدی
das Gerät, -e (2A2)	دستگاه، اسباب
der Geschäftsmann, - leute (6A4)	تاجر، بازرگان
die Geschichte, -n (4A1)	داستان
die Geschirrspülmaschine, -n (6A3)	ماشین ظرفشویی
gespannt (Adj)	کنجکاو – مشتاق – بی تاب
gesucht (3A1)	اینجا: مورد نظر، مطلوب
das gesuchte Wort (3A1)	واژه ی مورد نظر
die Gesundheit (6W)	سلامتی – تندرستی
gewöhnen (sich / an Akk.)	عادت کردن به (کسی – چیزی)

die	Gießkanne, - n (4Üb.)	آب پاش
die	Gitarre, n (4Üb.)	گیتار
	gleichgültig (Adj)	بی تفاوت – یکسان
das	Glück (1A)	شانس
	glücklich (2A1)	خوش شانس، خوشبخت
die	Golduhr, - en (1A)	ساعت طلا
	greifen (4A)	گرفتن – دست بردن
	in die Tasche greifen	دست در جیب کردن
	großartig:	
	Das hast du großartig gemacht! (4A2)	کارت فوق العاده بود
die	Großstadt, „_ e (4A1)	شهر بزرگ
der	Gummi, - s (auch: das Gummi) (1A2)	لاستیک، قطعات لاستیکی
	Du meine Güte! (1A)	عجب! ای وای!
	gutgelaunt (1A)	سرحال، بشاش

H

der	Haber (Hafer) (5.Spr.)	جو صحرایی، علوفه
	halb - schlafend	خواب آلود
die	Hälfte, - n (4A2)	نصف، نیم
der	Hammer, „_ (7W)	چکش
	handeln (sich/ um etwas)	موضوع بر سر چیزی بودن – مسئله کسی / چیزی در میان
das	Handtuch (3 Üb.)	حوله
das	Handwerk, e (3A2)	کلاس هنر (اینجا)
das	Handy (Mobiltelefon) - (3A1)	تلفن همراه – موبایل
	häufig (3A1)	اغلب
	ein Haufen Geld (1A)	یک پول کلان
die/	der Hausangestellte, - n (1A)	مستخدم خانه، خدمتکار
	heftig (4A2)	شدید
	heil (Adj)	سالم

die Heimatstadt, _ (6C)	زادگاه (شهر)
hektisch (6C)	شتابزده – عصبی – هیجان زده
sich heraus / stellen (2A1)	معلوم شدن
die Herbstferien, - (4A1)	تعطیلات پاییزی
die Herrschaften (Pl.) (4A2)	سروران (لفظ محترمانه)، خانم‌ها و آقایان
Alle mal herschauen! (4A2)	همه نگاه کنید!
der Hersteller, - (3A1)	تولید کننده، سازنده
heulen (4A2)	به صدا درآمدن، زوزه کشیدن
heutzutage (6W)	این روزها – در این دوره و زمانه
hilfsbereit (Adj) (8W)	آماده کمک – خیرخواه
die Hitze (4A1)	گرمای شدید
die Hochbahn, - en(6A1)	نوعی راه آهن که ریل آن در ارتفاع قرار دارد.
die Hochzeit	جشن عروسی – ازدواج
hoffen (1A)	امید داشتن، امیدوار بودن
die Polizei holen (1B)	پلیس آوردن
das Holz, _ er (6A2)	چوب
hüpfen (7W)	جست‌و‌خیزکنان جایی رفتن

I

Immer langsam, Kleiner! (4A1)	تند نو بچه!
der Indikativ	اخباری – خبری
individuell (8W)	شخصی – فردی
die Industrie, -n (3A1)	صنعت، پدیده‌ی صنعت
Innsbruck	شهری در اتریش
intelligent (Adj)	باهوش – زیرک
der Intensivkurs (2Üb.)	کلاس / دوره فشرده
interessiert sein (an / Dat.) (5B)	علاقتمند بودن (به چیزی)
international (6A1)	بین‌المللی
inzwischen (4A1)	در این بین

irreal (Adj) (5B)

Italienisch (3A1)

غیرواقعی – دور از واقعیت – تخیلی

زبان ایتالیایی

J

die Jackentasche,-n (3A1)

Japanisch (3A1)

Jugendlich (2A2)

Jugendliche Täter (4A2)

der / Jugendliche (4A2)

جیب کت

زبان ژاپنی

جوان

مجرمین تازه کار و جوان

جوان – نوجوان

K

die Kapazität, - en (3A1)

das Kapital, - e (auch: - ien) (6A2)

die Karosserie, -n (2A2)

kassieren (2A1)

das Kästchen

kaum (Adj)

keineswegs (6A1)

der Kerl (4A)

der Kitsch (4üb.)

die Klassenfahrt (3A1)

die Kleidung (3A2)

das Klima

die Kleinstadt, - e (4A1)

der Knopf, Knöpfe (3A1)

die elektrische Kochplatte, - n (6A3)

der elektrische Kochtopf, -e (6A3)

kommen + zu (2A2)

ظرفیت

سرمایه، دارایی

اتاق (خودرو)

اینجا: به جیب زدن

مربع کوچک

به سختی – به ندرت

به هیچ وجه

آدم – پسرک – یارو – مردکه (تحقیرآمیز)

چیز کم ارزش و مبتذل

گردش علمی

پوشاک

آب و هوا – اقلیم

شهر کوچک

دکمه

اجاق برقی

کتری برقی

اینجا: منجر شدن به

der	Kommissar, -e (1A)	بازپرس
die	Komödie, -n (6A4)	کمدی
der	Komparationsatz (5B)	جملات مقایسه‌ای
	komplett (8W)	کامل – بی نقص
der	Komputerbildschirm(3A2)	مانیتور کامپیوتر
der	Konflikt, e (6C)	درگیری – کشمکش
der	Konjunktiv, -e (5B)	وجه التزامی (شرطی)
	konkret (8W)	دقیق – قابل لمس – عینی
der	Konkurrent, - en (4A2)	رقیب (در تجارت یا ورزش)
	konszentrieren (3)	تمرکز کردن روی ...
	konstruieren (3A2)	ساختن
der	Konstruktion, e (6Üb)	سازنده – طرح
die	Kopie, - n (1A)	فتوکپی، کپی
der	Korb, Körbe	سبد – زنبیل
	korrekt (Adj) (6C)	درست – صحیح – پسندیده
die	Korrespondenz, - en (6A2)	مکاتبات، نامه‌نگاری
das	Kraftfahrzeug, -e (KFZ) (2Üb.)	خودرو، اتومبیل
der	Kragen (3A2)	یقه
die	Krankheit, en	بیماری
der	Kriminalfilm, -e (1A)	فیلم پلیسی – جنایی
der	Kühlschrank, „_“, (2C)	یخچال برقی
der	Kunde, -e (3A2)	مشتری

L

	lachend (4A2)	خندان، خنده‌کنان
	lackieren (2A2)	ضد زنگ‌زدن (برای فلزات)
der	Laden (3A1)	مغازه – دکان
der	Lärm	سروصدا – شلوغی
	laufen (3A1)	جریان داشتن (در اینجا)

laufend (Adj) (3A1)	بی در پی – متوالی
die Lebensmittelindustrie, n (2A1)	صنعت (کارخانه) تولید مواد غذایی
die Lebensqualität, - (6Üb.)	کیفیت / سطح زندگی
lecker	لذیذ و خوشمزه
leicht (1Gr.)	آسان، سهل
leichtsinnig (5B)	سهل انگار، بی توجه
leihen (5Üb.)	قرض دادن
leisten	انجام دادن
die Lenkung (2A2)	سیستم فرمان
zum letztenmal (4A1)	(برای) آخرین بار
die Leuchtschrift, - en (3A1)	خط (با حروف) نورانی
liefern (2W)	تحویل دادن
die Lieferung, en (3)	تحویل
loben (6A4)	تحسین و تمجید کردن، ستودن
locker	راحت و بی تکلف
logisch (Adj)	منطقی
lohnen (sich)	به صرفه بودن – (به زحمتش) ارزیدن
los/ fahren (2A2)	راه افتادن (سواره به حرکت درآمدن)
loslassen	رها کردن – ول کردن
die Luft	هوا
die Luftverschmutzung (5A1)	آلودگی هوا
lustig (Adj)	شوخ – بامزه

M

der Makler (4)	واسطه – دلال
der Managementdienst	پست مدیریتی
die Mappe, -n (8W)	پوشه – کیف دستی
die Markenkleidung (3A1)	لباس مارک دار
der Marder, - (2A2)	سَمور

der	Mechaniker, - (5Üb.)	تعمیر کار و مکانیسین (اتومبیل و ...)
	meist (4A1)	اغلب، بیشتر
	melden	اطلاع / خبر دادن (به)
	Wie schon gemeldet, - (2B)	همان طوری که قبلاً در خبر آمد / گزارش داده شد
die	Mensa, - Mensen	سلف سرویس دانشگاه – غذاخوری مخصوص دانشجویان
der	Mercedes (5A2)	اتومبیل مرسدس بنز
	merkwürdig (1A)	عجیب و غریب، شک برانگیز
der / das	Meter, - (4A1)	متر (مقیاس طول، عرض یا ارتفاع)
	mieten (5Üb.)	اینجا: کرایه کردن
der	Mississippi (6A1)	رودخانه‌ی می‌سی‌سی‌پی
	mit/bringen (4A2)	به همراه آوردن
der	Mitarbeiter	همکار
	miteinander	با یکدیگر
das	Mitglied, - er (3Üb.)	عضو
	mit / laufen (4A1)	به همراه (کسی) رفتن
	mit / teilen (6Üb.)	خبر / اطلاع دادن
	mitten (in) (6A4)	وسط ...
das	Modell, - e (8A2)	ماکت – طرح
der	Mond, - (6Üb.)	ماه، قمر
das	Monopol, -e (6A4)	حق انحصار
das	Monorail, -s (6A1)	راه آهن تک ریلی – مونوریل
das	Montageteil, -e (2A2)	قطعات مونتاژ
	montieren (2A2)	مونتاژ – نصب کردن
die	Motivation, -en (8W)	انگیزه
die	Muskelkraft, -Muskelkräfte	قدرت ماهیچه‌ها و عضلات – زور

N

nachdem (2Gr.)	پس از اینکه
nach / denken (über / Akk.) (4B)	فکر کردن (درباره‌ی) به فکر فرو رفتن

die	Nachricht	خبر
die	Nachtarbeit	شیفت شب
	nachteilig (Adj) (2)	جنبی
	nähen (3A2)	دوختن – خیاطی کردن
der	Näher (3A2)	خیاط
die	Näherei, -en (3A2)	کارگاه خیاطی – خیاطخانه
die	Nationalmannschaft, -en (4A1)	تیم ملی
	nebenbei (Adj)	کار جنبی
das	Nebenjob (2A2)	کار فرعی
das	Nerv, -en (2C)	عصب – بی
	starke Nerven haben	اعصاب قوی داشتن
das	Nest, -er (2A1)	لانه
	neugierig	کنجکاو
	niederschlagen (4A)	زمین زدن – از پا درآوردن (با ضربه)
	niedrig (4A2)	اینجا: کم، پایین
	Niemand weiß, ... (1Üb.)	کسی نمی‌داند ...
die	Nudel, -n	
	nützlich (3A1)	مفید، سودمند

O

die	Oberstufe (3A1)	کلاس آخر / بالا (در اینجا)
	obligatorisch (2W)	اجباری
das	Öl, -e (1Üb.)	روغن
	organisiert (6C)	سازمان یافته – متشکل

P

die	Panne, -n	خرابی – پنچری ماشین
	an parkenden Wagen (2A2)	در اتومبیل‌های پارک شده

der Passant, - en (2A1)	رهگذر
der Patient, - en	شخص، بیمار
die Pension, - en	بازنشستگی
in die Pension gehen	بازنشسته شدن
die Pensionierung	دوران بازنشستگی
der Personalchef (8W)	رئیس کارگزینی
die Pfeife (4Üb).	پیپ، چیق
das Plakat, -e (6A4)	پوستر
die Phantasie (8A2)	قدرت تخیل
das Plakat, e	پلاکارد – پوستر – اعلان
das Plusquamperfekt (2Gr.)	زمان ماضی بعید
der Polizeibericht, -e (2A1)	گزارش پلیس
die Polizeiwache, -n (4A1)	کالتتری
populär (6A4)	مردم پسند، اینجا: مورد علاقه‌ی همگان، مشهور
das Postamt, __er (4A1)	اداره‌ی پست
die Präsentation (8W)	عرضه – ارائه
das Präteritum (2Gr.)	زمان ماضی ساده
preiswert (4A1)	با قیمت مناسب
prima	عالی – بی نظیر
pressen	پرس کردن (با ماشین پرس) – درست کردن
die Privatperson, - en (6A2)	شخص عادی
die Probe, -n	آزمایش – تمرین
produzieren (6A2)	تولید کردن
das Profil (8W)	هویت – شخصیت
das Programm, -e (3A1)	برنامه
programmieren (3A1)	برنامه‌ریزی کردن
promovieren (2 Üb.)	به اخذ درجه دکتری نائل شدن
das Prospekt, -e (4Üb.)	دفترچه‌ی راهنما
prüfen (1B)	آزمایش / بررسی و کنترل کردن
Punkt vier Uhr (4A2)	سر ساعت چهار

pünktlich (5B)

اینجا : وقت شناس

putzen

تمیز کردن

R

das Rad	چرخ
die Rakete, -n	موشک
sich rasieren (3A2)	ریش خود را تراشیدن / اصلاح کردن
der Ratschlag, - Rat - Schläge	توصیه - راهنمایی - نصیحت
das Rätsel, - (2A1)	معما, مسأله
vor einem Rätsel stehen (2A1)	با معمایی مواجه بودن
rätselhaft (2A2)	معماآمیز
der Raubüberfall, - Raubüber - fälle (4A1)	حمله (به منظور سرقت)
das Rauchen (1Gr.)	استعمال دخانیات
Raus hier! (3A2).	برو بیرون!
real (Adj)	واقعی
die Rechnung, -en (7Üb.)	صورت حساب
das Recht, -e (4A2)	حق
der Rechtschreibfehler (8W)	غلط املائی
rechtzeitig (Adj)	سر وقت - به موقع
die Rede, -n (4)	صحبت - گفت و گو
reden (über / akk.) (4A1)	حرف زدن (در مورد)
reden (von/Dat.) (6Gr.)	حرف زدن (از)
die Redewendung, - en (3A1)	اصطلاح یا عبارت متداول
das Referat, -e (3A2)	گزارش - سخنرانی - کنفرانس درسی
reichen:	
Jetzt reicht's aber für heute! (4A1)	برای امروز دیگه کافیه!
der Reifen	تایر - لاستیک
die Reihenfolge, - n (3A2)	ترتیب و توالی
eine Reise machen (5Üb.)	مسافرت کردن

der	Reiseführer (6)	کتاب راهنما – راهنمای سفر
	aus der Hand reißen (4A2)	از ... قاپیدن
die	Reklame, - n (6A4)	تبلیغ، آگهی
	renovieren (5A1)	بازسازی و تعمیر کردن، نوسازی
die	Rente, - n (5)	حقوق بازنشستگی
	in die Rente gehen	حقوق بازنشستگی گرفتن
der	Rentner (5) _____	بازنشسته (مذکر)
	reparieren:	
	Der Wagen ist repariert worden. (1B)	اتومبیل تعمیر شده است
die	Reporterin, -nen (1Üb.)	خبرنگار (مؤنث)
der	Ring, -e (4A2)	حلقه
das	Resultat - e (3A2)	نتیجه – اثر
der	Roboter (2A2)	رابط – آدم آهنی
der	Rost, -e (2A2)	زنگ – زنگار

S

die	Sachbeschädigung, -en (2A2)	خسارت مالی
	sammeln (2Üb.)	جمع آوری کردن
	sauber	تمیز
	sauer	عصبانی – اوقات عصبانی
der	Schaden, „ (2A2)	خسارت، ضرر
die	Scheibe	شیشه (اتومبیل)
die	Schiene, -n (6A1)	ریل (راه آهن و نظایر آن)
der	Schichtarbeiter	کارگر شیفتی – کارگر نوبتی
	schlagen (7W)	ضربه زدن
der	Schlager, - (6A4)	تصنیف
	schlendern (4A1)	پرسه زدن
der	Schluß	پایان – خاتمه
	Schluß machen	تمام کردن

der Schmutz (3A2)	کثیفی – گرد و خاک
schneiden (2A2)	خیاطی کردن
die Schneiderei (3A2)	خیاط خانه
die Schranke, -n (6A1)	راه بند، مانع
der Schreibtisch, -e (1A)	میز تحریر
die Schrift, -en (5te.)	خط (نوشتاری)، نوشته، دستخط
der Schritt, -e (4A2)	گام، قدم
die Schublade, -n (1A)	کشو
der Schuft, -e (4A2)	آدم بست – رذل
die Schulbildung (8W)	تحصیلات مدرسه‌ای
der Schulbus, -se (5A1)	اتوبوس (سرویس) مدرسه
die Schuld, -en	بدهی – قرض
den Kopf schütteln (4A2)	سر را تکان دادن
schützen (2A2)	محافظت کردن
die Schutzhülle, -en (3A2)	پوشش محافظ (کاور لباس)
das Schulzeugnis (8W)	کارنامه تحصیلی
die Schwäche (1A)	نقطه ضعف
schweißen (2A2)	جوش کاری کردن
die Schweizer - Uhr, -en (1A)	ساعت ساخت سوئیس
der Schwerpunkt, -e (6A1)	نقطه ثقل
das Schwyzerdütsch (Schweizerdeutsch) (1A1)	آلمانی با لهجه سوئیسی
die See, - (5B)	دریا
seit kurzem (3A2)	از چندی پیش
die Sekunde, -n (4A2)	ثانیه
selten (1A)	اینجا: کمیاب، نادر
das Seminar	سمینار – همایش
die Serie, -n:	
die Maschinen in Serie produzieren (6A)	دستگاه‌ها را به طور سری تولید کردن
sicher:	
sicher sein (sich) (3A2)	مطمئن بودن – به خود شک نداشتن

Er ist sicher. (2B)	او اطمینان دارد. (مطمئن است)
die Siedlung, -en (3Üb).	شهرک
die Sirene, -n (4A2)	آژیر
die Situation, -en (2A2)	موقعیت، وضعیت
der Sitz, -en (2A2)	صندلی
die Skizze, -n (3A2)	طرح
sogenannt (2A1)	اینجا: باصطلاح
solch (2A2)	چنین
das Sonderangebot, -e (4A2)	فروش فوق العاده
sooft (2Te.)	هر وقت که
die Sorge, -n	نگرانی
sorgen (für / Akk.) (5A1)	در اینجا: تدارک و ترتیب کاری را دادن
Sorgen machen (sich)	نگران بودن (در مورد کسی یا چیزی)
die Sozialkundestunde, -n (2A1)	کلاس درس علوم اجتماعی
die Spalte, -n (3)	ستون – ردیف
Spanien (4A1)	اسپانیا
sparsam	صرفه جو
sparen	صرفه جویی کردن
spazieren gehen (6)	راه رفتن – قدم زدن
die Speise, n (6)	غذا – خوراک
der Spezialist - en (1A)	متخصص، اهل فن
spielend (2Gr).	بازی کنان، در حال بازی
die Sportkleidungsfabrik, en (2A1)	کارخانه تولید پوشاک ورزشی
der Sprachcomputer, - (3A2)	کامپیوتر مخصوص فراگیری زبان های خارجی
das Sprachinstitut	مؤسسه / آموزشگاه زبان
die Sprachschule, - n (3Te.)	مؤسسه ی زبان
spritzen (2A2)	رنگ زدن (اتومبیل)
das Stadtzentrum (4)	مرکز شهر
die Stadtmitte, -n (5Üb.)	مرکز شهر
stammen + aus (2A1)	اینجا: جزو میراث و دارایی بودن

	stammen + (von/Dat.) (6Gr.)	اینجا: از ... رسیدن
	ständig (2C)	دائماً – پیوسته
	statt/finden (4A1)	برگزار شدن
der	Stau (2C), -e (S)	راه بندان
	im Stau stecken (2C)	در راه گیر کردن – ماندن
der	Staub, -Stäube (3A2)	گردو خاک
der	Staubsauger, - (6A3)	جارو برقی
	stehlen (1A)	دزدیدن
	Sie stehlen mir die Zeit. (3A2)	شما وقت مرا می‌گیرید.
	steigen:	
	Die Preise sind gestiegen. (4A2)	قیمت‌ها افزایش یافته‌اند.
die	Stelle,-n	جا – محل – شغل
	an dieser Stelle (5Üb.)	در این موقعیت
	an seiner Stelle (5Üb.)	به جای او
	sterben (2A1)	مردن
	still (3B)	ساکت، آرام
das	Stipendium, - dien (5Üb.)	بورس تحصیلی
der	Stoff, -e (3A2)	پارچه
der	Straßenhändler, - (4A2)	دستفروش، کاسب دوره گرد
der	Straßenverkehr, - (6A1)	ترافیک خیابانی
der	Strauß, „_ e (4A2)	دسته گل
	streng	سخت‌گیر – جدی
der	Strom (8A2)	برق – جریان برق

T

	tadellos (3A2)	عالی – بی‌عیب – بی‌نقص
der	Tankwart, -s (2C)	متصدی جایگاه بنزین (مذکر)
die	Tankwartin -nen (2C)	متصدی جایگاه بنزین (مؤنث)
das	Talent, -e (1A)	استعداد
der	Taschenrechner, - (3A1)	ماشین حساب جیبی

die Taste, - n (3A2)	دگمه یا شستی (فشاری) یک دستگاه
der Täter, - (4A2)	مجرم، بزهکار، خلاف کار
tatsächlich (1Te.)	واقعاً، واقعی
die Tätigkeit, - en (3)	فعالیت
tatsächlich (Adj)	واقعاً
taub (Adj)	کر – ناشنوا
die Technik, - en (6A1)	تکنیک
die Teilnahme	شرکت در ...
teilnehmen	شرکت کردن
der Telefonist, - en (4Gr.)	تلفنچی (مرد)
der Teppich, -e (2W)	قالی – فرش
das Testament, -e (1A)	وصیتنامه
das Thermometer, - (4A1)	دما / حرارت سنج
das Ticket, -s (1Üb.)	بلیط
tierisch (Adj)	حیوانی
der Tierpark, - s (2A2)	پارک وحش، پارک حیوانات
tippen (5Üb.)	تایپ کردن
der Tippfehler (8W)	اشتباه / غلط تایپی
total (2C)	کامل – همه جانبه
der Titel, - (4IG.)	تیترا، عنوان، سرنویس
Tour, - en	مسافرت – گردش – تور
eine Tour machen	گشتی زدن – گردش کردن – سری زدن
der Trainer (6W)	مری
der Traum, - Träume	آرزو – رؤیا
tun (6)	انجام دادن – عمل کردن

U

überall (6C)	همه جا
der Überfall, - Überfälle (4A1)	شخص مورد سرقت / حمله قرار گرفته

überfallen (4A1)	دستبرد زدن – حمله‌ی مسلحانه کردن
überflüssig (4A1)	اضافی، زائد
überlegen	فکر کردن درباره ...
übernehmen	عهده‌دار شدن – پذیرفتن
die Überraschung, - en (6C)	غیر منتظره
der Übersetzungscomputer, - (3A1)	کامپیوتر مترجم، کامپیوتر مخصوصی که ترجمه و معنای واژه‌ای را به زبان‌های دیگر میسازد.
die Überstunde, - n (2C)	اضافه کاری
überzeugend (Adj)	قانع کننده – گویا
die Uhrenfabrik, - en (2A1)	کارخانه تولیدساعت
umfangsreich (Adj) (6)	کامل
die Umfrage, - n (2A1)	همه پرسی
um/gehen (mit/Dat.) (4A2)	کار کردن (با چیزی)
umweltfreundlich (Adj) (8A2)	سازگار با محیط زیست
unbekannt (Adj)	ناشناس
unbewiesen (Adj)	اثبات نشده
der Unfallwagen, - (2Üb.)	ماشین تصادفی
unfreundlich (1B)	بداخلاق
ungewöhnlich (2A2)	غیرعادی
unschuldig (Adj)	بی گناه – بی تقصیر
die Unterlage, - n (8W)	پیوست
unterrichten (3Te.)	تدریس کردن
unterscheiden (3Gr.)	فرق گذاشتن، تمیز دادن
unterwegs (4A1)	در بین راه
unvorbereitet (3A1)	آماده نبودن
uralt (6Üb.)	بسیار قدیمی

V

sich verändern (4A1)	تغییر یافتن، دگرگون شدن
jmdn. verärgern (4A1)	(کسی را) ناراحت / عصبانی کردن
verbessern (3A1)	بهبود بخشیدن – تصحیح کردن
verderben:	
Du verdirbst mir das Geschäft! (4A2)	تو کاسبی من را خراب می کنی!
der Verdienst, -e (2C)	درآمد – عایدی
die Vergangenheitsform	فرم / صورت گذشته (ماضی)
der Vergleichsatz, -Vergleichsätze (5B)	جمله مقایسه ای
vergrößern (3A1)	اینجا: افزایش دادن، بیشتر کردن
sich verirren (4A1)	راه را گم کردن
die Verkehrsausstellung, -en (6A1)	نمایشگاه صنایع ترافیکی
das Verkehrsmittel, (6A1)	وسیله ی نقلیه (عمومی)
die Verkehrsverbindung	ارتباط رفت و آمد بین دو مکان
vermeiden (8W)	اجتناب کردن – پرهیز کردن
vermissen (6C)	دلنگ شدن (برای کسی / چیزی)
vermuten (4)	حدس زدن – احتمال دادن
die Vermutung, -en (4)	حدس – احتمال
verpacken (3Üb.)	بسته بندی کردن
verreisen	در مسافرت بودن – مسافرت رفتن
verrückt (Adj)	دیوانه
die Versandabteilung (3A2)	بخش ارسال
verschicken (3A2)	فرستادن
verschieden (Adj) (6A)	متفاوت
die Verschönerung, -en (6A4)	زیباسازی
versichern (1A)	بیمه کردن
versichert (1A)	بیمه شده
die Versicherung, -en (2A1)	بیمه
die Versicherungssumme, -n (2A1)	مبلغی که بیمه می پردازد
verschwenden (2W)	هدر دادن – اسراف کردن
verständlich (3A1)	قابل فهم

vertragen	تحمل کردن – طاقت چیزی را داشتن
der/die Verwandte, - n (4A1)	خویشاوند، فامیل
der Vetter, - n	پسر عمو / عمه / خاله / دایی
der Vogel, „ (2A1)	پرنده
der Vokal, - e (1Gr.)	حرف صدا دار
die Volksbücherei, - en (4A1)	کتابخانه‌ی عمومی
die Volksschule, - n (4A1)	دبستان
der Volkswagen (5A2)	اتومبیل فولکس واگن
voll (4A2)	پُر
völlig (Adj)	کاملاً
vorbereiten (3A2)	آماده کردن
vorher (4A)	قبلاً – پیشتر
vorläufig (3A1)	فعلاً، موقتاً
vor/legen (2A1)	ارائه کردن
vorn (4A1)	جلو
die Vorsicht, - (2B)	احتیاط، دقت
vorsichtig (1A)	محتاط
sei vorsichtig! (1A)	احتیاط کن!
sich etwas vorstellen:	
Stell dir vor, ... (1A)	تصورش را بکن، ...
die Vorstellung, -en (4A2)	نمایش
etwas vortäuschen (2A1)	اینجا: صحنه‌سازی کردن
der Vorteil, e (6A1)	مزیت، امتیاز
Vorteilhaft (Adj) 3A	مفید – سودمند

W

der Wagen, - (4A2)	اینجا: گاری، چرخ دستی
wählen	انتخاب کردن – برداشتن (درس / واحد درسی)
die Wahrscheinlichkeit	احتمال

die	Ware, - n (4A2)	جنس، کالا
	Was ist aus der Uhr geworden? (1A)	کار ساعت به کجا کشید؟
die	Waschmaschine, - n (6A3)	ماشین لباسشویی
	weder noch (2A1)	نه نه
der	Wecker	ساعت شماطه / زنگ دار
	wegen dir (4A2)	به خاطر تو
	weg/fahren (5B)	از جایی رفتن، محلی را ترک کردن
die	Weihnachtsferien (Pl.)	تعطیلات کریسمس
die	Weise, - n (2A2)	شیوه، روش، طریق، نحو
der	Weißkohl:	کلم بیچ
	Das halte ich für Weißkohl.	فکر می کنم کلم بیچ باشد.
	weiter / entwickeln (6A2)	کامل کردن، گسترش / توسعه دادن
die	Weltreise, - n (4A1)	سفر دور دنیا
die	Weltsprache, - n (3A1)	زبان جهانی
das	Wenn und Aber (5A1)	اگر و اما
das	Werbeplakate, - (6A4)	پوستر تبلیغاتی
die	Werbung (6)	تبلیغات
die	Werkstatt	تعمیرگاه
	wertvoll (1A)	با ارزش، قیمتی
	wert / sein	ارزش (معین) داشتن، به چیزی ارزیدن
	Bei diesem Wetter! (1A)	با این هوا!
	wirklich (2A)	واقعاً، حقیقتاً
das	Wochenende, -n (1A)	آخر هفته
	wohl	خوب
der	Wortwechsel, - (4A2)	بگو مگو
	Wovon lebt er? (1Gr.)	از کجا امرار معاش می کند؟
	Kein Wunder! (3B)	جای تعجب نیست!
der	Wünschsatz	جمله آرزویی
	wütend(Adj)	عصبانی – خشمگین

Z

	zahlen (5A1)	پرداخت کردن
die	Zeile	سطر
	in absehbarer Zeit (3A1)	در آینده‌ی نزدیک
	Zeit nehmen (sich + Dat., für/zu etwas)	وقت گذاشتن برای (کاری / کسی)
die	zeitschrift, -en (6Üb.)	مجله
der	Zielort (2C)	مقصد
die	Zigarre, -n (4Üb.)	سیگار برگ
	zerschneiden (2A2)	بریدن
	zertreten (3)	زیر پا له کردن، لگد کردن
der	Zoologe, - n (2A2)	جانورشناس
	zorn (7)	عصبانیت – خشم
	zugegeben. (4A1) = Ich gebe zu.	اقرار می‌کنم. تصدیق می‌کنم، حرفت قبوله.
	zu/hören (3A2)	گوش (فرا) دادن به (سخنان) کسی
	Hören Sie mal zu! (3A2)	به من گوش کنید!
der	Zuhörer, - (4A2)	شنونده
	zukünftig	آینده – آتی
	zunächst	در ابتدا، در بدو امر
	zurück / geben (2A1)	پس دادن، باز گرداندن
die	Zusammenarbeit	همکاری
	zusammensetzen (3)	کنار هم چیدن
	zusammenstellen (3A2)	تدارک دیدن – درست کردن
	zuschneiden (3)	اندازه گرفتن و بریدن (از روی الگو)
	zuständig (Adj)	مسئول
die	Zutat, en (3A2)	اجزای سازنده – وسایل مورد نیاز



مستفان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آمان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطلب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوطه و یا پیام نگار (Email:

talif@talif.sch.ir) ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی دبستان کتاب هجری

